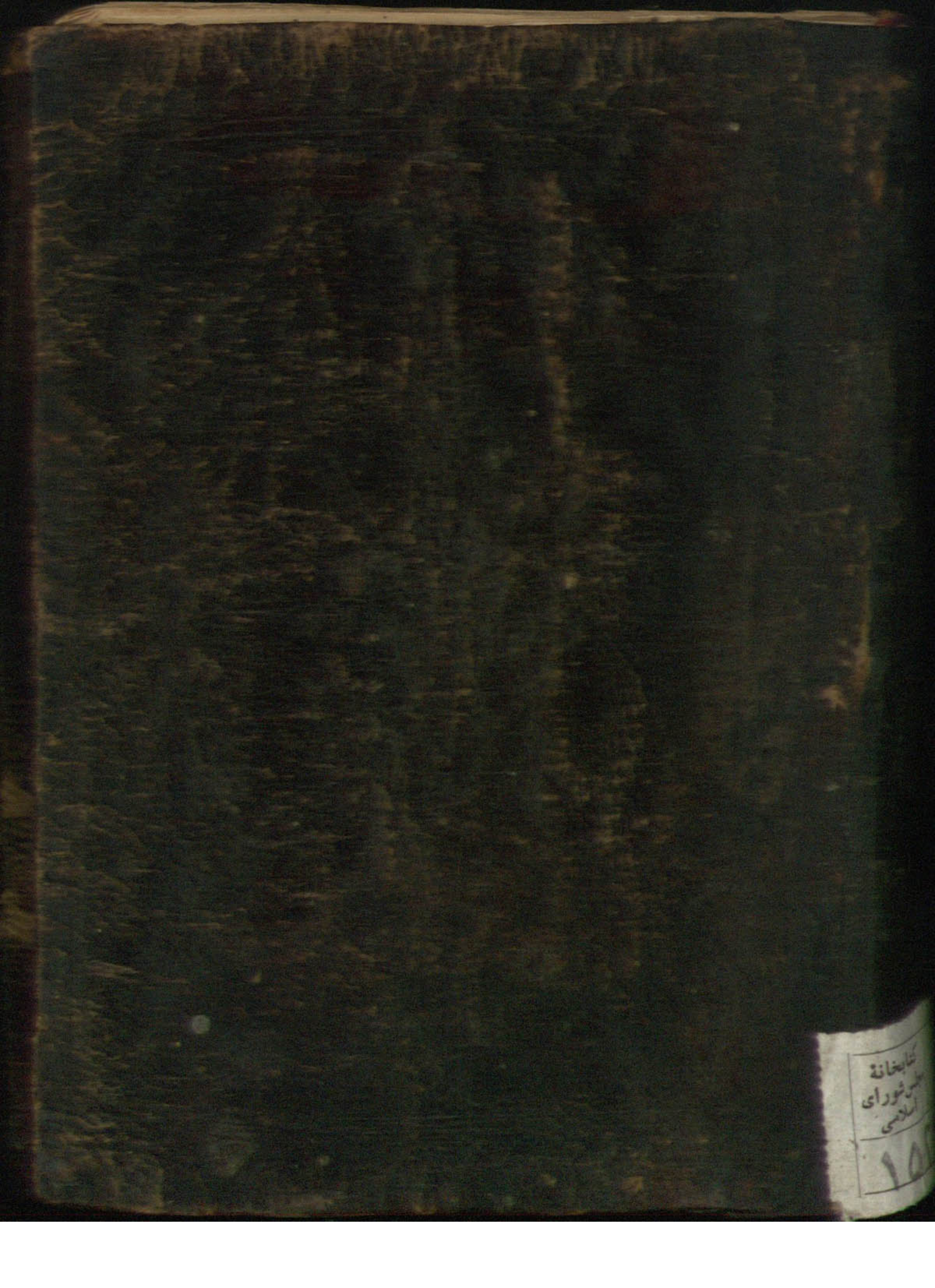
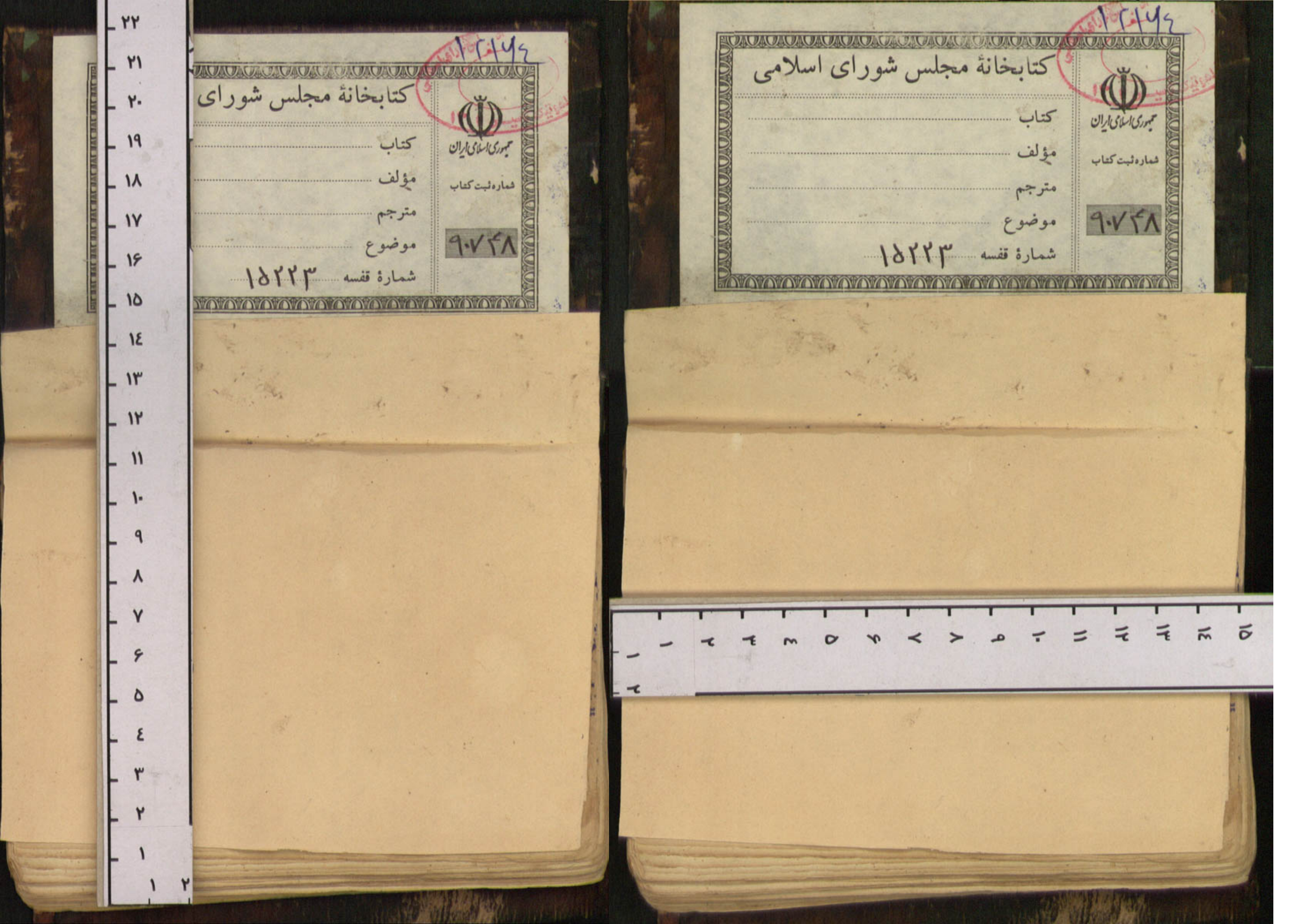

کتابخانهٔ
مجلس شورای
اسلامی


کتابخانهٔ مجلس شورای
جمهوری اسلامی ایران
کتاب
مؤلف
مترجم
موضوع
شمارهٔ قفسه ۱۵۲۲۳
شماره ثبت کتاب
۹۰۷۴۸
کتابخانهٔ مجلس شورای اسلامی
جمهوری اسلامی ایران
کتاب
مؤلف
مترجم
موضوع
شمارهٔ قفسه ۱۵۲۲۳
شماره ثبت کتاب
۹۰۷۴۸

و گواهی ناحق دادن و بدعت نهادن و غیبت کردن و شنیدن و
خمر و بنگ خوردن و قمار باختن و ربا خوردن و غنا خواندن و
شنیدن و زنا و لواط و خون ناحق کردن و زکات و خمس ندادن و
نماز نکردن و مصر بر انواع گناهان بودن و ذکر خوف و رجا و
بینائی و شرافت عمر و غفلت آدمی و رسیدن بلایا و اجل و مجملی از
احوال عالم برزخ تا مبعوث شدن در عالم باقی و نصایح و قصص
مشتمله بر ترک دنیا مانند قصه یوزآسف و بلوهر و غیر آن و بیوفائی
دنیا و شرح صفات حرص و مباحثه با نفس کردن و بیان قبض روح
مومن و کافر و احوال دجال و رجعت ائمه و شرح احوال و اثبات
معاد و حقیقت مرگ از برای عباد و اثبات عالم برزخ و محل
روح تا روز معاد و اثبات بعضی از علامات قیامت که واقع
میشود پیش از نفخه صور و دمیدن ناقور و ذکر احوال پیش از
قیامت که حق تعالی بر وقوع آن خبر داده و حشر وحوش که حق تعالی
در قرآن مجید فرموده و حشر مجانین و اطفال و میزان و حساب
و سؤال و سؤال از رسل و شهادت شهدا و طیران نامها و کوثر

و ذکر او و آن ده هزار بیت است جلد ۱۰۴ رساله مناهج الزیارات که مشتمل
بر آداب زیارت هر یک از ائمه طاهرین ع و آن سه هزار و پانصد بیت است
۱۰۵ رساله مفرح القلوب که مشتمل است بر احادیث ائمه اطهار در دفع
الامراض و آن سه هزار بیت است ۱۰۶ رساله مناهج التوابین که مشتمل
است بر فضیلت توبه و توابین و آن هزار و پانصد بیت است ۱۰۷
رساله توجیه الصلوات که مشتمل است بر معنی نماز و آن هزار بیت است ۱۰۸
رساله مباحثة النفس که مشتمل است بر ذکر مباحثه نفس و آن هزار بیت است
۱۰۹ رساله سراج اللیل که مشتمل است بر فضائل و آداب نماز نافله
شب و ادعیه متعلق بآن و آن سیصد بیت است بیستم رساله سواء
المنهج که مشتمل است بر فضیلت حج و آن سیصد بیت است ۲۰۱ رساله
ارباح المتاجر که مشتمل است بر فضیلت تجارت و آن چهارصد بیت است
۲۰۲ رساله تعقیب الصلوة که مشتمل است بر تعقیبات نماز پنجگانه و
ادعیه ایام سبعه و آن پانصد بیت است ۲۰۳ رساله فضائل التمتع که مشتمل است
بر فضیلت متعه و حلال کردن مهر زنان و آن سیصد بیت است ۲۰۴ رساله معادن
العلوم که مشتمل است بر علوم غریبه و عجیبه و خطوط و آن ده هزار بیت
است ۲۰۵ رساله اصول دین که مختصر است از ارکان الایمان و آن
پانصد بیت است و علاوه ابیات انجم مذکور شد چهارصد هشتاد و شش
هزار و سیصد بیت است و چهار رساله بعد از سن تکلیف ابتدا شد

و مدت

و احوال آن و صفات بهشت و جهنم و اهل آن و آن دویست هزار بیت است جلد نهم
کتاب زینة الاعمال که مشتمل است بر آداب نماز و روزه واجبه و سنت و تعقیبات و
ادعیه شبانه روز و زیارات و اوراد و ادعیه مخصوص باوقات و غیر آن و آن هشتاد هزار
بیت است جلد دهم کتاب زینة الاخبار که مشتمل است بر اثبات وجوب
وجود باری تعالی و وحدت و صفات و خلقت اشیا و فوائد فرستادن پیغمبران و
اوصیا و پیغمبرانی که تصریح شده باسم ایشان و تعداد و کیفیت احوال ایشان از
حضرت آدم تا خاتم و ذکر مجملی از احوال پادشاهان جهان و سلاطین زمان و بشارت
دادن انبیا بنبوت و بعثت پیغمبر آخر الزمان و بیان ولادت و نسب و
احوال شریف آن سرور در هنگام طفولیت تا زمان بعثت و مزاوجت و
تعداد اسامی و نقش خواتیم و حراب و اسلحه و سایر منسوبات و مجملی از اوصاف و
معجزات بدن شریف و اخلاق حمیده و فضائل و اثبات وجوب محبت و ولا و
تعظیم و توقیر و آداب معاشرت و عصمت و نهی از مخالفت و وفور علم و
معجزات علویات و حیوانات و استجابت دعوات و احیای اموات و معجزات در
کفایت شر دشمنان از انسان و جنیان و از غیب خبر دادن و بامر باری تعالی و
مبعوث شدن و معراج رفتن و مشاهده نمودن آثار عجیبه و غریبه و هجرت
اصحاب بسوی حبشه و تزویج و دخول از شعب و سیر اوصیا و فوت ابو طالب
و کیفیت و سبب هجرت آن پیغمبر مشرق و مغارب و ذکر نزول و اجلال آن

ومنازل حضرت خاتم انبیا و اهل بیت اتقیا و شفاعت شفیع
روز جزا محمد مصطفی و ائمهٔ هدی و اثبات صراط و بهشت و دوزخ
وصفت بهشت و جهنم و اعراف و اهل آن و ذکر جماعتی که داخل
میشوند در جهنم و خاتمهٔ احوال عالم و نصایح و اخبار متفرقه
وصفت بعضی از اخلاق خلق این زمان ومن الله استعین
وعلیه التکلان و آن صد پنجاه هزار بیت است **جلد چهارم**
رسالهٔ ارکان الایمان که مشتمل است بر معرفت واجب الوجود
و اثبات توحید و صفات ثبوتیه و سلبیه و خلقت اشیا
و علت فرستادن پیغمبران و اثبات ائمهٔ اثنا عشر و بهشت
و دوزخ و عالم برزخ و محل روح و معاد و حشر و صراط و حساب
و میزان و سؤال و طیران نامها و شفاعت شفیع روز جزا
محمد مصطفی و ائمهٔ هدی و آن هشت هزار بیت است **جلد
پنجم** رسالهٔ مقصر الآمال که مشتمل است بر خوف و رجا و بیوفائی
عمر و شرافت آن و ذکر رسیدن پیک اجل و مذمت دنیا و
شرح مفاسد حرص و آن پنج هزار بیت است **جلد ششم**

رسالهٔ

رسالهٔ اخلاق المؤمنین که مشتمل است بر فضائل مستحبات و فضائل و
رعایت مؤمنان و آن شش هزار بیت است **جلد ۷** رسالهٔ تنبیه
المذنبین که مشتمل است بر مذمت معصیتها و آن شش هزار بیت
است **جلد هشتم** رسالهٔ جنت الزیر که مشتمل است بر فضائل زیارات
محمد مصطفی و فاطمهٔ زهرا و ائمهٔ هدی و امام زادهای عالیمقدار و اصحاب
ائمهٔ اطهار و جماعتی از صحابهٔ احمد مختار و آن سه هزار بیت است
جلد نهم رسالهٔ مصباح الانوار که مشتمل است بر فضائل علم و تعلیم قرآن
بفرزندان و آداب و شرایط و قرائت و استماع و متعلقات آن و آن
هزار بیت است **جلد ۱۰** رسالهٔ آداب الصلوة که مشتمل است بر عالم
شدن مسائل و احکام نماز از واجبات و محرمات و مکروهات و مستحبات
و آن ۲ هزار بیت است **جلد ۱۱** رسالهٔ مناهج العلما که مشتمل است بر
فضائل علم و تعلم و علما و اصناف علم و عمل نمودن بآن و علمائی که
جائز است متابعت ایشان و آن هزار و نهصد بیت است **جلد ۱۰۲**
رسالهٔ مناهج الدعوات که مشتمل است بر فضائل و آداب و شرایط و
اوقات دعا کردن و آن هزار بیت است **جلد ۱۰۳** رسالهٔ فضائل
الصلوة که مشتمل است بر فضائل نماز فریضه و سحر و جمله از تعقیبات

[illegible] ستاره در میدان جنگ
از ابتلال و فرانه و عیال و غزوات و تاریخ
خجسته مآل و اهل و عیال و وصیت و ابروی آنحضرت از رنج روز جزا شبیر
[illegible] زهرا و ذکر
اثبات و
فوائل امام و
جوب محبت سید
اوصیا و اهل بیت اتقیا
و تاریخ ولادت و مناقب و
اوصاف و دعوات اجابت آثار و
معجزات و غزوات و شهادت اهل بیت محنت و
ابتلا و فضیلت گریستن و گریانیدن بر اهل بیت حضرت رسالت
پناه ص و ذکر فضیلت تعمیر قبور مقدس محمد مصطفی و فاطمه زهرا و ائمه
هدی و فضائل زیارات مطلقه و مختصه هر یک از ایشان و امام زادهای
عالیمقدار و اصحاب ائمهٔ اطهار و جماعتی از صحابهٔ احمد مختار و فضیلت
نجف و مسجد کوفه و سهله و آب فرات و حایر کربلا و تربت قرة العین محمد
مصطفی ص و کیفیت استشفاع و توسل بائمهٔ اخیار و فضیلت جهاد با کفار
و ذکر فضائل و آداب و ادعیه وضو و اذان و اقامه و نماز و نماز در مسجد
نماز مستحبات و تعقیبات و قرائت آیة الکرسی و بعضی از ذکرها و
ذکر اهل بیت و صلوات بر خیر الوری و شب و روز جمعه و دعا و بعضی
امور متعلقه و گریستن از ترس خدا و روزه داشتن و آداب آن

وفضا

و مدت شش سال باتمام رسید با کثرت اشتغال در معیشت اهل
و عیال فی غرة شهر شعبان المعظم
سنه ۱۲۲۷

فضائل بسم الله الرحمن الرحيم الصلوات

الحمد لله الذی انزل علی عبده الکتاب لیدبروا آیاته
و لیتذکر اولوا الالباب والصلوة علی اشرف
من ارسله العزیز الوهاب وان له عندنا
لزلفی وحسن مآب و آله الطاهرین الاطیاب
الذی خلق لاتباعهم جنات عدن مفتحة لهم الابواب
متکئین فیها یدعون فیها بفاکهة کثیرة وشراب وعندهم
قاصرات الطرف اتراب ولاعدائهم وغاصبی حقوقهم
سوء العذاب لعنهم الله الی یوم الحساب اما بعد این
خلاصه ایست از زینة الاحبار در فضیلت نماز فرضیه وسنتیه
وبعضی از تعقیبات وذکرها که در سلک نظم کشیده است

حقیر ضعیف قاسم ابن محمد شریف مسمی بفضائل الصلوات
مشتمل است بر مقدمه ونه باب وخاتمه مقدمه در بیان
فضیلت وضو است باب اول در بیان فضیلت نماز فریضه است
باب دویم در بیان فضیلت نماز جماعت است باب سیم
در بیان نماز فضیلت اذان واقامه است باب چهارم در
بیان فضیلت نماز در مسجدها است باب پنجم در
بیان فضیلت نماز شب است باب ششم در بیان
نماز غفیله وجعفر طیار است باب هفتم در بیان
بعضی از تعقیبات نماز است باب هشتم در بیان فضیلت
ذکر حق تعالی است باب نهم در بیان فضایل ذکر اهل بیت
صلوات وبعضی امور مناسب است خاتمه در بیان
فضیلت شب وروز جمعه است اما مقدمه در بیان فضیلت
ماء آب وضو ساختن است از اهل بیت مقولست

که هر که وضو بسازد وذکر اسم حق تعالی بکند جسد او
پاک شود وهر که ذکر اسم حق تعالی نکند جسد او پاک
نشود مگر آنچه آب بدو رسیده باشد وهر وضوئی تا
وضوی دیگر کفاره گناهانست واز حضرت صادق
منقولست که هر که وضو بسازد وآب وضو را خشک
سازد برای او یک حسنه نوشته میشود واگر خشک
نسازد تا خود خشک شود برای او سی حسنه نوشته
شود واز حضرت رسول منقولست که چون که دست
بر آب زند برای وضو ساختن فرو ریزد گناهانی
که از هر دو دست کسب کرده باشد وچون روی
خود را بشوید فرو ریزد گناهانی که چشم او کرده است
وسخنی که دهان او گفته است وچون دو زراع خود را
بشوید فرو ریزد گناهان دست راست وچپ او

وچون مسح سر وپای خود نماید فرو ریزد گناهانی
که بقدم خود بسوی آن رفته وچون بنماز رود و
نماز را تمام کند از گناهان بیرون آید مانند روزی
که از مادر متولد شده باشد ودر حدیث دیگر فرمود
که هر که برای وضو دست بر آب زند شیطان از او
دور گردد وچون مضمضه کند نورانی شود دل
وزبان او بحکمت وچون استنشاق کند ایمن
گرداند حق تعالی او را از آتش وبوی جهنم را نشنود با وجود
آنکه پانصد سال راه شنیده میشود وچون روی خود را
بشوید سفید گرداند حق تعالی روی او را در روزی که
روها سیاه باشد وچون دو ساعد خود را بشوید
حرام کرداند بر او حق تعالی غلهای آتش را وچون سر خود را
مسح نماید زایل سازد حق تعالی از او بدیهای او وچون

مسح پاهای خود کند حق تعالی ثابت سازد پاهای او را
از پل صراط در روزی که پاها میلغزد در آن
و در حدیث دیگر فرمود که هر که ناخوش جماع کند
با اهل خود هفتاد هزار فرشته بالهای خود را در
زیر او گذارند تا فارغ شود و چون غسل کند
بنا کند حق تعالی برای او بهر قطرهٔ که از غسل او میچکد
خانهٔ در بهشت و حق تعالی زشتیهای ورا نادیده
می انگارد و عیوبهای ورا نیکی آورد و در حدیث دیگر
فرمود که هر قطرهٔ که از آب غسل یا وضو میچکد حق تعالی
ملکی خلق میکند که ~~[illegible]~~ تسبیح و تهلیل و طلب
استغفار کنند برای او تا در روز قیامت و در حدیث
دیگر فرمود که هر که در وقت نماز نماز گذارد و شرایط
و آداب او را بجا آورد حق تعالی برای او ثواب یک حج و یک

عمره

و یک عمره بنویسید و از اهل علیین بهشت باشد
و در این باب اخبار بسیار هست اما آداب وضو
از حضرت امام محمد باقر ع منقولست که آداب وضوی
حضرت رسول ص بر این نهج بود که قدح آب میطلبید
و دست راست خود را در آن قدح میکرد و کف آبی
بر میگرفت و میریخت بر روی مبارک خود از جانب
بالای خود سر پیشانی میراند دست مبارک را هر دو جانب
رو تا آب بهمه جا جاری میکردید و بعد از آن دست
چپ را داخل قدح میکرد و کف آبی برمیداشت
و بر دست راست میریخت و دست مبارک میراند
تا آب در همه جای او جاری میکردید و بعد از آن بدست
راست کف آبی برگرفت و بر دست چپ خود ریخت بطریق
مذکور و بعد از آن مسح میکرد به بقیه تری که در دست

خود داشت سر مبارک خود را مسح میکرد و همچنین
پاهای خود را بر آن تری مسح میکرد و آب تازه بر
نمیداشت و بعد از آن فرمود که شستن رو با انگشت
وسطی و ابهام کافیست هر چند که آن دو انگشت
فرو برد و شقیقه داخل رو نیست و هر چه بر آن موی
روییده است و رو را فرا گرفته مانند ریش محاسن
و سبیل و امثال آن لازم نیست آب در زیر آن
رسانیدن مگر ریش کم تنک باشد و از حضرت
امام ناطق جعفر ابن محمد صادق ع منقولست که روزی
حضرت امیر المؤمنین و امام المتقین اسد الله الغالب
علی ابن ابیطالب بفرزند خود محمد حنفیه گفت که ای محمد
بیار از برای من ظرفی از آب تا وضو بسازم چون
آب از برای او حاضر ساخت پس آنجناب از آن آب

بدست

بدست راست برداشت و بدست چپ خود ریخت و این دعا
خواند بسم الله والحمد لله جعل الماء طهورا ولم
یجعله نجسا یعنی حمد و ستایش خدای را که گردانید
آب را پاک و پاک کننده تا آن خود را از حدث پاک
سازند بعد از آن استنجا نمودند یعنی در مقام
تطهیر عورتین در آمدند و در آن حین مرتکب
خواندن این دعا شدند اللهم حصن فرجی
واستر عورتی وحرمنی علی النار یعنی خداوندا نگاه
دار عورت مرا از ملامست بدن نامحرم و نظر افتادن
غیر بر آن و بپوشان عورت مرا از چشم مردم و حرام گردان
بدن مرا از آتش دوزخ تا نتواند مرا دریافت و بعد
از آن مضمضه یعنی سر مشتر بدست مبارک آب در دهان
کردند و این دعا خواندند اللهم لقنی حجتی یوم القاک

وَأَطْلِقْ لِسَانِي بِذِكْرِكَ وَشُكْرِكَ یعنی بارخدایا تفهیم
من کن و زبان من ده حجت مرا روزی که بموقف
لقاء تو درآییم تا آن توسل جوییم بجواب آنچه از من
پسند و گویا گردان زبان مرا بذکر خود تا همیشه بآن
مشغول باشم بعد از آن استنشاق کردند یعنی سر بینی
آب در بینی کردند و این دعا خواندند اللَّهُمَّ لَا تُحَرِّمْ
عَلَيَّ رِيحَ الْجَنَّةِ وَاجْعَلْنِي مِمَّنْ يَشُمُّ رِيحَهَا وَرَوْحَهَا
وَرَيْحَانَهَا وَطِيبَهَا یعنی بارخدایا حرام بر من مگردان
نسیم بهشت را و بگردان مرا از جمله کسانی که استنشاق
کننده‌اند و از بوی خوش آن دماغ جان را معطر میسازند
بعد از آن روی مبارک شستند و این دعا خواندند
اللَّهُمَّ بَيِّضْ وَجْهِي يَوْمَ تَبْيَضُّ فِيهِ الْوُجُوهُ وَلَا تُسَوِّدْ
وَجْهِي يَوْمَ تَسْوَدُّ فِيهِ الْوُجُوهُ یعنی بارخدایا سفید

گردان

گردان روی مرا روزی که بندگان گناه کار تو از خجلت بسیاری
گناه خود سیاه رو میشوند و سیاه رو مگردان روی
مرا روزی که بندگان نیکو کردار در جزای حسن کردار
سفید رو میباشند و بعد از آن دست راست را شستند
و این دعا خواندند اللَّهُمَّ أَعْطِنِي كِتَابِي بِيَمِينِي وَالْخُلْدَ
فِي الْجِنَانِ بِيَسَارِي وَحَاسِبْنِي حِسَابًا يَسِيرًا یعنی بار
خدایا در روز عرصات که نامه اعمال گنهکاران را بدست
چپ میدهی نامه اعمال مرا بدست راست من عطا کن
و از گناهان من درگذر و بهشت عنبر سرشت را
بآسانی بمن ارزانی کن و چون مرا در عرصات بعرض
حساب درآوری حساب مرا بآسانی بگذران بعد از آن
دست چپ را شستند و این دعا خواندند اللَّهُمَّ
لَا تُعْطِنِي كِتَابِي بِشِمَالِي وَلَا مِنْ وَرَاءِ ظَهْرِي وَلَا تَجْعَلْهَا

مَغْلُولَةً إِلَى عُنُقِي وَأَعُوذُ بِكَ رَبِّي مِنْ مُقَطَّعَاتِ
النِّيرَانِ یعنی بارخدایا نامه اعمال مرا در موقف عرصات
بدست چپ من مده و مگردان آنرا طوق گردن
من و پناه میبرم برحمت و مغفرت تو از جامها
که خیاط قهر و غضب تو از قطعه آتش فراهم
آورده است و بجهت پوشش بندگان گناه کار
مقرر شده بعد از آن مسح سر مبارک کردند و
این دعا خواندند اللَّهُمَّ غَشِّنِي بِرَحْمَتِكَ وَبَرَكَاتِكَ مِنْ عَفْوِكَ
یعنی بارخدایا رحمت خود را شامل حال من ساز
و از برکات نعمت خود مرا بهره مند گردان بعد از آن پاها را
مسح کردند و این دعا را بر زبان معجز بیان جاری ساختند
اللَّهُمَّ ثَبِّتْ قَدَمَيَّ عَلَى الصِّرَاطِ يَوْمَ تَزِلُّ عَلَيْهِ الْأَقْدَامُ
وَاجْعَلْ سَعْيِي فِيمَا يُرْضِيكَ عَنِّي يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ

یعنی

یعنی بارخدایا بر پا دار مرا از صراط و اقدام مرا از لغزیدن
و لغزیدن بر آن در روزی که قدمهای عاصیان در حین
مرور بر آن بلغزش در می‌آید و همچنین سعی مرا مصروف دار
بر امری که متضمن حصول رضای تو باشد انس بعد از آن
فرمودند یا محمد هر بنده از بندگان حق تعالی که مثل این وضو
بسازد و بگوید آنچه من گفتم هر آینه بیافریند حق تعالی
بهر قطره از قطرات آبی که در آن وضو صرف کرده است
ملکی که تقدیس و تسبیح و تکبیر حمد او کنند تا روز
قیامت و ثواب اعمال ایشان را تا روز قیامت در نامه
اعمال او ثبت کردد و از حضرت صادق منقول است که در
جائی که آب نباشد غسل و وضو و تیمم کنید باین وجه
که دستها را بر خاک بزنید و مسح کنید رو را بکعبین
خود و انگشتان را متصل بهم کرده باشید و بعد از آن کعب

دست چپ را بر پشت دست راست باید مالید همچنین
دست راست را بر دست چپ باید مالید **باب اول**
در بیان فضیلت نماز است چنانچه از اهل بیت منقولست
که یکنماز بهتر است از بیست حج و حج فریضه بهتر است
از خانهٔ که پر از زر سرخ باشد و همه صدقه شود در
راه خدا و در حدیث دیگر منقولست که هیچ چیز بنده را
تقرب بخدا نمیگرداند مانند نماز و از حضرت رسول صلعم
منقولست که چون بنده رو بقبله کند از برای نماز با
اخلاص و نیت کند و چون بگوید الله اکبر بیرون
آید از گناه مانند روزی که از مادر متولد شده باشد
و چون بگوید اعوذ بالله من الشیطان الرجیم بعدد هر
تار موی که بر تن اوست حق تعالی ثواب عبادت یکساله
در دیوان اعمال او بنویسد و چون قرائت حمد کند چنان

بوده که

بود که کتابه تمام کتابهای خدا را خوانده باشد و عمره بجا آورده
باشد و چون رکوع کند و تسبیح گوید چنان باشد که
بوزن خود زر سرخ تصدق فرداده باشد و چون رکوع
کند و تسبیح گوید چنان باشد که بوزن ~~چنان بود که~~
~~تمام کتابهای خدا خوانده باشد~~ و چون بگوید سمع
الله لمن حمده الحمد لله رب العالمین حق تعالی بنظر
رحمت بسوی او نظر کند و چون سجده کند و تسبیح گوید
حق تعالی ثواب دهد بعدد فرشتگان و چنان باشد
که بندهٔ آزاد کرده باشد و چون تشهد بخواند او را
ثواب صابرون عطا فرماید و چون ~~تشهد بخواند~~
و چون سلام دهد و فارغ شود بگشاید حق تعالی درهای
بهشت را پس از هر در بهشت که خواهد داخل شود و در حدیث دیگر
فرموده که چون برخیزد بنده از برای نماز فریضه و پیش

حق تعالی با بیند بدل و گوش و اخلاص نیت چون از نماز
فارغ شود بیرون آید از گناه چون روزی که از مادر
متولد شده باشد و در حدیث دیگر فرموده که فاضلترین
عملها بعد از ایمان نماز است و در حدیث دیگر فرموده که
نماز معراج امت منست و در حدیث دیگر فرموده که چون
بنده تکبیر نماز بگوید گناهان او جمع میشود بر پشت
او چون رکوع کند از او فرو ریزد چون برگ از درخت
و در حدیث دیگر فرموده که حق تعالی را فرشته هست که در هر وقت
نماز ندا میکند که ای مردمان برخیزید و بجا آرید تا نشانید
و کشتهٔ آتش دوزخ را و در حدیث دیگر فرموده که
هر که چهل روز در مسجد نماز کند حق تعالی برای او ثواب
چهل پیغمبر بنویسد و ثواب چهل هزار فرشته نیز بنویسد
و هر گناهی که پیش از آن کرده باشد حق تعالی بیامرزد و هر حاجت

که داشته

که داشته باشد برآورده میشود و در حدیث دیگر فرموده که
پنج نماز مثل پنج جوی آبست که بر در خانهٔ شما رود که هر روز پنج
بار غسل کنید که هیچ گردی و چرکی بر تن شما نماند یعنی
بدرستیکه پاک کرده اند او را از گناه یعنی هیچ گناه بر تن او نماند
و این در حالیست که نماز بر قاعدهٔ شریعت گذارده
باشد یعنی رکوع و سجود و قرائت بجا آورده شود چنانچه
طریقه که از شرع رسیده در رسالهٔ آداب الصلوة مذکور
شد پس هر که طالب طریقهٔ شرع باشد در آن رساله
رجوع نماید و در حدیث دیگر فرموده که نماز اول وقت
گذاردن موجب خوشنودی پروردگار است و در آخر
وقت باعث آمرزش گناهان ~~[illegible]~~ است و در
دیگر فرموده که هر که بگذارد نماز را چهل بامداد بجماعت اگر
همه عالم دشمن او باشند بر او ظفر نیابند و در حدیث دیگر

فرمود که نماز نور مؤمنست و قربان هر پرهیزکار است و نشانهٔ
ایمان نماز است و در حدیث دیگر فرمود که حق تعالی ضایع نمیکند
مزد ثواب نماز کذارندکان را و در حدیث دیگر فرمود که نماز
روشن کنندهٔ دلست و سبب آنکه فرشتهٔ بنده است با حضرت
عزت و باید نماز با خشوع باشد چنانکه [illegible] ند که در پهلوی او
کیست و در حدیث دیگر فرمود که ویل چاهیست در قعر
دوزخ و در انجا ماریست که دوزخ با همه عقوبت در شبانروز
دو ستی چند بار بحق تعالی بنالد و زنهار خواهد از کزند دهان
آن مار و آن جای کسی آیست که در نماز غافل باشد و در حدیث
دیگر فرمود که نزدیک نماز مروید تا وقتی که بدانید که چه
میکوئید و نیز اکر نماز مناجاتست و سبب چرا کند که دل
در نماز از غلبهٔ شهواتست در اندرون و این همه در
حب دنیاست که سر همه خطاهاست و بنیاد همه عصیانهاست

وهر که

وهر که دل او بدنیا خرم باشد از لذت مناجات محروم است
و از حضرت امام محمد باقر منقولست که بنای اسلام بر پنج چیز است
و آن نماز و روزه و زکات و حج و ولایت ماست و ولایت
ما افضل است زیرا که ولایت کلید فرایض است و در
حدیث دیگر فرمود که نماز ستون دین است و دین بدون
نماز دین نیست و در حدیث دیگر فرمود که اکر کسی شبها
بعبادت الهی باشد و روزها بروزه باشد و جمیع اموال
خود را در راه خدا صرف کند و تا زنده باشد همیشه حج
کند و بنا بامامت ائمه خود را حق تعالی او را هیچ ثواب
ندهد و از اهل ایمان نیست و اکر امامت ما را قبول داشته
باشد و مدت عمر خود کاری چیزی نکرده باشد از فضل
خود ممکنست که حق تعالی او را داخل بهشت کرداند و اکر
کسی هزار سال عمر کند و روزها را روزه کیرد و شبها را

ایستاده و تا صبح عبادت کند و یکی از ائمه خود را نداند اورا
ثوابی نخواهد بود و از آن عبادت ثوابی نخواهد داشت
ودر حدیث دیگر فرمود که اول چیزی که حساب کرده
میشود در روز قیامت نماز است پس اگر نماز مقبول
درگاه الهی شد باقی اعمال مقبول میشود واگر مردود
شد باقی اعمال مردود است واز حضرت امام محمد باقر ع
منقولست که چون بنده از شیعیان ما برخیزد به نماز
حق تعالی بعدد دستیان فرشتگان را میفرستد که در عقب
او نماز کنند واز برای او دعا کنند تا او از نماز فارغ
شود واز حضرت صادق ع منقولست که یک نماز بهتر است
از هزار حج که هر حجی بهتر باشد از هزار دنیا و مافیها
دینار که در راه خدا صرف شود و بسیار باشد که بنده
دو رکعت نماز گذارد بقصد رضای الهی و حق تعالی بسبب

آن دو رکعت

آن دو رکعت نماز اورا داخل بهشت گرداند و همچنین
دیناری که تصدق شود در محض رضای الهی و دوزه
که از برای رضای او باشد پس نیت را خالص کنید
و نماز را با حضور قلب بجا آورید واز حضرت رسول ص
منقولست که چون ظهر میشود درهای آسمان گشوده
میشود پس خوشا حال بنده که در اینوقت عمل صالح
اورا بالا برند واز حضرت امام محمد باقر ع منقولست
که چون نماز گذارنده بنماز می ایستد فرشتگان اورا
احاطه میکنند از محل پای او تا اطراف آسمان
و رحمت الهی بر او فایض میشود از اطراف آسمان
تا فرق سر او و فرشته ندا میکند که اگر نماز گذارنده
بداند که با کی مناجات میکند هرگز فارغ نمیشود
ودر حدیث دیگر فرمود که چون بنده رکوع و سجود

نماز را طول میدهد شیطان فریاد میکند که وای
بر من ایشان اطاعت خدا کردند و من عصیان
او کردم و ایشان سجده کردند و من ابا کردم و در
حدیث دیگر فرموده که هر که یک نماز را تمام بجا آورد حق تعالی
نماز او را قبول میکند هر چند باقی ناتمام باشد و
هر که تمام نکرده حق تعالی هیچ عبادتی او را قبول نفرماید
و هر که دو رکعت نماز بگذارد و بداند که چه میگوید
از اول تا آخر و چون فارغ شود هر گناهی که داشته باشد
همه محو شود زیرا که یک نماز با حضور قلب بهتر است از آن
عبادت یک شب تا صبح و هر که نماز قضا کند تمام میشود فرایض
او و از حضرت رسول منقولست که هر گاه که یک نماز خود را ضایع
کرده اند حق تعالی او را محشور کرده اند با قارون در هامان
و بهذا لازم است که او را داخل جهنم کرده اند با منافقان

پس

پس وای بر کسی و بد احوال کسی که محافظت نکند نماز
خود را و منقولست که حق تعالی هفت فرشته خلق کرده
و هر یک را دربان آسمانی کردانیده است که نگذارد
عملهای زشت از او بالا رود و باقی این حدیث را
حواله نمودم برساله تنبیه المذنبین و از حضرت رسول
منقولست که چون روز قیامت شود جهنم را در صحرای
محشر خواهند آورد و هفتاد هزار ملائکه مهار او را
دارند و هفتاد هزار ملائکه دیگر هستند که هر یک مهار را
گرفته میکشند پس جهان محشر را برهم زند که اگر او را
بگذارند اهل محشر را میسوزاند پس من متوجه جهنم
شوم جهنم گوید یا محمد با تو چکار است زیرا که حق تعالی گوشت
تو را بر من حرام کردانیده است پس در آن حال همه کس نفسی
نفسی گوید بغیر از پیغمبر ما که امتی امتی گوید و آتش جهنم

حکمتست که زبانه از زبانهای جهنم باشد پس هر که در وقت
نماز خود را ادا کند از آن زبانه ایمن گردد و از اهل بیت
منقولست که هر که در وقت نماز خفتن بمسجد رود
حق تعالی بدن او را بر آتش حرام کرده اند و هر که در تاریکی
بمسجد رود حق تعالی در روز قیامت او را روشنائی کرامت
فرماید پس بدان سبب وجوب این پنج نماز بجهت
حضرت آدم ع بود چنانچه مفصلاً در زینت الاکابر چون آدم را
از بهشت بیرون کردند تبدیل فرستادند خال سیاهی
در روی آنحضرت هم رسید و از سر تا پای او را فرو گرفت
پس آنحضرت بسیار حزین و گریان شد از جهت آن خال
سیاه پس جبرئیل نازل شد و آنحضرت را امر فرمود به
پنج وقت نماز و چون پنج وقت نماز را گذارد آن خال سیاه
برطرف شد پس در آنحال جبرئیل گفت ای آدم هر که

از فرزندان تو در این پنج وقت نماز کند بیرون
آید از گناهان مانند روزی که از مادر متولد شده
و همچنانکه تو از این خال سیاه بیرون آمدی و از حضرت
امیر المؤمنین ع منقولست که حضرت رسول ص فرمود
قسم بعزت و جلال پروردگاری که مرا بحق و براستی
فرستاده است که هر گاه برخیزد یکی از مؤمنان بجهت
نماز هر آینه میریزاند حق تعالی از اعضای او گناهان را
همچنانکه میریزد برگ از درخت و از حماد مرویست
که روزی حضرت صادق ع گفت که ای حماد نماز را
نیکو میگذاری باین نوع که من میگذارم پس آنجناب
برخاستند و رو بقبله کرده و راست ایستادند
و هر دو دست را بر روی رانها نهادند و انگشتان را
بهم ضم کردند و پاها را از هم دور گذاشتند بمقدار

نماز از حق تعالی برات میگیرد برای نمازکنندگان و در آن
برات نوشته است که منم خدای پاینده ای بندگان من
شما در پناه منید و شما را در حفظ و حمایت خود
دارم و وانگذارم و گناهان شما را بیامرزم و در هر
وقت نماز باین مضمون برات میگیرد و هر کس
پنج نماز را در وقت خود گذارد و محافظت شروط
و ارکان آن نماید آن نماز را روشن و نورانی
باسمان برند و آن نماز صاحب خود را دعا کند
و گوید همچنانکه مرا محافظت نمودی و ضایع نکردی
خدا ترا محافظت کند و ضایع نگذارد و اگر بیوقت
کند و محافظت او نکند سیاه و ظلمانی برگردد و
بصاحبش گوید که مرا ضایع کردی خدا ترا ضایع
کند و هر کس نماز را خفیف و حدود و ارکان او را

بجا نیاورد او از حوض کوثر و شفاعت اهل بیت بی نصیب
باشد و از حضرت رسول ص منقولست که هر که نماز را
سبک کند از امت من باشد و از اهل بیت مرویست
که هر که در اول وقت نماز را تاخیر کند گناهی کرده باشد
و چون آخر وقت کند گناه او عفو شود و هر که بی ضرورت
تاخیر کند موجب غضب الهی گردد و وقت هر نماز
درهای آسمان گشوده میشود تا اعمال را بالا برند
و اول طلوع صبح وقتیست که ملائکه شب باسمان میروند
و ملائکه روز بزمین می آیند پس هر که نماز صبح را در
آنوقت بگذارد هر دو ملائکه در روز حساب برای
او گواهی دهند و آن نماز را دو مرتبه ثبت نمایند
و هر که نماز صبح را تاخیر کند تا ستارها برطرف شود
ملعونست و هر که نماز شام را تاخیر کند تا ستارها

سر انگشت پس از روی خشوع گفتند الله اکبر بعد از آن
حمد و سوره را قراءت نمودند و اندکی درنگ
نمودند و دست برداشتند و برابر رو بردند و تکبیر
گفتند و رکوع کردند و پر کرد کف دستها را از
زانوها و انگشتان دستها را از هم گشاده داشتند
و زانوها بجانب عقب شکستند و پشت مبارک
خود را آنچنان مستوی و راست نگه داشتند
که اگر قطرهٔ آب بر پشت آنجناب میریخت از هیچ
طرف حرکت نمیکرد و گردن را کشیدند و سه مرتبه
تسبیح بجا آوردند و بعد از آن راست ایستادند
و آرام گرفتند و تکبیر گفتند و بسجده رفتند و هر
دو دست را برابر زانوها بیرون آوردند و انگشتان را
بهم ضم کردند و محاذی رو نگاه داشتند و سه مرتبه

تسبیح

تسبیح گفتند و در حال سجده هیچیک از اعضای خود را
چنان نکردند که با اعضای دیگر نهاده شود و بر هفت
عضو سجده کردند که هر دو کف دستها و هر دو
آیینهٔ زانوها و هر دو انگشتان شست پاها و
جبهه و انف باشد و فرمودند که این هفت موضع
واجب است که اگر ترک شود نماز باطل است پس بعد
از آن راست نشستند بر ران چپ خود و تکبیر گفتند
و استغفار کردند و باز تکبیر گفتند و بسجدهٔ دوم
رفتند و با آداب سجدهٔ اولی عمل نمودند و بعد از آن
تشهد و سلام بجا آوردند و فرمودند که ای حماد
چنین نماز بگذار و فارغ دار دل خود را از غیر نماز
و قراءت را تند و شتاب مکن و واضح ساز الفاظ را
و منقولست که حق تعالی را فرشته ایست که در هر وقت

نمایان شود اهل بیت از او بیزار شوند و هر که نماز
عشا را تا خیر کند تا نصف شب ملائکه بر او نفرین
کنند و چون بیدار شود باید نماز را قضا کند و
آن روز را روزه گیرد و هر که در وقت شروع اذان و
اقامه گوید دو صف از ملائکه در پشت سر او نماز
کنند و اگر اقامت تنها بگوید یک صف در عقب
او نماز کنند که هر صفی از مشرق تا مغرب باشد
و هر که در پنج نماز سورهٔ توحید نخواند فرشته ندا
کند و گوید ای بندهٔ خدا تو از نماز کنندگان نیستی
و هر که رکوع را تمام کند از وحشت قبر ایمن گردد و
اتمام رکوع آنست که دستها را بر زانو بگیرد و زانوها را
در عقب شکند و گردن بکشد و هر که در نماز دل
با خدا دارد گناهانش آمرزیده شود و بعدد هر حرفی

که خواند

که خواند حق تعالی درجهٔ از طلا و درجهٔ از نقره و درجهٔ
از لؤلؤ و درجهٔ از گوهر و درجهٔ از زبرجد سبز و درجهٔ
از مروارید و درجهٔ از زمرد و درجهٔ از نور باو عطا
فرماید پس ای عزیزی که تکبیر نماز کلید جنانست و
استعاذه اش دافع جنود وساوس شیطانست و نور
بسمله اش چراغ محفل قرب حضرت سبحانیست و آیات
فاتحه و سوره اش هر یک صیقلیست زنگ از دل
پرداز و قراءت دعوات ماثوره اش هر یک دامن دست
امیدیست بر دامن کرم الهی دراز و هر رکعتش
از بهشت بندگی روضه ایست و بکلمات تسبیح
و قراءت آراسته و هرزه گوی عشق از قلزم
تذلل و افکندگی موجیست پس بنیم توفیق الهی بر
خواسته و هر چند که بکوعش از درگاه عبودیت

طاقیست وهرجبهه سائی سجودش بر تارک نفس اماره
سر بر سر هوا مطواقی وهر قیامش نخلیست مثمر چندین
ثواب کوناکون وهرگاه قعودش کلبنی پربار از کلهای
شرف وسعادات از حد فزون ودو دست کشاده
در قنوتش طایر دعارا در طیران اوج اجابت شهپریست
وشهادتین تشهدش از اصل ایمان دوشاخ پر
ثمر وبرکات تسلیماتش قامت اقامت بندکی را
خلعت کمال ودعوات تعقیباتش عروس طاعت را
زینت افزای حسن وجمال در فضیلت وشرافت
نماز همین بس که از معراج مؤمن کفته اند چه بنده
باآن بر سپهر شبر قرب الهی عروج وبر اوج سعادت
مکالمه خداوند خود صعود مینماید سبحان الله
چه عقل وچه سفاهت وچه حماقت وچه نادانیست

کرادمی

کرادمی اکر بخدمت پادشاه یا حاکم دیاری برسد
وبا وی دو کلمه سخن بکوید سالها بآن مینازد وانرا
مناقب شرف واعتبار خود میسازد وشبانروزی
اقلا پنج بار انوار سعادت تکلیف بر ساحت احوالش
میتابد وبدرکاه پادشاه پادشاهان یعنی با خداوند
بی بیانه مشافهه راز میکوید ومطالب دوجهانی
خودرا از جناب حضرت احدیت بی وساطت احدی باز میجوید
کاه بچوکان رکوع کوی فرخندکی از میدان بندکی میرباید
وکاه بوسیله قیام وقعود در بارکاه قرب آلهی با خواص
اندرکاه نشست وبرخواست مینماید واز چنین سعادات
کروی امیر کشته اکثر اوقات ساهی وغافل ودر
کذارش آن کران خیز وکاهل میباشد وبعد از آنکه
باکراه تمامش در اداء آن بصد جر ثقیل باز

کند ارش از بر دوش طبیعت نهاد همت فارش
همکی مقصود بر آنست که زود بانجام رساند و خود را
از ثقل شغل آن سبکبار کرداند و با خود نمی اندیشد
که فی الحقیقه چشم دولت روی داده و در خدمت چکونه
پادشاهی جل ایستاده **نظم** ای انکه نباشد از
نمازت جز نام ؛ طاعت نبود همین قعود است و
قیام ؛ از بس به خطا سبک خیزی تو ؛ تکبیر
نکفته داری اندازی سلام و از **حضرت** امام علی نقی
منقول است که حضرت موسی از حق تعالی سؤال کرد که پروردکارا
چیست جزای کسی که تو را ایستاده نماز کند حق تعالی
فرمود که مباهات میکنم با او با فرشتکان خود در حال
سجود و رکوع و قیام و قعود و کسی که با او من مباهات کنم
دیکر او را عذاب نمیکنم و از **حضرت** رسول منقول است

که هر چیز را

که هر چیز را زینتی است و زینت اسلام نماز پنجکانه است
و هر چیز را رکنی است و رکن مؤمن نماز است و هر چیز را
چراغی است و چراغ دل مؤمن نماز است و هر چیز را
قیمتی است و قیمت بهشت نماز است و هر چیز را ثوابی است
و ثواب مؤمن از آتش نماز است و هر چیز را امانی است
و امان مؤمن نماز است و هر چیز را خبری است و خبر
دنیا و آخرت نماز است و بنماز شناخته میشود کافر مؤمن از
~~مخلص از منافق~~ و نماز ستون دین است و زینت
اسلام است و دافع کفتن حجاب است با حبیب و
موجب روان شدن حاجت است و توبه نور بر کشنده است
و یاد کردن نعمت است و برکت در مال است و وسعت
روزی است و نور دوست و عزت مؤمن است و طلب
نزول رحمت است و مستجاب شدن دعا است و سبب استغفار

ملائکه است و باعث رفع آفت ملحدین و قهر و خشم
شیاطین و خوشحالی مؤمنین است و کفارهٔ گناهان
و حصارهای مؤمنین است و سبب قبول شهادت است و باعث
آبادی مساجد است و زینت شهرهاست و رفع تنگی
با حداث (؟) است و باعث نفع کرامت (؟) است و طلب بسیاری
قصرهای جنت است و مهرهای حور العین است و سبب
کاشتن درختان بهشت است و باعث هیبت
فاجران است و نثار رحمت است از جانب خدا و خلایق
آن بینائی چشمست و از حضرت رسول صلعم منقولست
که رد کرده نمیشود دعا و نمازی که در اول او بسمله
باشد و هر که بسیار بگوید امت من در عرصهٔ محشر
بسم الله الرحمن الرحیم گویان پس حسنات ایشان
در ترازوی اعمال گران گردد چون خلایق از سبب آن

پرسند

پرسند گویند که ابتدای کلام ایشان بسم الله بود و
فرمود که اگر بسم الله را در یک پلهٔ ترازو گذارند و گناهان
خلایق را در پلهٔ دیگر گذارند بسم الله راجح آید و از
جملهٔ فضیلت در نماز قنوت است که بنده در آن بعوض
مطالب دو جهان سر افکنده میگردد و آب اشک گر
از کثرت کاری در آن حال فرو ریزد باعث مغفرت میگردد
چنانچه از حضرت رسول صلعم منقولست که هر که قنوتش
در دنیا درازتر است راحتش در روز قیامت
درازتر است و در حدیث دیگر فرمود که چون بنده
نماز بر خیزد و تکبیر گوید بیرون آید از گناهانش
مانند روزی که از مادر متولد شده باشد و چون
استعاذه گوید بنویسد حق تعالی بعدد هر موی عبادت
یکساله و چون قرائت حمد نماید چنان باشد که حج و عمره

بجا آورده باشد و چون رکوع کند چنان باشد که
وزن خود طلای احمر بصدقه داده باشد و چون
ذکر رکوع کند چنان باشد که هر کتابی که از آسمان
نازل گشته قرائت نموده باشد و چون سمع الله
گوید نظر کند حق تع برحمت بسوی او و چون سجده
نماید عطا کند او را خدا بعدد شیاطین و جنیان
حسنات و چون ذکر سجده کند چنان باشد که صد
هزار بنده آزاد کرده باشد و چون تشهد و سلام
گوید و از نماز فارغ شود برای او درهای بهشت گشاده
گردد که از هر در که خواهد داخل شود و در حدیث
دیگر فرمود که نیست کسی از امت من که سبک و سهل
شمارد نماز خود را و نیست کسی از من قسم که آشامنده
مست کننده باشد و وارد بر من نشود در کنار حوض

کوثر

کوثر و در حدیث دیگر فرمود که هر که سبک شمارد
نماز را شیطان بر او دلیر میشود و او را در گناهان
بزرگ می افکند و در حدیث دیگر فرمود که زشت
و پلیدترین مردم کسی است که از نماز خود دزدد
پس ای عزیز بدان که هر چیز را رویست و روی دین
نماز است پس باید که زشت نسازد احدی روی
دین را و هر که در وقت غروب آفتاب نماز عصر را
بجا آورد منافق است و از حضرت ابی عبدالله ع
منقولست که فرمود در حال نماز رو بجانب دیگر
مگردانید و بانگشتان و لباس و ریش خود بازی
مکنید و آب دهن میندازید پس ای غافل وای بر
تو با این همه معذوری کردایم در فکر دنیائی هیهات
هیهات فکر دنیا و پیوستن محبت آن ورزیدن

کجا و ذکر خدا و روز و شب از تقصیر بندگی او
لرزیده کجا بندگی حضرت او را دلی میباید از
حبائل علایق جسته و خاطر از بند پیوند خلایق
وارسته اندر این همیشه زار و جانی از وحشت
وسوسه سوگوار سرها از خیالات فاسد
دزدیده پای از راههای دور و دراز از املها
بدامن کشیده: و فرمان خداوند خود را همه
گوش داده: و نفس شهوت را بکشتن داده: و دولت
دنیا را طلاق گفته: و زبان از غیبت فارغ ساخته
و چشم را از نامحرم پوشیده و گوش را بمواعظ این
حضرت بی‌بضاعت داده و فروتنی اختیار کرده و ظاهر
لباس نجوم را آبی را ازین کند و باطن خود را در دین
داری ثابت گردانیده و چهره از روسیاهی عقبا بسفید

گرداند

گرداند بعبادت دعاهای سحرگاهی و روز و شب
در کار رسانی عقبا شده و توشه‌ها از برای آخرت
فرستاده شاید که در آن منزل رستگار شده و
خود را بجنت فردوس رسانیده :: ای انکه زجان
بنده فکر بدی نه شوق عبادتی نه از حق سخنی
نه لذت بنده کان چه صیدای خبیث کان هست
غذای جان تو جمله شی واما اعمال سنتی که معشوق
مشغول نماز را سبب زینت کمال و افزونی حسن و
جمال شکر چه کردن هریک از انها واجب نیست
و بترک آن نماز باطل نمیگردد واما نیز با تکبیر افتتاح
از دست گذاشتن و از عالم فضل و ثواب که در انها
مندرج است دل برداشتن غایت بی باکی و بی دردیست
و در گذاشتن بندگی نهایت بی ذوقی و دل سردیست

کہ برای فائدهای سهل دنیای خراب کرچه بقا تو
از نقش بر آبست ولی اصل تو از موج سرابست
سعیهای بلیغ میکند وخودرا بتعبهای عظیم می افکند
ورنج سفرهای پرخطر میکشد : وزهر تلخیهای
روزکار پر شور وشر میچشد بر سر خورده چند
چون کل پریشان و مشوش است وبسبب رنج درهم
چون غنچه درهم است واز برای خواطر دنیای دنی
خودرا پروانه وار در آتش میزند وپیدا است که
حاصل این همه مطلب وراحت این همه نعمت چیست
وچه قدر خواهد داشت واکر فرضا هم قدری
داشته باشد عنقریب باید مرد ومحبت باید
کذاشت اداب کسته نماز که عبادتست از خضوع
وخشوع وتذلل در هر وقت ومقامی وقعود وقیامی

وتفکر

وتفکر وتاملی اول انکه چون کسی عزم نماز کند با خود
اندیشه نماید که شاید این نماز آخرین وعبادت واپسین
من باشد واجل بی امان مهلت نماز دیکر ندهد پس
انرا بنحوی کذارم که در درکاه الهی پسندیده باشد پس در
هر فعلی از امثال آن نهایت اهتمام ورزد که از عهده
کما ینبغی برآید ودر هر حالی از احوال بر خود لرزد که
مبادا تقصیری روی نماید وچون جوارح خودرا در وضو
شوید باطن را نیز از حدثهای خبیث وشکل نفس اماره
طهارت دهد وچون اذان واقامت کوید از شنیدن
مرغبات ودواعی شهوات انکشت انکار بکوش هوش
نهد وچون بنماز برخیزد از جوش هوسهای بیحاصل
فرو نشیند وچون سجاده کستر بساط تعلقات باطل
از عبادتخانهٔ دل برچیند وچون بپا ایستاده اند

کمر بندش کرا ایستاده و چون رو بقبله کند اندیشه نماید
که رو بدرگاه چه پادشاهی نهاده و چون زبان بدعا گشاید
محمد و آل پاک او را وسیلهٔ قبول نماز و تقرب بدرگاه خداوند
بی نیاز سازد و چون خواهد که قدم اقدام بر حریم
بهشت رحمت سرشت نماز گذارد با والای پردهٔ دل
بصاف کرمی نیت خود را از شوب و ریا و عجب و سمعت
پردازد و چون فاتحه و سوره خواند شهد حیات دل
بخش و قوت ایمان فزای معانی از آن بسر انگشت و تأمل
بکام جان رساند و چون قد بر رکوع دوتا سازد بتذلل
و بندگی معبود یکتا کردن امید بیفزاید و چون ذکر
رکوع کند دل را بعظمت خداوند خود متذکر و بتمجید بپاس
او متلبس سازد و چون سجده کند اصل خود را بخاطر
رساند که خاک بوده و چون سر بردارد یاد کند که هنوز وجودش

وجودش

از خاک سر کشیده و ترقی نموده و چون دیگر باره
رو بخاک نهد و متفکر شود که باز بخاک رجوع خواهد
نمود و چون سر برگیرد متذکر گردد که باز سر از خاک
خواهد برآورد و چون دو کف بقنوط بردارد و تحفهٔ
نیاز خود را بر کف اظهار گذارد و از روی امیدواری
با روی که پیروزی دل خواه خود را از آن درگاه
جهان پناه بحصول و طلب خویش از آن خزائن بی
منتهی بوصول رساند و چون بر تشهد نشیند
از شکر و شیر کلمتین شهادتین زبانش کامیاب
و از زلال صلوات محمد و آل او کلش ایمانش تازه
و سیراب گردد دل را نیز بتجدید عهد و میثاق
بندگی خداوند علی الاطلاق فرموده گواهی دل را
بر وحدانیت جناب الهی و رسالت حضرت رسالت

بنامه در صحیفه اعمال ثبت کرده اند و چون وقت
سلام آید حضرت خاتم النبیین و ائمه طاهرین ع
و سایر انبیاء و اوصیاء و ملائکه را در ذهن خود
حاضر ساخته به سوی که مقرر است سلام نماید
و در جمیع این اعمال و احوال و افعال دلش در آتش
خوف تقوی بریان و چشمش از بیم معاصی و خطایا
گریان باشد زیرا که گریه در نماز باعث روشنائی
چشم و خوشنودی پروردگار و منقولست که حضرت
امیرالمؤمنین ع را چون در وقت نماز داخل میشد چهره اش گلگونش
از خوف الهی دگرگون میشد و بر اعضای او لرزه میشد
و میفرمود که وقت گذاردن امانتی آمد ندانم
که آنرا چگونه بجا آورم که قبول درگاه حق گردد و
مرویست که در روزی در معرکه جهاد تیری ازکمان

کج نهاد

کج نهاد بر پشت مبارک آنحضرت نشست و فرو رفت و
محتاج بشکافتن آن عضو شریف بود و هر چند
خواستند که بیرون بیاورند طاقت نیاوردند پس صبر
کردند تا وقت نماز چون وقت نماز شد آنحضرت
مشغول بنماز شد پس آن عضو را شکافتند و پیکان را
کشیدند و آنحضرت را خبردار نکردید با وجود
این عبادت باز خوف داشت که مبادا مقبول درگاه
حق نگردد پس وای بر ما با این عبادتهای زشت ما
[illegible] منقولست که چون آنحضرت در سجده میرفت
بیهوش میگردید از بسیاری خوف حق و از حال طبیع
بیرون میرفت و نفسش تند میشد و اعضا و جوارحش
میلرزید و رنگش متغیر میگردید و عرق از او میچکید
و مثل بنده ذلیل می ایستاد و روزی ردا از دوش

مبارکش افتاد از راست نکرد تا از نماز فارغ شد
پس ای برادر عزیز بندگان مقرب آن درگاه و
دل بندگان از رسوم بندگی آگاه باین طریق بندگی را
بجای آوردند و باین ادب بخدمت ولی نعمت خود
قیام مینمودند پس شرم بادت خودرا که بسعادت
بندگی مدام اگر در چنین وقتی که باید خودرا ترسان
ولرزان در بندگی خدا بازدارند دلشان در
هوای باغ و بوستان است و سرشان پوشیده در سودای
بازار و دکان است و هوششان در تعداد سیم و زر
و گوششان بفریاد گاو و خر و باطنشان مکیال محنت
زحمت و خواطرشان سرکار گاو و شخم و دانش
حرستان در خرمن عمر سوختن است و بیشتر
املشان در کیسه طمع دوختن است و نگاهشان

دایم در یمین و یسار است و سرانگشتشان همیشه در ریش
و پهلوی خاریدن است گاهی با ریش خود بازی میکنند این
بندگان را چرا باید از ایاز کمتر باشند که روزی در پیش
سلطان محمود ایستاده بود و کژدمی هفت بار نیش بپای او زد
او صلاه رو نگردانید باوجود آن همه زهر و المی که داشت
تا اخر که طاقتش طاق گشت بیرون آمد و ازار انداخت
و موزه بر آن میزد و میگفت از شومی تو در خدمت ولی
نعمت خود بی ادبی کردم و مقصر گردیدم پس هرگاه در خدمت
مخلوقی که از آب گندیده پلیدی آفریده شده باشد
اینقدر پاس و ادب دارند غایت بی حیائی و بی پروائی
و خیرگی و کم حیائیست که در برابر چنین پادشاهی ادب
خود را نگاه ندارند و پا از حد بندگی بیرون گذارند
و هر عضوش براهی رود و نگاهش بجائی دود و دست

و پایش هردم حرکت بیجا کند و چشم و ابرویش هر لحظه
ایما و اشاره کند و اگر جمعی را ببیند نماز خود را بریا
کنند پس وای بر ایشان و بد احوال ایشان و از حضرت
رسول منقولست که اجتناب کنید از نماز ریا بدرستیکه
در روز قیامت حق تعالی جماعتی را امر میفرماید بجهنم
و خطاب مینماید بجهنم که قدمهای ایشان را بسوزان
که ایشان بپای خود بمسجد میرفتند و دستهای ایشان را
بسوزان که وضو را اتمام و کامل بجای آوردند و دستهای
ایشان را بسوزان که بدعا بدرگاه من برمیداشتند
و زبان ایشان را بسوزان که قرائت مینمودند پس ایشان
پرسند که ای گروه اشقیا چه کرده اید که با این اعمال مستحق
جهنم شده اید گویند ما نمازهای خود را بریا میکردیم
در این وقت با گفتند که مزد خود را از کسی بخواهید

که نماز از برای او کرده اید و در حدیث دیگر فرموده که
که هرکه بریا نماز کند مشرک است و هرکه بریا زکوة دهد
یا روزه گیرد یا حج کند مشرک است و هرکه اطاعت
خدا بریا کند مشرک است و حق تعالی قبول نمیکند
عمل ریا کننده را و عبادت خدارا نباید بقصد [illegible]
نجات از جهنم کرد و نه بطمع بهشت و در حدیث دیگر
فرموده که بهترین مردمان کسی است که عملش خالص
باشد و عاشق عبادت باشد و دست در گردن
او در آورده باشد و محبت او را در بر گرفته باشد
و محبت بندگی در دل او جا کرده باشد و بجمیع بدن و
جوارح مباشر آن شده باشد و بسبب عبادت خود را
از جمیع کارهای دنیا فارغ ساخته باشد و با حضور
قلب باشد که عمل بی حضور قلب ناقص است و مقبول

درگاه الهی نمیگردد و باعث کمال و قرب او نمیشود
بلکه مستحق عقاب میشود و در نماز با خشوع باشد
و بغیر ذات مقدس او ملتفت بامر دیگر نشود و در حال
نماز بازی نکند و از حضرت صادق ع منقولست که هر که
دو رکعت نماز بگذارد و بداند که چه میگوید چون از
نماز فارغ شود هیچ گناهی بر او نباشد و از حضرت امام
محمد باقر ع منقولست که بدرستیکه بالا میبرند از نماز
بعضی بنده را نصفش را و از بعضی ثلث و از بعضی
ربع و از بعضی خمس و بالا نمیبرند و بدرجه قبول
نمیرسد مگر آنچه را که با حضور قلب کرده باشد و از
حضرت رسول ص منقولست که چون مؤمن بسوی
نماز برمیخیزد حق تعالی نظر بسوی او میکند و روی
لطف و احسان بروی میدارد و از بالای سرش

تا آسمان

تا آسمان ملائکه سایه بر سر او می اندازند و فرشتگان
بر گرد او احاطه مینمایند تا آفاق آسمان و حق تعالی
ملکی موکل میسازد که بر بالای سر او ایستاده میگوید
که اگر بدانی که با کی مناجات میکنی هرگز از جای نماز حرکت
نمیکنی و از حضرت صادق ع منقولست که چون بنده بنماز بایستد
و التفات بجانب دیگر نماید یا بر دیا بچشم یا بدل حق تعالی
میفرماید که ای بنده من بسوی کی التفات مینمائی که
از من بهتر باشد از برای تو و چون سه دفعه ملتفت
شود حق تعالی نظر لطف از او بر دارد و هرگز نظر رحمت
بجانب او نکند و منقولست که چون حضرت رسول ص در نماز
می ایستاد رنگ مبارکش متغیر میشد از خوف الهی
و از سینه آنجناب صدائی مانند صدای دیگی که در
جوش باشد می آمد و منقولست که چون وقت نماز

داخل میشد حضرت امیرالمؤمنین ع اندام مبارکش بلرزه
می آمد و رنگ برنگ میگردید و چون میپرسیدند
که چه میشود شما را میفرمود رسید هنگام امانتی
که حق تعالی بر آسمان و زمین عرض کرد و اِبا کردند
و آدمی متحمل آن شد و حضرت سجاد چون بنماز مشغول
میشد چنان متوجه قرب درگاه الهی میشد که گویا
هرگز در دنیا نبوده چنانچه روزی در حال حیات
نماز مشغول آتش در خانه او افتاد و اهل خانه فریاد
النار النار بر آوردند و آن آتش را ساکن گردانیدند
و چون آنحضرت از نماز فارغ شدند در آنحال مطلع
گردید که آتش در خانه افتاده است و چون از او پرسیدند
که شما را چه شده بود که هر چه ما فریاد النار النار میکردیم
شما ملتفت نگردیدید فرمود که آتشی در نظر داشتم که آن

جزوی

جزوی از هفتاد جزو آنست و دیگر روزی در نماز
بود که حضرت امام محمد باقر ع در چاه افتاد و هر چند
والده او فریاد بر آورد ملتفت او نشد تا از نماز فارغ
گردید چنانچه قصه او را مفصلا در زینت الاخبار ایراد نموده ام
مرویست که از بسیاری عبادت پیشانی و زانوها
و کفهای دست آنجناب پینه کرده بود و قدم
مبارکش ورم کرده بود و از حضرت امام محمد باقر ع
منقولست که چون آنجناب شبانه روزی هزار رکعت
نماز میکرد و چون بنماز می ایستاد رنگ برنگ میگردید
و اعضای او از خوف الهی لرزان بود و چنان نماز
میکرد که گویا نماز وداع است و دیگر نماز نخواهد
کرد و منقولست که شبی یکی از فرزندان آنحضرت از
بلندی افتاد و دستش شکست و از اهل خانه فریاد

بلند شد و همسایکان جمع شدند و شکستند بند
اوردند و دست انطفل را بستر اند و انطفل از درد
فریاد میکرد و انحضرت از اشتغال در عبادت فریاد اورا
نمی شنید و چون صبح شد و از عبادت فارغ کردید
نظرش بر انطفل افتاد دید که دستش در کردن
او مختر از کیفیت حال پرسید او را بواقعه انطفل
خبر دادند و منقولست که در سالی هفت من پوست
از پیشانی انحضرت می افتاد از بسیاری سجده و از ابو
ایوب منقولست که چون حضرت امام محمد باقر ع منقولست
و حضرت صادق ع در نماز می ایستادند رنگ مبارکشان
کاه زرد و کاه سرخ میشد بحدی که کویا خدا را می بینند
و با او کفتکو مینمایند پس ای کروه مسلمانان چرا از
خواب غفلت بیدار نمیشوید و بعبادت خدا نمی پردازید

کویا

کویا از روز جزا خبر ندارید و اکر فرضا خبر داشته باشید
کویا او را سهل میشارید پس برخیزید و متوجه نماز شوید
و باید که اول بدن خود را پاکیزه کردانی و به بیت الخلاء
در آیی و کثافتهای ظاهری را از خود دور کنی و رو و
دستها و پاها را بکوفتی وضو پاکیزه سازی تا جمیع
کناهانت بیامرزند و چون متوجه نماز شوی بدانی که
در برابر کی ایستاده و باکه مناجات میکنی چنانچه از حضرت
رسول ص منقولست که عبادت الهی معرفت و شناختن
اوست با آنکه او قدیم است و شریکی از برای او نیست
و با همیشه و باقی بودن او نهایتی ندارد و پدید
آورنده آسمانها و زمین است و انچه در آنست و
قادر بر همه چیز و توانا است چنانچه هفت آسمان آفریده
که کنده که هر آسمانی پانصد سال راه است و ما بین آسمانها

چنانکه ملائکه چند هستند که اگر یکی از ایشان بر زمین
آیند گنجایش او را ندارد از بزرگی جثه و از بسیاری
بالهای او و بعضی ملائکه هستند که اگر جن و انس
جمع شوند و خواهند که او را وصف نمایند عاجزند
و نمی توانند هزار یک وصف او را بگویند یا بنویسند
و ملکی هست که از نرمهٔ گوش تا نرمهٔ گوش هفتصد
ساله راه است و بعضی فوق آسمانها را پر میکند بیک بال
از بالهای خود و بعضی از ایشان آسمانها در کف اوست
و بعضی بر روی هوا ایستاده اند و زمین تا زانوی ایشانست
و بعضی هستند که اگر کشتیهای عالم را در آب دیدهٔ ایشان
جاری کنند سالهای بسیار جاری خواهد گردید و بعد
از آسمانها چند حجاب قرار داده و حجاب اول هفت
طبقه است و غلظت هر حجابی پانصد ساله راه است

واز

و از هر حجابی تا حجاب دیگر پانصد ساله راه است و حجاب
دویم هفتاد حجابست و مابین هر حجاب و غلظت
او پانصد ساله راه است و حاجبان و دربانان هر
حجابی هفتاد هزار ملک اند که قوت هر ملکی با قوت جن
و انس برابر است و حجابهای دیگر هست که کندگی
هر حجابی هفتاد هزار ساله راه است بعد از آن
سرادقات جلالست و آن هفتاد سراپرده است
و در هر یک هفتاد هزار ملکست و مابین هر سراپرده
پانصد ساله راه است و بعد از آن صرادقات
عزتست و بعد از آن صرادقات کبریاست و بعد
از آن صرادقات عظمتست و بعد از آن صرادقات
قدس است و بعد از آن صرادقات جبروتست و
بعد از آن صرادق ابیض است و بعد از آن صرادق

وحدانیت است و او هفتاد هزار در دارد و هر در
تا در دیگر هفتاد هزار ساله راه است و بعد از آن حجاب
اعلی است و منقولست که جبرئیل فرمود که هرگاه حق تعالی
امر فرماید میکائیل را که بزمین آید پای راست را
در آسمان هفتم میگذارد و پای چپ را در زمین هفتم
و فرمود که خدا را ملکی چند هست که نصف بدن
ایشان از برف است و نصف دیگر از آتش و ملکی هست
که ما بین نرمه گوشش پانصد ساله راه است بپرواز
مرغ و ملائکه اکل و شرب نمیکنند و جماع نمیکنند
و به نسیم عرش زندگانی میکنند و خدا را ملکی
چند هست که تا قیامت در سجوداند و هیچ خلقی
از خلق خدا بیش از ملائکه نیست و در هر شب
و هر روز هفتاد هزار ملک فرو می آیند و طواف

میکنند

میکنند و بعد از آن بر سر تربت رسول میروند و بر او
سلام میکنند و بعد از آن بروضهٔ مقدسهٔ حضرت
امیر المؤمنین میروند و بر او سلام میکنند و
بعد از آن بروضهٔ منورهٔ امام حسین میروند
و در آنجا میمانند و چون سحر میشود بآسمان میروند
و دیگر هرگز فرود نمی آیند و روز دیگر هفتاد
هزار ملک دیگر می آیند و بدستور عمل میکنند تا
روز قیامت و از حضرت صادق منقولست که ملائکه
بیشتر است از ذرّهای خاک بر روی زمین و در آسمان
بقدر جای پائی خالی نیست و همه ذکر خدا میکنند
و در زمین هیچ درختی و کلوخی نیست مگر آنکه نزد
او ملکی هست که موکل است بر او که احوال او را بخدا
عرض میکنند با آنکه خدا از آن ملک اعلمست باحوال

ایشان و همه ملائکه مقرب بخدا میگویند و محبت ما
اهل بیت و استغفار میکنند برای دوستان و نماز
گذارندگان شیعه ما و لعنت میکنند بر دشمنان
ما و از خدا میطلبند که عذاب خود را بر ایشان بفرستند
و در حدیث دیگر فرمود که چون حق تعالی زمین را آفرید امر
کرد ماهی را که زمین را بردارد و چون زمین را بر
داشت ماهی با خود گفت که من بقوت خود برداشتم
پس حق تعالی ماهی دیگر را برانگیخت و در دماغ ماهی رفت (یعنی آن)
و چهل روز در انجا ماند پس بیرون آمد و هر وقت که
حق تعالی میخواهد که زمین را بلرزاند امر میکند آن
ماهی کوچک را که خود را بآن ماهی نزدیک بنماید
پس آن ماهی از ترس میلرزد و زمین بلرزه در می
آید و بروایتی فرشته موکلست بر زمین و هر وقت که

حق تعالی

حق تعالی خواهد که زمین را بلرزاند امر میکند آن فرشته را
که فلان زمین را حرکت ده چون حرکت میدهد
زلزله میشود و این زلزله و خسوف و کسوف
و بادهای سرخ بسبب گناهان بندگان میشود در زمین
و نماز دفع میکند انها را و از حضرت امام محمد باقر منقولست
که فرمود دشنام مدهید بادها را زیرا که از جانب
خداست و هر وقت که حق تعالی خواهد که باد شمال
بفرستد امر میکند ملکی که اسم او شمالست که برو
در بام خانه کعبه و بال خود را بر هم زن چون چنین میکند
باد شمال بهم میرسد و همچنین باد جنوب و صبا که اسمها
هم اسم دو فرشته است که چون در بام کعبه بال بر هم
میزنند باد جنوب و صبا بهم میرسد و چون [illegible]
از بیت الحرام می ایستند و بال بر هم میزنند و هیچ

چیزی نفع الهاد نمیکند مگر نماز و از حضرت صادق ع منقولست
که مرد پیر را در روز قیامت بیاورند و نامهٔ اعمالش
بدست او دهند چون در آن نظر کند بغیر از بدی چیزی
در آن نبیند جاوید بیاید سؤال آید گوید پروردگارا
مرا امر خواهی کرد بجهنم خطاب رسد که ای شیخ مرا شرم
می آید که ترا اگر عذاب کنیم و حال آنکه تو در دار دنیا نماز
میکردی پس امر فرماید که او را ببهشت برند و از حضرت
امام محمد باقر ع و امام جعفر صادق ع منقولست که هر که
تاخیر کند نماز عصر را تا آفتاب زرد شود بایز در روز
در روز قیامت خواهد آمد تا چیز از اهل و ولد
و در این باب اخبار و آثار از حد بیان بعیداست
در اینمقام همین اکتفا شد باب دوم در بیان فضیلت
نماز جماعت چنانچه از حضرت صادق ع منقولست

که نماز

که نماز جماعت زیادتی دارد بر نماز تنها به بیست نماز
و از حضرت رسول ص منقولست که هر که نماز صبح را بجماعت
بگذارد و در مصلی خود بنشیند تا آفتاب طلوع کند
حق تعالی او را در جنت الفردوس هفتاد درجه کرامت
فرماید که ما بین هر درجه تا درجهٔ دیگر هفتاد ساله
راه میباشد که اسب دونده بدود و هر که نماز ظهر را
بجماعت گذارد حق تعالی او را پنجاه درجه کرامت فرماید که از
درجه تا درجهٔ دیگر پنجاه ساله راه باشد و هر که نماز
عصر را بجماعت گذارد چنان باشد که هشت نفر از فرزندان
حضرت اسمعیل ع را آزاد کرده باشد و هر که نماز شام را
بجماعت گذارد او را ثواب حج و عمرهٔ مقبول کرامت فرماید
و هر که نماز خفتن را بجماعت گذارد چنان باشد که شب قدر را
بعبادت گذرانیده باشد تا صبح و از اهل بیت ع مرویست که

نماز جماعت برابر است با هزار نماز و اگر در مسجد باشد برابر است
با صد هزار نماز با وحدت ماموم و اگر ماموم دو نفر باشد
یک نماز برابر است با دویست هزار نماز و اگر ماموم سه نفر
باشد یک نماز برابر است با چهارصد هزار نماز و اگر ماموم چهار
نفر باشد یک نماز برابر است با هشتصد هزار نماز و اگر
ماموم پنج نفر باشد برابر است با هزار ششصد هزار
نماز و علی هذا القیاس و چون ماموم شش نفر باشد
یک نماز برابر است با سه هزار صد هزار نماز و اگر ماموم هفت
نفر باشد یک نماز برابر است با شش هزار دویست هزار نماز
و علی هذا القیاس چون ماموم از هفت بگذرد عدد آن را
کسی نمیداند بغیر از خدای تعالی اگر بندگان از عدد و حساب
آن عاجزاند و باید که امام اعلم از ماموم باشد هر جماعت
و از حضرت رسول منقول است که یک رکعت نماز با جماعت برابر

بهتر است

بهتر است از چهل سال عبادت و هر که نماز جماعت گذارد هر
هر قدمی که گذارد هفتاد هزار حسنه برای او نوشته شود
و هفتاد هزار سیئه از او محو شود و اگر در آن حال
بمیرد هفتاد هزار فرشته را موکل کرداند خدا که
او را در قبر عیادت کنند و برای او استغفار کنند
تا از قبر بیرون آید پس بدانکه بهترین صفها صف
اولست و نماز در صف اول مثل جهاد است در راه
خدا و ثواب عدد موذنان برای او باشد و ثواب
موذنان انشاءالله در باب خود بیان خواهد شد
پس بدانکه هرگاه جماعتی از بندگان عاصی برای طلب
آمرزش معاصی در درگاه پادشاه دو جهان اجتماع
نمایند و جمله بتضرع و زاری و استغفار زبان بطلب
مغفرت گشایند حاشا که رحمت خدا را از ایشان
خود

دریغ و دست بر سینهٔ ایشان گذارد اما نمازهای ما
که سزاوار است که نیکان نشد چون در میان نمازهای
کامل نیکان و اعمال شایستهٔ نزدیکان بدرگاه صمدی
رود امید هست که آن نیز در میان آنها مقبول
گردد چنانکه زر کم عیار و کم سکه در میان زر نیکو
خرج میشود و شناخته چندان مضایقه در آن
نمیکنند چه عجب که نقد کم عیار کردار ما نیز چون
نقود عملهای خالص درج شود و در بازار قیامت
در شمار آنها خرج گردد و نیز چون آبها باریک ضعیف
از قلت جریان بجائی نمیرسد و حاصلی چنان از
آنها بعمل نمی آید و چون بهم ضم شوند جوی شود کشت
زاری بآن سیراب و معمور میگردد و سعیهای
ما نیز در کنار شمار اعمال ناقص است و چون پیوند

بکاملان

بکاملان شود بر سر منزل خداوندی متعال قبول
گردد و از حضرت رسول صلعم منقولست که فرمود که هر که نماز
بجماعت گذارد و ظن خیر و نیکوئی باو ببرید و از حضرت
صادق ع منقولست که فضل و زیادتی نماز جماعت
بر نماز تنها بیست و چهار است و قبول نیست نماز
کسی که حاضر نشود بجماعت در جائی که نماز جماعت
گذارند مگر کسی که بیمار یا بشغلی که ضرور باشد و
از سید مختار صلعم منقولست که یک رکعت نماز جماعت
برابر است با بیست و چهار رکعت و هر رکعتی محبوب
تر و خوشتر است از عبادت چهل سال و تکبیر اول
نماز با امام بهتر است از دنیا و آنچه در او ست پس بدان
ای عزیز که چون بنده صدای اذان شنود باید بیاد
آورد روزی که حق تعالی امر نماید که نفخه در صور دمیده شود

وچون مردمان را ببیند که از خانهای خود متوجه نمازگاه
شده اند بیاد آورد وقتی را که خلایق از قبور بعرصه
یوم النشور میروند وچون همه حاضر کردند بخاطر
آورد روزی را که جمله توحید خداوند خود جمع گشته
شوند وچون امام را در پیش ومأموم را در عقب
ببیند بخاطر آورد روزی را که هر قومی را با پیشوای
خود با تمثال وهدی بعرصه جزا خوانند وچون
برخواسته بنماز ایستند اندیشه کند از روزی
که خلایق سیصد سال برپا ایستاده ومنتظر فرمان
باشند وچون مردم دستها را برداشته اذان گویند
وشروع در قراءت کنند متذکر گردد روزی را
که بندگان دستها برداشته که نامهای خود را ستانند
واعمال پرملامت سراسر ندامت خود را عرق خجلت

فشان

فشان وآه حسرت کشان برخوانند وچون مؤمنان را
صف صف برپا وخاموش ببیند وامام را بقراءت
ببیند تأمل نماید در روزی که روح وفرشتگان
صف صف ایستاده وخاموش شوند مگر کسی که از جانب
خدا مأذون وقولش مقرون باشد شفاعت کند
وچون برکوع رود بخاطر گذراند روزی را که خلایق
عزیز وذلیل باشند توحید خداوند تجلیل وچون سجود
کند بیاد آورد روزی را که مردمان از هول وشدت
آن بسجده درافتند یا تا رکان سجود را بسجود
خوانند وچون بنشیند وسلام بشنود تفکر
نماید روزی را که طوایف ناس از غایت خوف وهراس
بزانو درآیند پس ایمانان هوشیار در عرصه محشر
که از هوش [illegible] سرمایه نجات ووسیله

وانتظار نماز دیگر بکشد ملائکه از برای او دعا کنند
که خداوندا او را بیامرز وبر او رحم کن ورحمت
بفرست وهر که پیش نماز جماعتی بکند حق تعالی مثل
ثواب آن جماعت با او عطا کند بی آنکه از ثواب
ایشان چیزی کم شود وهر که بپای خود بمسجد رود
هر گامی که بردارد حق تعالی هفتاد هزار حسنه برای
او بنویسد وهفتاد هزار سیئه از او محو نماید و
هفتاد هزار ملک با و موکل کرداند که در قبر عیادت
او کنند ودر تنهائی قبر مونس او باشند واز برای
او استغفار کنند تا از قبرش مبعوث شود واز حضرت
امیر المؤمنین منقولست که سه چیزاست که باعث
رفع درجات میشود کامل ساختن وضو در هوای
سرد وانتظار کشیدن نماز بعد از نماز وقدم برداشتن

بنماز

بنماز جماعت واز حضرت رسول منقولست که هر که اذان
جماعت را بشنود در مسجد وبی عذر از مسجد بیرون
رود منافقست مگر آنکه اراده بازگشت داشته باشد
ودر حدیث دیگر فرمود که نماز جماعت برابر است با بیست
وپنج نماز تنها واز حضرت رسول منقولست که تارک
نماز جماعت ملعونست ودر توریت ملعونست ودر انجیل
ملعونست ودر زبور ملعونست ودر قرآن ملعونست
وبزبان جبرئیل ملعونست وبزبان میکائیل ملعونست
وبزبان اسرافیل ملعونست وبزبان عزرائیل ملعونست
وبزبان من ملعونست ودر حدیث دیگر فرمود
که هر که نماز صبح بجماعت بگذارد وبنشیند تا آفتاب
برآید چنانست که حج وعمره کرده باشد وهزار یا پانصد
دینار تصدق کرده باشد وحق تعالی ده حاجت او

علو درجات دان وچون بندهٔ ذلیل بحو بکیر حضرت
شارع امر فرموده بنماز قیام نما کر اکر بر چنین باشد
بلکیر در قیام و قعود آن ایستاد کی بکار نبرد
و از سجود و رکوعش بغیر شارع بعمل آورد و قرائتش
خالی از ترتیل و بنای قواعدش هموار بر تعجیل
مواضع وقوفش از رعایت خارج و ادای حروفش
نیز از مخارج نیز در میان رکوع و سجودش فاصلهٔ قیامی
ونه در ما بین دو سجده‌اش طمانینه و آرامی نظم
حروف تسبیحاتش از هم ریخته و جهر و اخفات
قرائتش هم آمیخته ذکر رکوعش بذکر سجود
بسته و ذکر سجودش بقرائت رکعت دیکر پیوسته
قصر تمامش خراب کرده سیلاب شتاب و بنیان
ارکانش سرنکون ساخته زلزلهٔ اضطراب

سجود اولش

سجود اولش بر ثانی مقدم از نقد زمانی و خاک
سجده کاهش حسرت کش پیشانی ملائک شک نیست
که نماز چنین از نمازهای مذکور بهره نخواهد داشت
و در درکاه الهی جز دست رد بر آن نخواهد کذاشت
چنانچه از حضرت صادق منقولست که هر که نماز
صبح و خفتن را بجماعت بکذارد در امان خداست
و هر که بر او ظلم کند چنانست که بر خدا ظلم کرده است
و هر که پیمان او را بشکند چنانست که پیمان خدا را
شکسته است و در حدیث دیکر منقولست که چون
حق تعالی خلق اولین و آخرین را در روز قیامت برای
حساب جمع کند هر که قدم بسوی نماز جماعت بر
داشته باشد حق تعالی هولهای قیامت را بر او آسان
کند و او را بیهشت رساند و هر که نماز جماعت کذارده

[illegible]

بر آورد و با ایمان و توبه بمیرد و وسعت روزی و وسعت
قبر از او برای باشد و بحساب بیهشت رود و چون برق
جهنده از صراط بکذرد و در حدیث دیکر فرمود
که هر که نماز صبح را بجماعت کذارد حق تعالی فرماید که
ای ملائکه نظر کنید بسوی بندهٔ من که مرا اختیار کرده
از خواب و فریضهٔ مرا بجماعت ادا مینماید بعزت و جلال
خود سوکند که او را نمیسوزانم بآتش ای ملائکه
بیامرزید هر خلقی را که دوست دارند که نماز صبح را
بجماعت کذارند و بجای خود قرار کیرند تا آفتاب
بر آید و آمرزش خواهند بجهت ایشان مرغان
هوا و ماهیان دریاها و در حدیث دیکر فرمود
که هر که اوقات نماز را تفحص بعمل آورد حضر نماید شیاطین را
از او دور کرداند و در حدیث دیکر فرمود که هر که

چهل روز

چهل روز بنماز جماعت برود نوشته شود از برای او
برات بیزاری از آتش جهنم و برات از نفاق و هر قدم
از رفتن و بر کشتن ده حسنه از برای او نوشته شود
و ده سیئه محو شود و ده درجه بلند شود از برای او
و در حدیث دیکر فرمود که چون ماموم در عقب امام
می ایستد نوشته میشود از برای او صد هزار حسنه
و صد هزار درجه و منقولست که جبرئیل بنزد حضرت
رسول آمد و کفت یا محمد اکر دریاها مداد و درختها
قلم و جن و انس نویسنده کردند فضیلت جمعه و جماعت
نمیتوانند نوشت و از حضرت رسول منقولست که
صفهای امت من در نماز مانند صفهای ملائکه است
در آسمان و در حدیث دیکر فرمود که جبرئیل آمد و کفت
حق تعالی ترا سلام میرساند و هدیه برای تو فرستاده

که هیچ پیغمبری نفرستاده گفتم ای حبیب من چیست
آن گفت پنج فریضه را بجماعت گذاردن گفتم امت مرا
چه ثوابست گفت هرگاه دو نفر باشند برای هر یک
هر رکعتی صد و پنجاه نماز است و در سه نفر برای هر یک
در هر رکعتی هفتصد نماز و در چهار نفر هزار و
دویست نماز و در پنج نفر هزار چهارصد و ناده
نفر هفتصد دو هزار هشتصد و چون از ده تجاوز
نمود جن و انس از قدر ثوابش عاجز مانند یا محمد
تکبیری با امام گفتن بهتر است از هفتاد هزار حج و
عمره و یک رکعت نماز با امام بهتر است از صد هزار دینار
صدقه و یک سجده با امام بهتر است از صد عتق دین
و هر که بمیرد در جماعت نبیند عذاب و شدت قیامت را
یا محمد هر که دوست دارد جماعت را خدا و ملائکه دوست

دارند

دارند او را و منقولست که شخصی نماز جماعت را روزی ترک
کرد و بعوض آن بندهٔ آزاد کرد و از حضرت رسول صلعم
پرسید که آیا ادراک جماعت کردم فرمود نه یکی دیگر
آزاد نمود باز فرمود که دریافتی اگر چه نفقه کنی آنچه
در زمین است و ابن عباس گوید که هر که نماز جماعت از او فوت شود باید
و امروز را روزه دارد و نماز کند تا عصر و عصر در
ذکر خدا باشد تا غروب آفتاب و از غروب آفتاب
تا عشا و از شب را احیا کند شاید ادراک جماعت را
دریافته باشد و از حضرت رسول صلعم منقولست که هر که بمیرد
با معاونت نماز جماعت نشنود بوی بهشت را اگر چه
بیش از عمل اهل زمین عمل داشته باشد و دعای او بدرجه
قبول نخواهد رسید و اخبار و آثار در فضیلت نماز
جماعت از حد و احصا بیرونست مفصل آن احوالم

کردیم بزینت الاخبار هر در این مقام همین اکتفا شد
باب سیم در بیان اذان و اقامت چنانچه از اهل بیت
منقولست که هر که نماز گذارد با اذان و اقامت نماز
کنند در قفای او دو صف از فرشتگان و هر که نماز
گذارد با اقامت تنها یک صف فرشته در عقب او نماز
گذارند و طول هر صف از مشرق تا مغرب باشد و
ایضا مرویست که سه کسند که در روز قیامت بر فراز
تلهای مشک خواهند بود یکی مؤذن که اذان گوید
و آنکه اذان و اقامت نماز گوید و آنکه در مسجدها
نماز کند و نیز مرویست که هر که در میان اذان و اقامت
بنشیند چنانست که در راه خدا بخون خود غلطیده
باشد و هر که اذان و اقامت گوید و نماز کند ملائکه
هفت آسمان برای او استغفار کنند تا از نماز فارغ شود

و از حضرت

و از حضرت رسول صلعم منقولست که هر که اذان گوید در
شهری از شهرهای مسلمانان تا یک سال واجب
شود بهشت برای او و در حدیث دیگر فرمود که هر که
هفت سال اذان گوید و منظورش رضای الهی باشد
در روز قیامت هیچ گناهی بر او نباشد و در حدیث دیگر
فرمود که هر که چهل سال اذان گوید و غرضش رضای الهی باشد
برانگیزاند خدا او را در روز قیامت و برای او عمل چهل
صدیق باشد که نیکو و مقبول بود و او را نوری باشد
بلندی آسمان و زمین و در درجه ابراهیم خلیل الله
باشد در بهشت و در حدیث دیگر فرمود که هر که یکسال
اذان گوید گناهان او آمرزیده شود اگر چه مثل کوه
احد باشد و در حدیث دیگر فرمود که هر که یک اذان
گوید برای رضای خدا مغفرت حسنهٔ نبوی او بیامرزد

خون همه گناهان گذشته و آینده او را و نگاه دارد او را از
گناهان و در بهشت با شهیدان مجتمع شود و در حدیث
دیگر فرمود که چون روز قیامت شود جمع سازند خون همه
مؤذنان را در یک سرزمین و جمعی از فرشتگان همراه
مؤذنان باشند و با ایشان علمهای کوچک و بزرگ
باشد از نور و بر اسبها سوار باشند که زمامهای آنها
از زبرجد سبز باشد و تنگهای آن از مشک اذفر
باشد و آن فرشتها لجامهای اسبها را کشند و ایشان
بلندترین آواز خود اذان گویند و قسم بعزت و جلال
خدا که مؤذنان هر آینه میگذرند بر خلق با آن مرکبها
پس ایشان محشور شوند با من و در منازل من باشند
در بهشت و در آنجا خواهد بود آنچه هیچ چشمی ندیده باشد
و هیچ گوشی نشنیده باشد و بر خاطر هیچ بشری خطور نکرده
باشد

باشد و در حدیث دیگر فرمود که هر که صدای مؤذن را
بشنود و نماز کند حسنه در نامهٔ اعمالش نوشته
شود و هر که ده سال اذان گوید می‌آمرزد حق تعالی گناهان
او را اگر چه همهٔ آسمانها پر باشد از گناه او و ملائکه صدای
او را میبرند تا عرش و چون روز حشر شود بر او گناهی
نباشد و در حدیث دیگر فرمود که هر که اذان گوید چنانست
که شمشیر کشیده در میان دو صف در راه خدا جهاد
کند و در روز قیامت محشور شود با پیغمبران و صدیقان
و شهیدان و صالحان و در حدیث دیگر فرمود که هر که
با اذان و اقامه نماز کند بعدد هر فرشته که در قفای او
نماز میکند نماز او مضاعف خواهد شد چنانکه در
فضیلت نماز جماعت سمت ذکر یافت و در حدیث دیگر
فرمود که اگر بندهٔ عبادت کند مثل عبادت نوح و او را

مثل کوه احد طلا بوده باشد و همه را در راه خدا
داده باشد و هزار حج کرده و در میان صفا و مروه
بظلم کشته شده باشد و علی را امام نداند بوی بهشت را
نخواهد شنید با وجود آنکه بپانصد ساله راه میرود و داخل
بهشت نخواهد شد و در حدیث دیگر فرمود که علی
از من است و من از اویم و علی پیشوای هر مؤمن
و مؤمنه است بعد از من و شیعهٔ او رستگار است
در روز قیامت و من شهر علمم و علیست باب آن
و علی بیان میکند از برای امت من آنچه را من آورده‌ام
از جهت ایشان و دوستی او ایمانست و دشمنی او نفاق
است و نظر کردن بر روی او عبادتست و هر که در امامت
او شک دارد کافر است و علی قسمت کنندهٔ بهشت
و دوزخ است پس او را در اذان فراموش مکنید

و از حضرت

و از حضرت صادق منقولست که هر که بنشیند در میان
اذان و اقامهٔ نماز مغرب چنانست که شهید شده
باشد و در خون خود غلطیده باشد و از حضرت
امام حسن عسکری منقولست که علامت مؤمن
پنج چیز است در نماز پنجاه و یک رکعت و زیارت اربعین
و انگشتر بدست راست کردن و پیشانی را بر خاک مالیدن
و در نماز بسم الله را بلند گفتن زیرا که بسم الله الرحمن الرحیم
اقربست از سفیدی چشم و هر گاه کسی نگوید شیطان
بر او مسلط میشود و تفکرهای باطل می‌اندازد تا
آن نماز ضایع شود و از حضرت رسول منقولست
که هر که علی را دوست دارد بدرستیکه مرا دوست داشته است
و هر که مرا دوست دارد خدا را خوشنود کرده است و هر که
خدا را خوشنود کرده است جای او بهشت است

وهرکه علی را دوست دارد از دنیا بیرون نرود تا او را از
شراب سربمهر کوثر آب دهد و میوهٔ درخت طوبی را
نخورد و جای خود را در بهشت نبیند وهرکه علی را
دوست دارد نماز و روزه و عبادت او قبول میشود
و دعای او مستجاب میشود وهرکه علی را دوست
دارد فرشتگان از برای او استغفار کنند و هشت
در بهشت را بجهت او بکشایند که از هر دری که خواهد
داخل شود بیحساب وهرکه علی را دوست دارد حق تعالی
نامهٔ اعمال او را بدست راست او دهد وهرکه علی را
دوست دارد حق تعالی سکرات مرگ را بر او آسان کرداند
و قبر او را باغی کرداند از باغستانهای بهشت وهرکه
علی را دوست دارد بعدد هر رگی که در بدن اوست
حق تعالی او را حوری کرامت فرماید و او را شفیع کرداند

در حق

در حق هشتاد کس از اهل بیت خود بعدد هر موی
که در بدن اوست او را در بهشت شهری کرامت
فرماید وهرکه علی را دوست دارد حق تعالی ملک موت را
نزد او فرستد چنانکه نزد پیغمبران میفرستد و دفع
کند از او هول منکر و نکیر را و قبر او را یکسال راه فراخ
کرداند و در روز قیامت روی او را سفید کرداند
و حشر او با حمزهٔ سید الشهداء باشد وهرکه علی را
دوست دارد دوست میدارد حق تعالی او را در روز قیامت
در سایهٔ عرش خود با صدیقان و شهیدان و
صالحان و از فزع اکبر روز قیامت او را ایمن کرداند
وهرکه علی را دوست دارد حق تعالی حکمت را در دل او
درآورد و بر زبان او جاری کرداند و درهای رحمت را
بر روی او بکشاید وهرکه علی را دوست او را در آسمانها
بخوانند که اسیر الهیست در زمین و حق تعالی با او مباهات

و جای وی در اول

فرماید با اهل آسمانها و با حاملان عرش خود وهرکه
علی را دوست دارد میدارد ملکی از زیر عرش او را
ندا میکند که ای بندهٔ خدا عمل از سر گیر که خدا
گناهان ترا آمرزید وهرکه علی را دوست دارد در صحرای
محشر حاضر شود و روی او مثل ماه شب چهارده
باشد وهرکه علی را دوست دارد حق تعالی تاج پادشاهی
در روز قیامت بر سر او گذارد و حلهٔ عزت و کرامت
بر او بپوشاند وهرکه علی را دوست دارد بر صراط
بگذرد چون برق جهنده وهرکه علی را دوست دارد
حق تعالی بنویسد از برای او براتی بیزاری از آتش جهنم
و گذشتن از صراط و ایمنی از آتش جهنم و نامهٔ اعمال او را
نکشایند و ترازوی عمل از جهت او نصب نکنند و او را
گویند داخل بهشت شو بیحساب وهرکه علی را دوست دارد
و بر دوستی آنحضرت بمیرد فرشتگان با او مصافحه کنند و

پیغمبران

و پیغمبران او را زیارت کنند وهر حاجتی که دارد حق تعالی
برآورد وهرکه آل محمد را دوست دارد ایمن باشد
از حساب و میزان و صراط وهرکه آل محمد را دوست دارد من
ضامن اویم که داخل بهشت شود با پیغمبران وهرکه آل محمد را
دشمن دارد در روز قیامت بر پیشانی او نوشته باشد
که از رحمت الهی ناامید است وهرکه بر دشمنی آل من بمیرد
کافر مرده است و بوی بهشت را نشنود و از حضرت امیر
المؤمنین منقولست که فرمود والله که هرکه بر دشمنی من
بمیرد البته او را خواهم دید در وقت مردن وهرکه با
دوستی من از دنیا برود در وقت مرگ مرا خواهد دید
و از حضرت صادق منقولست که مرگ نسبت بمؤمنان
مانند بوییدن بهترین بوهای خوش است که ببوید
و بخواب رود و تعبها و المها از او زایل گردد و از کفار

مانند کوبیدن آهنیست وبنیش زدن ودشوارتر است
از انکه پاره پاره کنند کوشت اورا بمقراض یا اورا سنک
باران کنند یا میل آسیا بر کردن او کذارند واینها از
عذابهای دنیاست وهر راحتی که بمؤمن میرسد اول
ثواب ایشانست وهر سختی که بایشان میرسد کفاره کناهان
ایشانست تا انکه پاك وپاکیزه باشند ومستحق ثواب
ابدی شوند وچیزی از کناهان برو نماند وهر سهولت
واسانی که بکافر میرسد بسبب انست که کارهای خیر
کرده اند وحق تعالی جزای ایشانرا در دنیا بایشان میدهد
تا چون بمیرند از برای ایشان خوبی نماند بغیر از احسان
پس خاك باد بر سر بی خردان واشراری که سهل میشمارند
ذکر نمودن آن جنابرا در اذان ولعنت باد بر کروهی که
انکار امامت ووصایت آن جنابرا مینمایند ومعاندت ذکر

اورا

اورا میکنند در اذان پس ای عزیز این چه سفاهت و
حماقت وبی عقلیست که جناب اشرف نبوی با وجود این
همه فضل که در باب او حدیث کرده که مجملی در اینمقام مذکور
کردید ومفصل آن ان شاء الله در رساله ارکان الایمان
در باب عالم برزخ بیان خواهد شد که شما بی خردان
مذکور ساختن ذکر اورا در اذان سهل می انکارید
وبعضی کفته اند از اجانب میدانید وبرخی ترك اورا احوط
میدانید پس هرکه اندك شعوری داشته باشد ازاین
حدیث مذکوره یقین حاصل میتواند نمود که جاری ساختن
ذکر انحضرت در اذان چه قدر فضیلت دارد چنانچه از
اهل بیت منقولست که هرکه اذان کوید واَشْهَدُ اَنَّ
عَلِیًّا وَلِیُّ اللّٰهِ را بکوید حق تعالی ثواب چهل شهید وچهل
هزار صدیق باو عطا فرماید وچهل هزار کناه اورا

بشفاعت او ببهشت برد وهفتاد هزار فرشته از برای او
دعا کنند واستغفار نمایند ودر روز قیامت در سایهٔ
عرش خدا باشند تا خلایق از حساب فارغ شوند و
چهل هزار فرشته ثواب اورا بنویسند ومرویست که
هرکه اذانرا بلند وتانی کوید هر جنبنده‌ای که
آواز او برسد برای او در قیامت شهادت دهند
وکناهانش آمرزیده شود وهرکس که بآن اذان نماز کذارد
در ثواب با او شریك باشد وبعد هرکس که
باواز آن نماز کند برای او حسنه ثبت شود وحق تعالی
بادی برای اذان موکل کردانیده که آواز اورا باسمان
برد وچون ملائکه بشنوند کویند که این آواز
امت محمد است که توحید خدا میکند پس برای او
استغفار کنند تا انکه از اذان فارغ شود وهر خانه

که آواز

که آواز اذان بلند شود شیطان دور شود و
بیماری وپریشانی زایل کردد از انجناب حضرت
رسالت منقولست که هرکه در بیابانی که تنها باشد
وضو یا تیمم کند واذان واقامه بکوید ونماز کذارد
حق تعالی فرشتکانرا امر فرماید که در عقب او صف بکشند
صفی که دو طرف آن صف را نتوانند دید ودر رکوع
کنند فرشتکان با رکوع او وسجود کنند با سجود او
وآمین کویند بر دعای او وهرکه اذان نکوید وباقامه
نماز کذارد همین با او نماز کنند دو ملکی که با او میباشند
زیرا که اذان واقامه از سنتهای سنت واحادیث در
باب اذان بی حد واحصاست وبعضی از علما اذانرا
در نماز صبح وشام واجب میدانند واذان واقامه
در نمازهای سنت بدعت است ودر حدیث دیکر

فرمود که چون مؤذن بگوید **اشهد ان لا اله الا الله**
نود هزار ملک بر او صلوات فرستند و از برای
او استغفار نمایند و در روز قیامت در سایهٔ
عرش الهی باشد تا خلایق از حساب فارغ شوند
و چون **اشهد ان محمدا رسول الله** بگوید
چهل هزار ملک ثواب او را بنویسند و هر که بنماز
جماعت حاضر شود بصف اول و تکبیر اول امام را
دریابد حق تعالی ثواب مؤذنان را در دنیا باو
عطا فرماید و در **حدیث** دیگر فرمود که مؤذنان
امینان مسلمانانند بر نماز و روزهٔ ایشان و بر گوشت
و خون ایشان و هر چه از حق تعالی سؤال نمایند عطا
فرماید و در هر لحظه شفاعت ایشان را قبول نماید
و در **حدیث** دیگر فرمود که هر که چهل سال از برای



خدا اذان گوید حق تعالی او را در روز قیامت با عمل چهل
صدیق محشور گرداند و هر که بیست سال اذان گوید در
روز قیامت او را بقدر آسمان اول نور کرامت فرماید
و هر که ده سال اذان گوید حق تعالی او را در قبهٔ ابراهیم
خلیل ساکن گرداند و هر که یکسال اذان گوید حق تعالی
در روز قیامت گناهان او را بیامرزد و در بقیهٔ
عمر او را از گناه حفظ نماید و هر که برای یکنماز اذان
گوید حق تعالی او را در بهشت در درجهٔ شهیدان جای
دهد و در **حدیث** دیگر فرمود که مؤذن در میان
اذان و اقامه حق تعالی ثواب شهیدی باو کرامت فرماید
که در خون خود دست و پا زده باشد و از **حضرت** امیر
المؤمنین منقولست که هر که اجابت مؤذن نکند
نماز چهل ساله اش حبط شود و در **حدیث** دیگر فرمود

که هر جوانی که ترک کند از برای خدا دنیا لهوهای دنیا را
و جوانی خود را به پیری رساند در طاعت الهی حق تعالی
ثواب هفتاد صدیق باو عطا فرماید و هر که خدا را
یاد کند در میان غافلان مثل کسی باشد که جهاد
کند در میان گریختگان و صدیق کسی را میگویند
که تصدیق پیغمبران و متابعت ایشان در اقوال و
افعال بیشتر از دیگران بکند و ثواب یک جوان
صالح این امت برابر است با هفتاد و دو صدیق
از امتهای دیگر و **بسند** معتبر از حضرت صادق ع
منقولست که سه کسند که حق تعالی ایشان را بی‌حساب
داخل بهشت میگرداند امام عادل و تاجر راستگو
و پیری که عمر خود را در طاعت الهی صرف نموده باشد
و از **حضرت** رسول منقولست که هفت کسند که در

سایه

سایهٔ عرش الهی خواهند بود در روزی که بغیر از آن
سایه نیست امام عادل و جوانی که در طاعت و عبادت
الهی نشو و نما کرده باشد و کسی که دلش معلق
بمسجد باشد و دو کس که بایکدیگر ملاقات کنند
و مصافحه نمایند برای رضای الهی و کسی که زن صاحب
حسنی او را بجانب خود بخواند و او از ترس خدا ترک
او بشود و کسی که در خفا تصدق بکند و در این
باب اخبار و آثار بسیار است در این مقام همین قدر
صورت تحریر پذیرفت **باب چهارم** در بیان فضیلت
نماز در مسجدها است چنانچه از حضرت امام جعفر صادق ع
منقولست که یک نماز در مکه برابر است با [illegible] هزار نماز
و یک نماز در مدینه برابر با ده هزار نماز است و یک نماز در کوفه
برابر هزار نماز است و یک نماز در مسجد پیغمبر برابر است

با هزار نماز و یکنماز در مسجد الحرام برابر است با هزار نماز
و در حدیث دیگر فرمود که هر که یکنماز فریضه در مسجد الحرام
بگذارد حق تعالی از او همه نمازی که گذارده است از روزی قبول کند
که نماز بر او واجب شده است و هر نمازی که گذارد تا میرد
و اما مسجد کوفه هزار پیغمبر و وصی پیغمبر در او نماز کرده است
و خانه حضرت آدم و نوح و ادریس در اینجا است و هر که
نماز در او گذارد در روز قیامت چون محرمان جامه
سفید پوشیده بمحشر در آید و شفاعت کند اهل
خود را و دیگران اما کنز مقدسه بیت المقدس است
که یکنماز در آن برابر هزار نماز است و دیگر مسجد خیف است
که صد رکعت نماز در آن برابر هفتاد سال عبادت
و دیگر مسجد قبا و مسجد فدیر است که فضیلت نماز
در اینها بسیار است چنانچه در زینت الاعمال ایراد نموده ام

وانحضرت

و از حضرت صادق منقول است که یکنماز در مسجد جامع
برابر است با صد نماز و یکنماز در مسجد محله برابر است
با بیست و پنج نماز و یکنماز در مسجد بازار برابر است
با دوازده نماز و در حدیث دیگر فرمود که هر که
بمسجد رود برای نماز هر قدم که بگذارد و بردارد
تسبیح میکند او زمین تا هفتم طبقه او بجای او و از حضرت
رسول منقول است که چون کسی که داخل مسجد شود
و پای راست خود را مقدم دارد ملائکه گویند خدا
بیامرزد ترا و چون بیرون آید و پای چپ را مقدم
دارد ملائکه گویند خدا محفوظ دارد ترا و حاجتهای ترا
بر آورد و ترا در بهشت ساکن گرداند و در حدیث دیگر
فرمود که هر که داخل مسجد شود و نماز کند حق تعالی نماز او را
قبول نماید و بنویسد از برای او هر رکعتی ثواب صد رکعت

در نماز جماعت بیان شد و نماز یکه از ده نفر ماموم زیاده
شود ثواب هر یک از ایشان زیادتی دارد بر
ثواب نماز مسجد الحرام و ثواب نماز جماعتی که از ده
کس تجاوز کند احصا نمیتوان کرد و از حضرت امام
محمد باقر منقول است که نماز در مسجد الحرام و مسجد حضرت
رسول و مسجد بیت المقدس و مسجد کوفه برابر است
با یک حج و یک نافله اش برابر است با یک عمره و از
صادق منقول است که یکنماز در مسجد کوفه برابر است
با پنجصد نماز و جوانیکه برابر است با هزار نماز و هر
نمازی بهتر است با هزار حج و هر جوانی بهتر است
از بیست هزار حج و از حضرت امام محمد باقر منقول است
که فرمود که نماز کرده است در مسجد خیف هفتصد پیغمبر
و آن مسجدیست که در منا است پس هر که صد رکعت

نماز

نماز در آن بگذارد برابر است با عبادت هفتاد ساله
و هر که صد مرتبه سبحان الله در آن بگوید حق تعالی
در نامه اعمال او بنویسد ثواب یک بنده آزاد
کردن و هر که صد مرتبه لا اله الا الله بگوید برابر است
با بنده که رهانیدن آدمی که او را از کشتن خلاص
کند یا از کفر بایمان آورد و هر که صد مرتبه الحمد لله
بگوید در آن برابر است با آنکه خراج بصره و کوفه را
در جهاد صرف کرده باشد یا در راه خدا تصدق
کرده باشد مرویست که چون روز قیامت میشود
مسجد کوفه در صحرای محشر خواهد آمد و شفاعت
کند اهل خود را و کسانی که در اینجا نماز گذارده اند
و حق تعالی شفاعت او را قبول خواهد کرد و چرا که در
مسجد کوفه هزار پیغمبر و هزار وصی پیغمبر نماز کرده است

پس چون بیرون آید گناهان او را بیامرزد و بلند گرداند
برای او بهر قدمی درجه و بنویسد برای او بهر قدمی
حسنه و از حضرت صادق ع منقولست که هر که قرآن
سخن او باشد و مسجد خانه او حق تعالی از برای او خانه
در بهشت بنا کند و از اهل بیت ع منقولست که یکنماز
در مکه برابر است با صد نماز و یک درهم تصدق در او
برابر است با صد درهم در غیر آن و یکنماز که در شهر
مدینه یا در شهر مسجد حضرت رسول ص کرده شود برابر است
با ده هزار نماز و درهمی که در آنجا تصدق شود برابر است
با ده هزار درهم در غیر آن و نمازی که در مسجد کوفه
کرده شود برابر است با هزار نماز و بروایتی نماز در
مسجد حضرت رسول ص برابر است با هزار هزار نماز که
قریب است بعمر دنیا و عمر دنیا هفت هزار سال است

وهر که

وهر که شبانه روزی هزار رکعت بگذارد سالی سیصد
شصت شش هزار رکعت نماز میشود که یکصد
هشتاد هزار نماز باشد و هفت هزار سال آن
هزار هزار هزار و دویست شصت هزار هزار است
و شصت پنج سال زیادتی را که حساب میکنیم
هزار هزار هفتصد هزار میشود که مجموع عمر دنیا
هزار هزار هزار و دویست و شصت نه هزار هزار
هفتصد هزار میشود با آنکه هیچ احدی از افراد انسان را
این همه عمر نشده است و نخواهد شد و اگر یکنماز در
مسجد الحرام با عالم کرده باشد هزار مثل این ثواب از
برای او خواهد بود که هزار هزار هزار هزار باشد
و امام را دو مثل این ثواب خواهد بود و اگر ماموم دو کس
یا بیشتر شوند ثواب هم مضاعف میشود چنانکه

و از حضرت امیر المؤمنین ع منقولست که هر که تعظیم
کند مسجد را و آب دهن را در آن نیندازد روز
قیامت خندان باشد در وقتی که او را حساب کنند
و حق تعالی نامه اعمال او را امر فرماید که بدست راست
او دهند و هر که از برای تعظیم مسجد فرو برد آب
دهن خود را حق تعالی همه دردهای او را زایل گرداند
و حسنه در نامه اعمال او بنویسد و آب دهن
رو بقبله نباید انداخت و بهتر آنست که از جانب
راست و چپ انداخته شود پس اگر کسی از روی
فراموشی بیندازد باید استغفار کند و از حضرت
رسول ص منقولست که هر که بروبد مسجد را در روز پنجشنبه یا شب
جمعه و بقدر ذره خاشاک بیرون برد حق تعالی
گناهان او را بیامرزد و بنویسد از برای او ثواب یک

بنده آزاد کر

بنده آزاد کردن و از حضرت امیر المؤمنین ع منقولست که یکنماز
در مسجد قدس خلیل برابر است با هزار نماز و از
حضرت صادق ع منقولست که هر که مسجدی بنا کند
حق تعالی خانه در بهشت برای او بنا کند هر چند آن مسجد
بقدر ایستادن یکنفر باشد یا آنکه سر سنگ بر روی
هم گذارد یا دیواری بکشد بقدر پیشانی که در آن
نماز کرده شود و از حضرت رسول ص منقولست که اگر
ببینید که کسی در مسجد شعر میخواند بگوئید که خدا
دهانت بشکند بدرستیکه مسجد جای قرآن خواندن
و نماز کردنست نه جای شعر خواندن و در حدیث دیگر
فرمود که هر که روشن کند چراغ در مسجدی از مسجدهای
تا روشنی آن چراغ در مسجد باشد فرشتگان با حاملان
عرش از جهت او طلب مغفرت میکنند و حق تعالی گناهان

اورا می آمرزد و از حضرت صادق منقولست که شش چیز است
که فیض و ثواب آن بعد از وفات بمؤمن میرسد اول
فرزندی که برای او طلب آمرزش نماید دویم مصحفی که بعد
از خود باز ماند سیم درختی که نشاند چهارم چاهی که بکند
پنجم صدقه که او جاری و مستمر سازد تا بعد از وی
از آن منتفع گردند ششم سنت و طریقه خیری که
بعد از او بآن عمل نمایند و در صدقه جاریه داخل است
وقف نمودن مزارع و عقارات و ساختن پل و رباط
و قنات و هر چه مسلمانان از آن منتفع گردند حتی
نشانیدن درخت بر سر راهی بقصد آنکه مترددین
در سایه او آسایند و کوفتن میخی بجائی برای آنکه
چهارپایان خود را بآن ببندند و آنچه از این قبیله باشد
و منقولست که مردی بسفری میرفت میخی با خود برداشت

که هرجائی

که هر جائی که فرود آید چهارپای خود را ببندد و در یکی
از منازل میخ را بر زمین فرو کرد و چون از آنجا روانه شد
آن میخ را همچنان بر جا گذاشت بقصد آنکه چون دیگری بآنجا
رسد و برا بکار آید پس روزی یکی در آن مقام
شخصی بشتاب میرفت پایش بر آن میخ آمده آزار یافت
گامی چند رفت پس بخاطرش رسید که مبادا دیگری
نیز غافل پای بر این میخ آمده افگار گردد باز گشت و آن
میخ را بر کند پس حق تعالی به پیغمبر آن زمان خبر داد که چون
هر دو راحت خلق جستند اگر چه بر خلاف هم عمل نمودند
هر دو را ثواب دهم پس خوشا حال کسانی که عملهای
خیر میکنند و خوشا حال صاحبان لواها و علمهائی
که در روز قیامت آن علمها را بر خواهند داشت و بر
مردمان پیشی خواهند گرفت بدرستیکه ایشان جماعتی اند

که سبقت میگیرند در دنیا برفتن در مسجدها
در سحرها و غیر سحرها پس بدانکه حق تعالی مساجد را
خانه خود قرار داده و محل قرب و رحمت خود مقرر
فرموده است چنانچه اگر کسی را از مخلوقی توقع احسانی
باشد بخانه او میرود پس در مساجد جهت فیض
سبحانی زیاده از جای دیگر میباشد پس در آنجا دعا
کنید که البته مستجاب میشود و مرویست که حضرت
رسول ص از جبرئیل پرسید که کدام یک از بقعهای روی
زمین نزد خدا محبوبتر است فرمود مسجدها و محبوب
ترین اهل مسجدها کسیست که پیش از دیگران
داخل مسجد شود و بعد از دیگران بیرون آید پس حق تعالی
فرماید که خوشا حال بنده که در خانه خود طهارت
گیرد و مرا در خانه من زیارت کند پس بر من لازم است که

گرامی

گرامی دارم زیارت کننده خود را و هر که در تاریکی شبها
بسوی خانه من آید در روز قیامت او را نوری ساطع
کرامت فرمایم و او را از گناهان پاک گردانم و از زیارت
کنندگان خود بنویسم او را پس بسیار در خانه من نماز
کنید و دعا کنید و در مسجدهای مختلف نماز کنید زیرا که
هر بقعه در روز قیامت برای نمازگذارنده گواهی میدهد
و از حضرت رسول منقولست که چون حق تعالی جماعتی را
می بیند که گناهان بسیار میکنند و سه نفر مؤمنان در
میان ایشان هست ایشان را ندا میکند که ای گروهی که
معصیت من بسیار میکنید اگر نه در میان شما جمعی
از مؤمنان بودند که مالهارا تصدق مینمودند و در
مسجد نماز میکردند و در سحرها استغفار میکردند
از ترس من هر آینه عذاب خود بسوی شما میفرستادم

ویران نمیکردم و از حضرت صادق علیه السلام منقولست که
سه چیز در روز قیامت شکایت خواهد کرد مسجدی
که در آن نماز نگذارند و عالمی که در میان جاهلان
باشد و حرمت او را ندانند و مصحفی که غبار بر روی او
نشیند و تلاوت آن نکنند و از حضرت امیر المؤمنین علیه السلام
منقولست که همسایه مساجد نمازش مقبول نیست
تا در مسجد حاضر نشود مگر شغلی از برای او باشد
و هر که در مسجد رود سه چیز از برای او مهیاست
اول آنکه دعا کند و حق تعالی به سبب آن او را داخل بهشت
گرداند یا دعایی بکند که به سبب آن بلاها از او دفع
شود یا برادری از برای خدا بگیرد و هر که برود به سوی
مسجدی از مسجدها پس پاهای خود را هر تر و خشکی
که بگذارد برای او تسبیح گوید تا زمین هفتم و از حضرت

صادق

صادق علیه السلام منقولست که فرمود معزو شید مسجدهای
خود را و اجتناب نمایید از داخل شدن دیوانگان
و خورد سالان و فریاد زدن برای گم شده و
احکام برای جاری شدن کردن و حد زدن و صدا
بلند کردن و از حضرت رسول صلی الله علیه وآله منقولست که هر که
به سوی مسجد رود برای نماز جماعت هر قدمی که بر میدارد
هفتاد هزار حسنه و هفتاد هزار درجه از برای او
نوشته شود و اگر بر این مداومت نماید تا بمیرد حق تعالی
هفتاد هزار کتاه ملک را موکل گرداند که در قبر او را
عیادت کنند و در تنهایی قبر مونس او باشند و از
برای او استغفار کنند تا مبعوث شود باب پنجم
در بیان فضیلت نماز شب است که سرمایه سعادت دو جهانست
چنانچه از حضرت امام محمد باقر علیه السلام منقولست که نماز بنده

گاه باشد که نصف آن بالا رود و قبول رسد و گاه باشد
که سه یک یا چهار یک یا پنج یک آن قبول شود پس
نماز نافله را قصور آن تمام میکند و از حضرت ابی عبد الله
منقولست که هر که دو رکعت نماز برای رضای خدا
بکند پس داخل میگرداند حق تعالی او را در بهشت و
از حضرت امام حسن عسکری علیه السلام منقولست که علامت
مؤمن پنج چیز است در پنجاه و یک رکعت نماز و زیارت
اربعین و انگشتر در دست راست داشتن و جبین
پیشانی بر خاک گذاشتن و بسم الله در نماز
بلند گفتن و از نافلهای سیزده رکعت نماز شب
و دو رکعت نماز صبح است که وقت آن از صبح کاذبست
تا ظاهر شدن سرخی از مشرق و از غایت تاکید
در سفر هم ساقط نمیگردد و چهار رکعت بعد از

نماز مغربست

نماز مغربست خواه در حضر و خواه در سفر و هشت رکعت
نماز نافله ظهر که پیش از ظهر باید کرد و هشت رکعت
هم از عصر است که قبل از عصر باید کرد و این نوافل را در وقت
زوال باید کرد و چهار رکعت نافله مغرب که بعد از
نماز مغرب باید کرد و دو رکعت نافله خفتن که بعد
از نماز خفتن باید کرد نشسته که یک رکعت حساب
میشود و آن را نماز وتیره مینامند و اما نافله شب
از حضرت صادق علیه السلام منقولست که خانه که در آن نماز
شب گذارده میشود یا تلاوت قرآن کرده باشند
میدرخشد و روشنی میدهد اهل آسمان را چنانچه
روشنی میدهد ستارها اهل زمین را پس ای
برادر عزیز بدان که در حدیث وارد شده است
که نماز شب طریقه پیغمبرانست و شیوه صالحانست

و دفع کنندهٔ دردهاست و خاموش کنندهٔ آتش
غضب الهیست و باعث خوشنودی پروردگار است
و افزون کنندهٔ رزق است و برطرف کنندهٔ فقر
و پریشانیست و نیکو کنندهٔ خلق است و کشندهٔ
نفس اماره است و فرو نشانندهٔ شهوتهاست و
باعث استجابت دعاهاست و منقولست که حضرت
رسول صلعم وصیت نمود با باذر که ای اباذر بر تو باد
بنماز شب که محو کنندهٔ گناهانست و بسند معتبر از حضرت
امیر المؤمنین منقولست که هر که ده یک شب را زنده
دارد در نماز و غرض او رضای الهی باشد بنویسد
حق تعالی از برای او حسنات بعدد انچه در شب در زمین
روئیده باشد از دانه و برگ و درخت و نی و درخت
خرما و هر که نگه دارد نه یک شب را در نماز عطا کند

خدا

خدا او را ده دعای مستجاب و در قیامت نامهٔ اعمالش را
بدست راستش دهد و هر که نگاه دارد در نماز هشت
یک شب را عطا کند او را خدا اجر شهید صابر که
نیتش صادق باشد و داده شود اذن شفاعتش
در اهل بیتش و هر که نماز کند اورد هفت یک شب را
چون بیرون آید از قبرش روی او چون ماه شب چهارده
باشد تا آنکه بگذرد از پل صراط با امنین یعنی جماعتی
که از عذاب ایمنند و هر که نماز کند اورد شش یک
شب را نوشته شود از جملهٔ اوابین یعنی کسانی که
از باطل بحق و از عصیان بطاعت بازگشت کرده
باشد و گناهانش آمرزیده و هر که نماز کند اورد پنج
یک شب را قرین و همنشین گردد با ابراهیم خلیل
در بهشت و داخل بهشت شود بیحساب و هر که نماز کند اورد

سر یك شب را هیچ فرشته نماند مکر آنکه آرزو کنند
منزلت مرتبه قرب او را نسبت بجناب الهی داشته باشند
و کویند او را که داخل شو از هر دری که خواهی در بهشت
از درهای هشت کانه و هر که نماز کذارد نصف شب را
اکر پوشود نصیب او هفتاد هزار بار طلا کرا بری
میکند باجزای او و این عبادت بهتر است از هفتاد بنده
ازاد کردن از فرزندان اسمعیل و هر که نماز کذارد
دو ثلث شب را از برای او از حسنات بعدد ریك بیابان
عالج که موضعیست که مجموع آن ریکیست که کمتر بین
ثواب آن بوزن مثل کوه احد باشد ده بار و هر که نماز کذارد
شبی را تمام بیرون آید از کناهان مانند روزی که از
مادر متولد شده باشد و نوشته شود از برای او بعدد
انچه افریده باشد حق تعالی از حسنات و مثل آن درجات

دهد وا را ... خزانه الهی

نوشته شود

وثابت

وثابت و پاید او کردد نور در قبرش و بو کننده شود
حسد از دلش و پناه داده شود از عذاب قبر و عطا
کرده شود برائی از آتش و مبعوث کردد مثل آمنین
یعنی چون از قبر بیرون آید از هر خوف ایمن باشد
پس حق تعالی بفرشتکانش کوید که ای فرشتکان من
نظر کنید بسوی بندهٔ من کرننده داشت شبی را
از برای رضای من پس کواه باشید که او را جای دادم
در فردوس و او راست صد هزار شهر که در هر
شهری انچه نفس او خواهش کند مهیاست و از حضرت
ابی عبد الله منقولست که همچنان که فرزند و مال زینت
دنیاست نماز شب زینت اخرتست و از حضرت صادق
منقولست که نماز شب باعث امرزش کناهان میشود
و روها سفید و نورانی میکرداند و روزی را زیاد میکند

حضرت امیر المؤمنین و یازده فرزندان او و از حضرت
صادق منقولست که هر کاه نماز شب شبی فوت شود و
و بیدار نشود تا صبح در اینروز باید قضا بجا آورد و هر کاه
تابستان باشد و هوا کرم باشد و شبها کوتاه یا سفری
خواهد بود باید نماز را در اول شب کذارد در حالی
که خوف ... از آن باشد و در حدیث صحیح منقولست
که یکی از صادقین فرمودند که هر بندهٔ از بندکان
الهی را در هر شبی دو مرتبه ملائکه بیدار میکنند و میکویند
که برخیز بعبادت شب اکر برخواست فبها و اکر برنخواست
شیطان می آید و در کوش او بول میکند و از حضرت امام
محمد باقر منقولست که هر بندهٔ که قصد کند که ساعتی
از شب برخیزد بعبادت البته حق تعالی دو ملك را میفرستد
که در ساعتی که نیت کرده او را بیدار کنند پس اکر نماز

بس

بو شما باد بنماز شب و خوشا حال کسی که نماز شب کند
واز اهل بیت مرویست که هر که نصف شب برخیزد و وضوی
کامل بسازد بر نیت صادق و بدن خاشع
و چشم کریان نماز کذارد نصف او ملائکه در
عقب او نماز کذارند که یکطرف هر صفی در مشرق
و طرف دیکر در مغرب باشد و عدد ایشانرا
هیچکس نداند بغیر از خدا و چون از نماز فارغ شود
بعدد آن ملائکه درجات برای او بلند کنند
و هر که بعد از نماز شام بنشیند و تعقیب بخواند
و با کسی سخن نکوید تا آنکه دو رکعت نافله را
بجا آورد آن نافله را از برای او در علیین ثبت
نمایند و اکر چهار رکعت نماز نافله بکذارد حج مبرور
برای او بنویسند و اکر فوت شود قضای او را بجا آورد

ومؤمن را خوشبو میکرداند وخوش رو وخوش خلق
میکند وقرض را ادا میکند وغم را زایل میکرداند وچشم را
جلا میدهد منقولست که شخصی بخدمت حضرت صادق ع
شکایت احتیاج خود نمود وشکایت را از حد نهایت
بیرون برد تا آنکه نزدیک شد که بگوید که الحال گرسنه‌ام حضرت
فرمودند که آیا نماز شب میکنی گفت بلی پس حضرت رو باصحاب
خود کرد وفرمود که دروغ میگوید زیرا که حق تعالی نماز
شب را قوت روز کردانیده است واز حضرت امیر المؤمنین
منقولست که نماز شب باعث صحت بدن وسبب خوشنودی
پروردگار میشود واز حضرت رسول ص منقولست که
هر که نماز شب گذارد تا بمیرد بهشت او را واجب میشود و
در حدیث دیگر فرمود که هر که دو رکعت نماز در میان
شب بکند نزد من محبوب تر است از دنیا وانچه در اوست

ومنقولست که

ومنقولست که یکی شخصی از عارفان را در خواب دید پرسید
که حق تعالی با تو چه کرد گفت عبادتها همه فانی وفائده نداد
مگر نماز شب واز حضرت صادق ع منقولست که گاه است
که بنده بنماز شب برمیخیزد وخواب بر او غلبه میکند
وپینکی میزند از دست راست وچپ وذقنش بسینه‌اش
میچسبد پس در آنحال حق تعالی میفرماید که درهای آسمان را
بگشایید پس فرشتگان را امر میفرماید که نظر کنید
بر این بندهٔ من که چه جفا میکشد در تقرب جستن
بمن بر چیزی که بر او واجب نکرده‌ام باامید آنکه گناهانش را
بیامرزم یا توبه‌اش را قبول کنم یا روزیش را زیاد کردانم
پس ای فرشتگان من گواه باشید که همه را باو عطا
کردم واز فضیل منقولست که حضرت رسول ص بعد
از نصف شب نماز شب را ادا مینمودند وهمچنین حضرت

خدا را خوش آید ومباهات کند بآن وگوید ای ملائکه
ببینید بندهٔ مرا که نمازی که بر آن فرض نکرده‌ام قضا
انرا بجا می آورد پس گواه باشید که گناهانش را آمرزیدم
ونماز شب را در حال ضرورت سواره وپیاده وبا ایماء
واشارهٔ رکوع وسجود میتواند گذارد ومرویست که
نشسته از روی اختیار نیز میتوان کرد واز این قبیل اخبار
واحادیث در این مطلب بسیار است ولیکن در خانه
اگر کس است یک حرف بس است اهل هوش وخرد را
همین چند خبر کافیست وعلیلان مرض کاهلی را
همین قدر شافی نیست پس هر کرا خدا این نعمت روزی
کرداند وخواهد که بآن قیام نماید وچون خواهد که
در تفحص آداب وطریقهٔ آن در آید رجوع در رساله
سراج اللیل این حقیر بیبضاعت نماید که در آداب وادعیهٔ

نماز شب

نماز شب ایراد شده است وفقیر الی الله این حقیر را
بطلب مغفرت یاد نمایند **باب ششم** در بیان
فضیلت نماز غفیله ونماز جعفر طیار ونماز حضرت
رسول ص وصبیهٔ مرضیهٔ اوست چنانچه از حضرت صادق ع
منقولست که هر که یک نماز سنتی بجا آورد بنویسد حق تعالی
برائت از آتش جهنم از برای او وهر که نماز حضرت امیر
المؤمنین را بجا آورد از گناهان بیرون آید مانند
روزی که از مادر متولد شده باشد وحاجتهای او
آورده شود واز حضرت رسول ص منقولست که هر که نماز جعفر
طیار را بجا آورد گناه او آمرزیده میشود اگر بعدد ریگ
بیابانها وکف دریاها باشد وهر که تواند هر روز
بجا آورد واگر نتواند در هفته یا در ماهی یا در سالی
یا در همهٔ عمر خود یکبار بجا آورد واداب وادعیهٔ

هریك از این نمازها با نماز وصیت ونماز حاجت و
نماز هدیه بحضرت سید کائنات ونماز هدیهٔ اموات
مؤمنین ونماز ادای حق پدر ومادر ونماز موقظ ونماز
حفظ مال ودین ونمازهای روز جمعه ونماز طلب
فرزند ونمازهای ماه مبارك رجب وشعبان ورمضان
وعیدین ونماز عید قربان وعید غدیر وروزهٔ آن
ونماز بیست وچهارم ذی الحجه ونماز سلمان ونمازهای
مندوبه در کتاب **زینت الاعمال** مذکور است پس
هر که خواهد ۲ با نها کند از آن کتاب مذکوره رجوع نماید وچون
بیان هریك از این نمازها در این رساله باعث تطویل
میشود واین رساله کثیر الفائده ۲ آداب وطریقه انرا
نداشت ~~وباعث حجابی میگردید~~ پس بنابر این طریقه
وآداب هریك از این نمازها را حواله نمودیم ۲ باب هفتم

عمل

کنجایش ذکر
بزینت الاعمال

در بیان تعقیبات نماز است که مجملی از آن مرقوم سلك
تحریر میگردد وهر کرا حق تعالی توفیق تعقیبات وارده
دهد در مصباح ومفتاح الفلاح رجوع نماید اما آن
مجمل اینست که از حضرت صادق ع منقولست که تسبیح
حضرت فاطمهٔ زهرا ع بعد از هر نماز محبوب تر است
نزد من از هزار رکعت نماز در هر روزی واز حضرت
امام محمد باقر ع منقولست که هر که بعد از نماز سه مرتبه بگوید
استغفر الله الذی لا اله الا هو الحی القیوم ذو
الجلال والاکرام بیامرزد حق تعالی گناهان او را اگر
چه مانند کف دریاها باشد وهر که بعد از هر نماز
سه دفعه تسبیحات اربع را بخواند حق تعالی دفع کند از او
فرود آمدن خانه بر سر او وسوختن وغرق شدن
ودر چاه افتادن وطعمهٔ جانوران درنده گشتن

وفرود آمدن بلاهای بد وپلید که از فوق بر بنده نازل
میشود وببرکت این کلمات شریفه بلاهای مذکوره
از وی مندفع میگردد ودیگر فرموده که چون از نماز
منصرف گردید لعن کنید بر بنی امیه واز حضرت رسول ص
منقولست که فرموده که خوشا حال کسی که چون نامهٔ اعمال
او گشوده شود در زیر هر گناهی استغفاری نوشته
باشد واز حضرت صادق ع منقولست که هر که بعد از نماز
صبح بگوید استغفر الله الذی لا اله الا هو الحی
القیوم واتوب الیه حق تعالی هفتصد گناه کبیرهٔ او را
بیامرزد واو را فرج وگشادگی دهد ودر رزق او را
زیاد گرداند وهر که استغفار بسیار کند چون نامهٔ
اعمال او را باسمان برند مانند ستارهٔ درخشنده
باشد وگناهان او بریزد چون برگ از درختان

ودر حدیث

واز حضرت امام موسی ع منقولست که هر که تسبیح از خاك قبر
حسین ابن علی داشته باشد وسی وسه دانه باشد
وهر وقت که بذکر الهی بگرداند بعدد هر دانه ذکر
بگردد چنانکه داب عوام است بعدد هر دانه
حق تعالی ده حسنه در نامهٔ اعمال او بنویسد واز حضرت
صادق ع منقولست که هر که از خاك قبر آنحضرت یك تسبیح
کند حق تعالی بعدد هر دانه تسبیح چهار صد حسنه
در نامهٔ عملش بنویسد وچهار صد گناه از او محو
کند وچهار صد حاجت او را برآورد وچهار صد
درجه از برای او بلند گرداند وروایتست که هر ذکر واستغفاری
که با تسبیح خاك امام حسین ع گفته شود هفتاد مرتبه
مضاعف شود وهر که با آن تربت مقدس تسبیحات
اربع گوید بهر دانه شش هزار حسنه برایش ثبت شود

وشش هزار سیئه محو شود وشش هزار درجه بلند
کرده شود واورا شش هزار شفاعت عطا فرمایند و
از اهل بیت منقولست که هرکه بعد از نماز پیش از آنکه
زانوی از وضع خود تغییر دهد سه مرتبه بگوید
اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له
الها واحدا لم یتخذ صاحبة ولا ولدا بنویسد
حق تعالی از برای او چهل هزار حسنه ومحو کند از او چهل
هزار سیئه وچنان باشد که دوازده مرتبه ختم قرآن
کرده باشد وهرکه بعد از نماز حمد وآیة الکرسی
وآیه شهد الله وقل اللهم مالک الملک را تا بغیر
حساب بخواند حق تعالی فرماید بعزت وجلال خودم
که هر روز بچشم خود پنهان هفتاد بار نظر کنم و
در هر مرتبه هفتاد حاجت او برآورم که کمترین آنها

مغفرت گناهانش باشد ودر حظیرهٔ قدس خویش
جایش دهم وبر دشمنان ظفرش دهم واز ایشان
بسلامتش دارم وهیچ چیز باعث دیگر بهشت رفتنش
نشود وهرکه ایمان بخدا ورسول دارد باید ترک قل
هو الله احد را بعد از هر فریضه نکند تا حق تعالی
خیر دنیا وآخرت را برای او جمع فرماید گناهان او
ووالدین وبرادران وخواهرانش همه آمرزیده
شود هرگاه چه بعدد ستارهای آسمان وقطرات
باران وخاک زمین وریگ بیابان باشد وهرکه
بعد از هر نماز بگوید **اللهم اهدنی من عندک**
وافض علی من فضلک وانشر علی من رحمتک
وانزل علی من برکاتک در روز قیامت هشت در
بهشت از برای او گشوده شود تا از هر در که خواهد

داخل شود واز حضرت صادق منقولست که هرکه
بعد از هر فریضه سه مرتبه تسبیحات اربع را بخواند
از سوختن وغرق شدن ودر خرابه ماندن و
خوردن جانوران درنده ومردن ناخوش وبلیه
که در آن روز نازل شود ایمن باشد واگر مسافر
بعد از هر نماز فریضه سه مرتبه بخواند نمازش تمام
شود وهرکه بعد از نماز شام وصبح پیش از آنکه
حرف زند وپا را بگرداند ان الله وملائکته
یصلون علی النبی را با صلوات بخواند حق تعالی
صد حاجت او را برآورد هفتاد در دنیا وسی در
آخرت واگر حرف زند ونگرداند وصد مرتبه **لا**
حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم بگوید حق تعالی
صد نوع از بلاها از او دفع کند که سهلترین

آنها جنون وجذام وبرص باشد واگر شقی باشد
از دیوان اشقیا محو گردد ودر دیوان سعدا ثبت
گردد واگر بعد از این دو نماز صلوات بفرستد
نمیرد تا صاحب الامر را ببیند واگر بعد از نماز صبح پیش
از آنکه حرف زند بگوید **رب صل علی محمد واهل**
بیته حق تعالی روی او را از آتش نگاه دارد وهرکه بعد
از نماز عصر هفتاد مرتبه استغفار الله کند هفتصد
گناهش در آن روز آمرزیده شود واگر او را اینقدر
گناه نباشد از گناه پدرش آمرزیده شود واگر
پدرش هم گناه نداشته باشد از مادرش وبرادرش
وخواهرش آمرزیده شود واگر ایشان هم نباشند
خویشان اقرب فالاقرب او آمرزیده شود
وهرکه بعد از نماز عصر استغفار کند [illegible] برای او حسنه ثبت کنند

فضل عمل همه خلایق برای او بنویسند و هر که بعد از نماز بگوید سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ
حق تعالی به بیشتر ازین کیلها او را ثواب دهد و بعدد
هر مسلمی او را حسنه دهد و هر که سجدهٔ شکر بجا
آورد چنانکه هر دو ساعد و سینه و شکم او محاذی ملحق
زمین شود و صد مرتبه شکراً لله بگوید ثواب
آن بر زبان و قلم نیاید و از اهل بیت مرویست که
شیطان هر روز از طلوع صبح تا آفتاب برآید و از غروب
آفتاب تا بطرف شدن سرخی اتباع خود را
در زمین منتشر میسازد برای گمراه کردن مردمان
پس در این دو وقت ذکر خدا بسیار کنند و خود و کودکان
خود را بخدا پناه دهید از کید او و در حدیث دیگر

مرویست که هر که پیش از طلوع و غروب آفتاب صد مرتبه
الله اکبر بگوید چنانست که صد بنده آزاد کرده
باشد و از حضرت امیر المؤمنین ع منقولست
که طلب روزی نمائید در مابین طلوع صبح تا آفتاب برآمدن
که تاثیر آن در روزی زیاده از سفرهای تجارتها
کردنست و از حضرت رسول ص منقولست که حق تعالی
میفرماید که ای فرزند آدم مرا یاد کن بعد از نماز
صبح یکساعت و بعد از عصر یکساعت تا من
مهمات ترا کفایت کنم و حاجات ترا بر آورده و در حدیث
دیگر فرمود که هر که بعد از نماز صبح در جای نماز خود
بنشیند و بیاد خدا مشغول باشد تا آفتاب برآید
برای او حق تعالی او را از آتش جهنم مستور کرداند و
ثواب حج بیت الله الحرام باو کرامت فرماید و ...

بیامرزد و از حضرت امیر المؤمنین ع منقولست که
تعقیب خواندن بعد از نماز صبح و عصر موجب زیادتی
روزیست و بسند معتبر از حضرت امام محمد باقر ع
منقولست که هر که پیش از برآمدن آفتاب و پیش
از فرو رفتن آفتاب صد مرتبه بگوید اللّٰه اکبر
حق تعالی ثواب صد بنده آزاد کردن در نامهٔ اعمالش
بنویسد و از حضرت رسول ص منقولست که هر که
هر صبح و شام تسبیح اربع را بخواند حق تعالی بعدد
هر تسبیحی ده درخت در بهشت باو کرامت فرماید
از انواع میوهها و در حدیث دیگر فرمود که هر که
بعد از نماز صبح هفتاد مرتبه بگوید استغفر الله
حق تعالی او را بیامرزد و اگر چه هفتاد هزار گناه کرده باشد
و بسند معتبر از حضرت صادق ع منقولست که هر که هر

روز بیست و پنج مرتبه بگوید اللّٰهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ حق تعالی بعدد هر
مؤمنی که گذشته است و خواهد آمد تا روز قیامت
حسنه در نامهٔ اعمال او بنویسد و گناه از او محو گرداند
و درجه از برای بلند گرداند و بسند معتبر از حضرت
صادق ع منقولست که چون بنده نماز میکذارد و
سجدهٔ شکر بجای آورد حق تعالی حجاب از میان بنده و
ملائکه برمیدارد و میفرماید که ای ملائکه نظر کنید
بر بنده که فرض مرا ادا کرده است و بعد از آن شکر
نعمت مرا بجای آورد ای ملائکه چه ثواب او را نزد من
هست ملائکه گویند پروردگارا رحمت خود را شامل
حال او گردان باز میفرماید دیگر چه چیز باو عطا
کنم میگویند پروردگارا بهشت خود را باو عطا کن

باز میفرماید که دیگر چه چیزها وعطا کنم میگویند
که حاجت او را روا کن وهمچنین حق تعالی سؤال
میکند ملائکه جواب میگویند تا انکه هیچ چیز
نمیماند که علم ملائکه باو احاطه نکند مگر انکه
او را میگویند وچون بعد از آنها سؤال میکند
ملائکه میگویند پروردگارا ما دیگر به چیزی
علم نداریم که گوییم تا تو عطا فرمایی باو پس
حق تعالی میفرماید که من شکر میکنم او را چنانکه
او شکر کرم مرا ورو بطرف فضل واحسان خود را
بسوی او میدارم واو را در مراتب معرفت خود
کامل میکردانم ولسند معتبر از احدهما منقولست
که حق تعالی بحضرت موسی خطاب فرمود که ای موسی
میدانی که چرا ترا از میان بندکان خود بر گزیدم

وکلیم

وکلیم خود کردانیدم کفت نه ای پروردگار من
خطاب رسید که من چون نظر کردم بنفس ترا نزد بندگی
از همه کس ذلیل تر وخاشع تر یافتم که هرگاه از نماز
فارغ میشدی دو طرف روی خود را نزد من بر
خاک میگذاشتی پس حضرت موسی بسجده در آمد
وپهلوهای روی خود را از روی تذلل بر خاک مالید
پس حق تعالی باو وحی نمود که سر بردار ای موسی ودست
خود را بر موضع سجود بمال که باعث ایمنی تو میگردد از
هر بلایی ودردی وآفتی پس بدان که سجدهٔ شکر
آنست که سر بسجده گذاری وسه مرتبه بگویی شکراً
لله چنانچه از حضرت امام رضا منقولست که چون
بندهٔ خواهد که سجدهٔ شکر بجا آورد وسینهٔ خود را
بر زمین بچسباند وسه مرتبه بگوید شکراً لله ودر حدیث

دیگر فرمود که صد مرتبه عفواً بگوید وصد مرتبه شکراً
بگوید وحاجات خود واو برادران مؤمن خود را
از حق تعالی طلب نماید ودر تضرع وزاری ومناجات
تقصیر ننماید وبسیار طول بدهد چنانچه در احادیث
معتبره وارد شده است که بنده در هیچ حالت قرب او بخدا
زیاد نیست در حالتی که در سجده گریان باشد وائمه
ما اینقدر سجده را طول میدادند که مرغ در پشت
ایشان آشیانه میکرد است ودعاهای سجده وتعقیبات
نماز وادعیهٔ روز وشب اینقدر هست که در مجلدات
بسیار احصا نمیتوان کرد پس اگر کسی خواهد که با
خدا را خواهد از ستّ انفذ رهست که از عهدهٔ
هزار یك آن بر نمی توان آمد وادعیه واوراد

اذکار

واذکار وتعقیبات شبانه روزی در زینت الاعمال
مرقوم است وهمچنین در کتابهای بسیار وارد شده است
ولیکن بنابر اصح اسم این کتاب مذکور شد و
نظر بر عنت تجمیل در این اوراق سمت ذکر نیافت
واین مجمل بسبب اختصار لفظ ولثواب وبرکت بجد
مذکور گردید پس اگر کسی را اذکار واوراد واعتبر
میسر نشود تلاوت قرآن نماید تا از فیض تعقیبات
محروم نگردد والله الموفق باب هفتم در بیان فضیلت
بعضی از ذکرهاست چنانچه از حضرت رسول منقولست
که فرشتگان مرور میکنند در مجالس ذکر پس می
ایستند بر بالای سر ایشان ومیگویند بگریه
ایشان وامین میگویند بر دعای ایشان وچون
باسمان صعود میکنند حق تعالی میفرماید که ای ملائکه

من در کجا بودید میگویند ربنا تو دانا تری که کجا بودیم
حاضر شدیم در مجلسی از مجالس ذکر پس اهل مجلس را
دیدیم که تقدیس و تسبیح تو میکردند و طلب مغفرت
از تو مینمودند و از آتش تو میترسیدند و بثواب
تو امید داشتند پس حق تعالی میفرماید که گواه میگیرم شمارا
ای گروه ملائکه بدرستیکه آمرزیدم ایشانرا و ایمن گردانیدم
ایشانرا از آتش خود و واجب ساختم برایشان بهشت
خود را پس فرشتگان گویند ربنا یکی از ایشان ذکر ترا
مجابی آورد پس حق تعالی گوید که او را نیز آمرزیدم ببرکت
هم نشینی او با اهل ذکر من و در حدیث دیگر فرمود
که بهترین اذکارها تسبیح اربع است که هر که گوید هر کلمه
ازاین چهار کلمه ده درخت در بهشت از انواع میوها
برای او غرس نمایند و هر که صد مرتبه الله اکبر بگوید

افضلست

افضلست از مردمان بحسب عمل و از آزاد کردن صد بنده
و افضلست از دادن صد شتر قربانی و هر که حمد کند
خدارا صد بار افضلست از صد اسب با زین و لجام و رکاب
که بجهاد کنندگان دهد که جهاد کنند و هر که صد مرتبه
لا اله الا الله بگوید افضلست از مردمان بحسب عمل
مگر کسی که زیاده از آن گفته باشد و در حدیث دیگر فرمود
که در شب معراج داخل بهشت گردیدم زمینهای هموار
دیدم از مشک و در آن فرشتگان بنا میکردند خشتی
از طلا و خشتی از نقره و گاه دست از کار باز میداشتند
گفتم چیست شمارا که گاه کار میکنید و گاه دست باز
میدارید گفتند انتظار میکشیم تا خرجی و ما یحتاج
او حاضر گردد گفتم چیست خرجی آن گفتند تسبیحات
اربع پس چون صاحب این بنا این کلمات را گوید ما

بنا میکنیم و چون ساکت میشود ما هم دست باز میداریم
و در حدیث دیگر فرمود که چون کسی سبحان الله
گوید تسبیح کنند با او آنچه در زیر عرش است پس
عطا کرده شود گوینده برابر او و از ثواب این کلمه که هم
گفته باشند و چون والحمد لله گوید درختی در بهشت
از برای او غرس نمایند و الله اکبر گوید درخت دیگر
از برای او غرس نمایند پس یکی از قریش عرض کرد که فدای
تو شوم پس ما در بهشت درخت بسیار داریم فرمود که
بلی و لیکن بپرهیزید از اینکه آتشی بفرستید که آن
درختانرا بسوزاند و بسند معتبر از حضرت امیر المؤمنین
منقولست که فقرا بخدمت حضرت رسول آمدند و
گفتند یا رسول الله اغنیارا مالی هست که بآن بنده
آزاد کنند و حج کنند و تصدق نمایند و در راه خدا

جهاد

جهاد کنند و ما نداریم حضرت فرمود که هر که صد مرتبه
سبحان الله بگوید بهتر است از صد بنده آزاد کردن
و هر که صد مرتبه بگوید الحمد لله بهتر است از صد شتر
با خود همراه بردن بحج که مهار آنهارا بکشد از برای طواف
کنندگان و هر که صد مرتبه لا اله الا الله بگوید بهتر است
از صد اسب لجام کرده که مردم سوار کنند و در راه خدا
مجاهد فرستد و هر که صد مرتبه بگوید الله اکبر
کسی در آن روز عملش از او بیشتر نباشد پس چون این
باغنیاء رسید آیشان نیز این اعمال بجا آوردند باز فقرا
بخدمت آنحضرت آمدند و عرض کردند که اغنیا نیز
این عمل میکنند حضرت فرمود که این نیز فضل خداست
هر که میخواهد عطا میفرماید و بسند معتبر از حضرت
امام رضا منقولست که حق تعالی بر خود واجب کرده است

که هر مؤمنی که صد مرتبه الله اکبر و صد مرتبه الحمد لله و صد
مرتبه سبحان الله و صد مرتبه لا اله الا الله و صد مرتبه
صلوات بر محمد و آل محمد بفرستد و گوید اللهم زوجنی من
الحور العین حق تعالی حوریه در بهشت باو کرامت فرماید
و این پانصد کلمه مهر آن حوریه باشد پس از این جهت
بود که حق تعالی وحی نمود بحضرت رسول صلعم که مهر زنان مؤمنه را
پانصد درهم سنت کرداینده و بسند معتبر از حضرت
امیر المؤمنین ع منقولست که سبحان الله نصف میزان اعمالست
و الحمد لله پر میکند میزان را و الله اکبر پر میکند
مابین آسمان و زمین را و بسند معتبر از حضرت
رسول صلعم منقولست که هر که تسبیحات اربع را بسیار گوید
در روز قیامت با خیرات و ثوابهای عظیم آید پس امور
شایسته که از برای آدمی باقی میماند و نفع باو میرساند

کفتن

گفتن این کلمات است و در حدیث دیگر فرمود که سپر آتش
سازید این کلمات را یعنی بگوئید سبحان الله و الحمد لله
و لا اله الا الله و الله اکبر و از حضرت امام محمد باقر ع
منقولست که هر که بگوید سبحان الله از روی تعجب حق تعالی
از آن کلمه مرغی بیافریند که آن مرغ را زبانی بوده باشد
و در میان ملائکه مسبحین تسبیح الهی کند تا روز قیامت
و مثل اینست گفتن تسبیح اربعه و اما در فضیلت
تهلیل از حضرت رسول صلعم منقولست که حق تعالی [illegible]
موسی خطاب فرمود که اگر آسمانها و ساکنان [illegible] آنها
و زمینهای هفت گانه در یک کفه ترازو باشند لا اله
الا الله در کفه دیگر باشد این کلمات [illegible] زیادتی
دارد و در حدیث دیگر فرمود که در وقت مردن مردهای
خود را تلقین کنید به لا اله الا الله که گناهان را.

میکند و درهم میشکند و هر که در حالت صحت بگوید
[illegible] درهم میشکند و برطرف میشود گناهان بدرستیکه
جبرئیل بمن گفت که یا محمد در قیامت جمعی را خواهید
دید که از قبرها رو سفید مبعوث میشوند و با آواز بلند
میگویند لا اله الا الله و الله اکبر و بدرستیکه لا اله الا الله
مونس مؤمنست در حال حیات و نزد وفات و در هنگام
مبعوث شدن و جمعی روسیاه مبعوث میشوند و
فریاد میکنند واویلاه و واثبوراه و در حدیث دیگر فرمود
که قیمت بهشت لا اله الا الله است پس هر که لا اله الا الله
بگوید برای او درختی در بهشت بکارند از یاقوت
و شیرهاش در مشک سفید باشد و میوه اش
از عسل شیرینتر باشد و از برف سفیدتر و از مشک
خوشبوتر باشد و در آن درخت میوه ها باشد بشکل

پستان

پستان دختران باکره که چون شکافته شود هفتاد
حله از میان او بیرون آید و از حضرت امیر المؤمنین ع
منقولست که هر بنده مسلمانی که لا اله الا الله بگوید این کلمه
بالا رود و هر سقفی را بشکافد و هر گناهی از گناهان
او که برسد محو کند تا چون بحسنات او برسد قرار گیرد
و بسند معتبر از حضرت امام محمد باقر ع منقولست که
هیچ عملی ثوابش عظیمتر از شهادت لا اله الا الله نیست
و بسند معتبر از حضرت رسول صلعم منقولست که بهترین عبادتها
لا اله الا الله است و بسند صحیح از حضرت صادق ع
منقولست که هر که صد مرتبه لا اله الا الله بگوید عمل
او در آن روز بهترین اعمال مردم باشد مگر کسی که بیشتر
از این کلمه را گفته باشد پس هر خانه که در آن قرآن
خوانده شود و ذکر خدا کنند برکت آن خانه بسیار

میشود و شیاطین از آن خانه دوری میجویند و آن خانه
روشنی میدهد اهل آسمان را چنانچه ستارها روشنی
میدهد اهل زمین را و خانه که در آن قرآن خوانده
نشود و یاد خدا در آن خانه نکنند برکت آن خانه کم است
و ملائکه از آن خانه دوری میجویند و شیاطین
نزدیک میشوند پس هر که زبان ذکر کننده داده
بدرستیکه خیر دنیا و آخرت با و کرامت فرموده و هر که خدا را
بسیار یاد کند خدا او را بسیار دوست دارد و هر که ذکر خدا
بسیار کند حق تعالی دو برات از برای او بنویسد یکی
بیزاری از آتش جهنم و یکی بیزاری از نفاق و هر که لا
اله الا الله بگوید از روی اخلاص داخل بهشت
میشود و در حدیث دیگر فرمود که هر که در غیر تعجب
لا اله الا الله بگوید حق تعالی از آن کلمه مرغی خلق فرماید

که تا روز

که تا روز قیامت بر بالای سر گوینده آن کلمه بال زند
و ذکر خدا کند و ثواب آن از او باشد و بسند معتبر
از حضرت رسول منقولست که فرمود که تلقین کنید
مردهای خود را بگفتن لا اله الا الله بدرستیکه هر که
آخر کلامش لا اله الا الله باشد داخل بهشت
میشود پس خوشا حال کسی که بگفتن لا اله الا الله
مداومت نماید و بسند معتبر از حضرت صادق
منقولست که هر که صد مرتبه بگوید لا اله الا الله
الملک الحق المبین حق تعالی او را پناه دهد از فقر و وحشت
قبر او را با نس مبدل کرداند و سبب توانگری او گردد
و هر که روزی صد مرتبه بگوید رو کند بتوانگری و پشت
کند بدرویشی و از حضرت امام محمد باقر منقولست
که هر که بگوید اشهد ان لا اله الا الله وحده

لا شریک له و اشهد ان محمدا عبده و رسوله
حق تعالی هزار هزار حسنه از برای او بنویسد و از حضرت صادق
منقولست که هر که هر روز ده مرتبه بگوید اشهد ان لا
اله الا الله وحده لا شریک له الها واحدا احدا
صمدا لم یتخذ صاحبة و لا ولدا بنویسد حق تعالی
از برای او چهل و پنج هزار حسنه و محو نماید از نامه
اعمالش چهل و پنج هزار سیئه و بلند کرداند از برای
او چهل و پنج هزار درجه و حوزی باشد از برای او
در آن روز از شر شیطان و ظالمان صاحب سلطنت
و در آن روز گناه کبیره او را فرا نگیرد و در حدیث دیگر
فرمود که هر که هر روز این دعا را بخواند حق تعالی از برای
او چهل و پنج هزار درجه بلند کرداند و چنان باشد
که در آن روز دوازده مرتبه ختم قرآن کرده باشد

و حق تعالی

و حق تعالی خانه در بهشت از برای او بنا کند و از حضرت
رسول منقولست که هر که لا اله الا الله بگوید
تهلیل کند هر چه در پشت سر اوست و هر چیز که
پیش روی او واقع است تا آنکه برسد بانتهای کره
خاک و ثوابش همه از او باشد و هر که بمکان بلندی
برآید لا اله الا الله و الله اکبر بگوید از پشت
سر او تا انتهای کره خاک و از پیش روی او تا انتهای
کره خاک و هر چیز که در آن باشد همه بزبان حال
بمتابعت آن شخص همان کلمه را بگویند و ثوابش همه
از او باشد و از حضرت سید الساجدین منقولست
که هر که در اول شب صد مرتبه لا اله الا الله بگوید
چنانست که صد بنده آزاد کرده باشد و در روز قیامت
او را حساب نکنند و از حضرت رسول منقولست که فرمود

که فاضلتر این چیزی که من گفتم و انبیائی که پیش از من
بودند گفتند کلمهٔ لا اله الا الله بود و منقولست که شخصی
بجنگ کفار رفت و جماعت کفار غالب آمد و
لشکر کفار را شکست و پادشاه ایشان را گرفت و
برد در دیگی نهاد و سر آن دیگ را محکم ساخت و زیر
آتش نهاد و چون گرمی آتش بوی رسید بغایت
بیتاب شد شروع کرد در نام بتهای چند خود بر
دن و ایشان را یاری میطلبید و منفعت و فائدهٔ
نمییافت و چون بسیار مضطر شد با خود گفت
چندانکه خدایان خود را طلبیدم هیچ منفعتی ندیدم
الحال خدای مسلمانان را یاری طلب نمایم شاید
که از این محنت رهائی یابم بتوفیق یافته فی الحال
بکلمهٔ لا اله الا الله مشغول شد پس در حال ابری برآمد

و بادی برخاست و آن دیگ را در ربود و در میان
لشکر کفار آورده بر زمین نهاد پس اهل آن
لشکر تعجب نمودند سر آن ظرف را گشودند پادشاه
خود را در میان آن دیدند و ویرا بیرون آوردند
از حال او پرسیدند پادشاه قصهٔ خود را تمامی بیان
کرد پس اهل آن لشکر از دین خود بیزار گشتند و بشرف
اسلام مشرف شدند و بگفتن کلمهٔ لا اله الا الله
مشغول شدند و این نموداریست در دنیا که مردمان را
یقین شود که گفتن کلمهٔ لا اله الا الله موجب خلاصی
و رستگاری از آتش دوزخ است و مؤید این سخنست
حدیثی که امام ضامن ثامن علی بن موسی الرضا بواسطهٔ
آبای طاهرین خود از حضرت رسول صلعم روایت کرده
که آنحضرت فرمود که خدای عز و جل میفرماید که کلمهٔ

لا اله الا الله حصار و قلعهٔ منست پس هر که داخل
حصار من شود از عذاب من ایمنست و از حضرت رسول صلعم
منقولست که فرمود که تلقین کنید کودکان خود را
بلا اله الا الله هر چند قلم تکلیف بر آنها نگذشته باشد
و تلقین کنید مردگان خود را بگفتن لا اله الا الله بدرستیکه
که گفتن کلمهٔ طیبه خراب میکند و محو میکند از نامهٔ
اعمال او چهل هزار گناه کبیره را و منقولست که چون
فرعون در رود نیل غرق شد و حضرت موسی نجات
یافت گفت الهی مرا دعائی بیاموز که بآن شکر نعمت
تو بجا آورم خطاب عزت در رسید که یا موسی بگو
لا اله الا الله حضرت موسی عرض کرد که پروردگارا
این کلمه را همه کس میگویند زیاده از این چیزی باید
گفت که بآن شکر نعمت تو بجا آورم خطاب رسید که

بعزت خودم که اگر هفت طبقهٔ آسمان و هفت طبقهٔ زمین را
در یک کفهٔ ترازو نهند و این کلمه را در کفهٔ دیگر هر آینه
نه هزار بار این کلمه سنگینتر بوده باشد پس ای عزیز
باید که مؤمن همیشه بذکر الهی خصوصا بگفتن کلمهٔ
طیبهٔ لا اله الا الله مشغول باشد که در هیچ وقت
نیست که منع از گفتن این کلمه کرده باشد منقولست که
حضرت موسی علی نبینا همیشه باین کلمه مداومت مینمود
و آنحضرت روزی بخلوت رفت برای قضای حاجت و
در خاطرش گذشت که خلاف ادب خواهد بود که
چنین مکانی این کلمه را مذکور سازد ترک گفتن
این کلمه نمود پس خطاب عزت در رسید که یا موسی
چرا مرا فراموش کردی و از گفتن نام من خاموش
شدی گفت پروردگارا فراموش نکردم و لیکن شرم

کردم که در چنین مکانی نام مرا مذکور سازند
آمد که یا موسی مرا در این خاطر میدانی و شرم
نداری که در حضور من با این عمل مشغول شوی
و شرم داری که نام مرا مذکور سازی پس باید که
مؤمن در خلا و ملا یعنی در پنهان و آشکارا هر چند
طاقت بگفتن این کلمه مشغول باشد و در توقع
نداری و از حق تعالی طلب مسئلت نماید که برکت
این کلمه در نفس باز پسین او را از زمرهٔ اهل ایمان
کرداند و از دنیا با ایمان بیرون برد و اگر نعوذ
بالله در نفس باز پسین گفتن این کلمه را از او
نستانند و بی ایمان از این دار دنیا بدار بقا رود
و عظیم تر این بد بختی نخواهد بود که در دنیا همه
کس او را از اهل ایمان و مسلمانان دانند و روز

قیامت

قیامت چون که از خاک بردارد نامش از جریدهٔ اهل
اسلام بیرون کرده او را با جماعت کفار محشور
گردانند پس بدانکه فضل این کلمه بسیار و کلمات
آنست که بنوعی این کلمه را میتوان گفت که هیچ چیز از دنیا
در او نباشد و اگر در مجلسی چندین کس باشد
بگفتن آن منع نکردند که گویندهٔ این کلمه حرف
میزند یا خاموش است زیرا که لبها بهم نمیخورد و منقولست
که اهل بیت عصمت چندان این کلمه را باهستگی میگفتند
که زبان مبارک ایشان در کام میچسبید و اگر بحر
بی زبان خاموش میشدند در دل بذکر الهی مشغول
بودند تا اندک رطوبت در دهان مبارک ایشان
جمع میشد نه در دل بذکر الهی مشغول بودند پس
زبانها از آن رطوبت از کام جدا میکردند و باز بگفتن

این کلمهٔ طیبه مشغول میشدند و منقولست که
حضرت رسول فرمود که جبرئیل خبر داد مرا که در پس
کوه قاف هفت شهرستانست و هر شهری چندانکه
ما بین مشرق و مغربست و در هر شهری هفتاد
هزار کوهست و در هر کوهی هفتاد هزار بیشه است
و در هر بیشه هفتاد هزار درخت است و در هر
درختی هفتاد هزار شاخ است و در هر شاخی
هفتاد هزار شاخهای خورد است و بر هر یک
از شاخهای خورد هفتاد هزار برگ و بر هر برگی
فرشتهٔ نشسته است و هر یک در دست حربهٔ از
نور دارند و ذکر ایشان اینست که لا اله الا الله
محمد رسول الله و علی ولی الله و ثواب این کلمهها را
بگویندهٔ لا اله الا الله مباح کرده اند و از حضرت

امام رضا

امام رضا منقولست که حق تعالی را ستونیست که از
یاقوت سرخ آفریده است و یک سر آن ستون در زیر
عرش است و دیگرش در پشت گاو در زمین هفتم است
ماهی
پس هرگاه مؤمنی کلمهٔ طیبهٔ لا اله الا الله گوید عرش
بر طپیدن در آید چندانچه مانند ماهی بحرکت آید
پس حق تعالی فرماید او را که ساکن شو و قرار گیر ای
عرش پس عرش گوید چون در کار است چگونه ساکن شوم
و حال آنکه تو گویندهٔ این کلمه را نیامرزیدی پس حق تعالی
فرماید که گواه باشید ای ساکنان عرش و آسمانها
من بدرستیکه من امرزیدم گویندهٔ این کلمه را پس
عرش از طپیدن باز ایستد و مثل همین حدیث وارد شده است
در فضیلت
هر که بگوید اشهد ان لا اله الا الله و اشهد ان
محمدا عبده و رسوله و از اهل بیت منقولست

که هر که ذکر خدا بسیار کند بگفتن لا اله الا الله
از آتش دوزخ ایمن گردد و هر که غافل باشد نه
مؤمن باشد و نه کافر ~~و هر که خدا را یاد کند و هر که~~
در مجالس خدا را یاد کند خدا او را در مجلس فرشتگان
یاد کند و خانه که در آن ذکر خدا بسیار کنند برکت
بسیار یابد و ملائکه نزدیک و شیاطین دور شوند
و آن خانه از برای اهل آسمان نورانی باشد و چون
ترک ذکر شود شیاطین ایشان را گمراه کنند و
قساوت آورد و هر که خدا را در دل یاد کند ثواب
از غیر خدا کسی نداند و هر که میان غافلان دنیا
ذکر خدا کند حق تعالی هزار حسنه برایش ثبت نماید
و بیامرزد گناهانش را و چنانست که در جهاد که هم که گریخته باشند
او جهاد کرده باشد و بهشت او را واجب شود و هیچ

بلیه که بشارت شود و ملائکه از آسمان ندا کنند که گناهانت
بحسنات مبدل گشت و در پناه رحمت خدا باشد و هر که
قصد نیت خیر کند و نکند ثواب از او در یافته باشد
پس خوشحال کسی که ذکر خدا کند و خوشحال کسی که ذکر
خدا را در خفا کند چنانچه از حضرت صادق ع منقولست که
حق تعالی در حدیث قدسی فرموده است که هر که ذکر کند
مرا در نهانی من ذکر کنم او را در آشکار و اخبار و آثار
در این باب بیش از آنست که در این اوراق توان گنجید
اما در فضیلت تسبیح از حضرت صادق ع منقولست که هر که
بگوید سُبْحَانَ اللهِ وَبِحَمْدِهِ وَسُبْحَانَ الْعَظِیمِ وَبِحَمْدِهِ
حق تعالی سه هزار حسنه برای او ثبت نماید و سه هزار گناه از او
محو فرماید و سه هزار درجه از برای او مرتفع گرداند
و مرغی در بهشت برای او خلق نماید که تسبیح الهی کند

و ثواب تسبیحش از او باشد و بسند معتبر از حضرت امیر المؤمنین ع
منقولست که چون بنده سُبْحَانَ اللهِ میگوید جمیع ملائکه بر او
صلوات میفرستند و بسند معتبر منقولست که هر که
سی مرتبه بگوید سُبْحَانَ اللهِ وَبِحَمْدِهِ سُبْحَانَ اللهِ الْعَظِیمِ
رو کند بتوانگری و پشت کند برو درویشی و بکوبد در
بهشت را و بسند معتبر از حضرت رسول ص منقولست که هر که
بگوید سُبْحَانَ اللهِ وَبِحَمْدِهِ حق تعالی از برای او هزار هزار حسنه
بنویسد و هزار هزار سیئه از او محو نماید و هزار هزار
درجه از برای او بلند گرداند و هر که زیاده بگوید حق تعالی
ثوابش را زیاده گرداند و هر که استغفار نماید خدا
گناهانش را بیامرزد و از حضرت صادق ع منقولست که هر که
هر روز سی مرتبه سُبْحَانَ اللهِ بگوید حق تعالی از او دفع کند
هفتاد نوع از بلاها را که سهلترین آنها فقر باشد

و بسند معتبر از حضرت صادق ع منقولست که هیچ عملی نزد
حق تعالی بهتر از حمد کردن نیست و هر که بگوید اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ شکر
جمیع نعمتهای حق تعالی را کرده است و از حضرت رسول ص
منقولست که هر که را حق تعالی نعمتی باو کرامت فرمود حمد
او را باید بجا آورد و هر که روزی او دیر برسد
استغفار کند و هر که را اندوهی یا کار دشواری رو دهد
بگوید لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ اِلَّا بِاللهِ و اما در فضیلت
استغفار است ~~چنانچه~~ بسند معتبر از حضرت امیر المؤمنین ع
منقولست که خود را خوشبو و معطر گردانید باستغفار
تا رسوا نکند شما را بوی بد گناهان و در حدیث دیگر
فرمود که هر کرا استغفار بسیار کند روزیرا زیاده میگرداند و بهترین
دعاها استغفار است و بسند معتبر از حضرت صادق ع
منقولست که چون بنده استغفار بسیار کند صحیفه

اعمالش بالا رود درخشنده و نور دهنده و استغفار
خضر بن عبا دانست و در حدیث دیگر فرمود که هر که گناهی کند
هشت ساعت او را مهلت میدهند پس اگر این استغفار را
سه مرتبه بگوید ننویسند استغفر الله الذی لا اله
الا هو الحی القیوم و اتوب الیه و بسند معتبر
دیگر از آنحضرت منقولست که هر که در هر روزی صد مرتبه
بگوید استغفر الله حق تعالی هفتصد گناه او را بیامرزد
و بسند معتبر از آنحضرت منقولست که هر مؤمنی که در
شبانه روزی چهل گناه کبیره بکند و با ندامت و پشیمانی
بگوید استغفر الله الذی لا اله الا هو الحی القیوم
بدیع السموات و الارض ذو الجلال و الاکرام
و اسئله ان یصلی علی محمد و آله و ان یتوب علی
البته حق تعالی گناهانش را بیامرزد و از حضرت صادق ع

منقولست

منقولست که هر که را خوفی باشد پناه برد بگفتن
حسبنا الله و نعم الوکیل و هر که را از وسوسه
ترسد بگوید لا حول و لا قوة الا بالله و همچنین
در حال فقر و احتیاج این کلمات را بگوید بدرستیکه
این کلمات گنجیست از گنجهای بهشت و در آن شفای
هفتاد درد است که کمتر آنها هم و اندوه است پس هر که را
اندوهی عارض شود بگوید لا حول و لا قوة الا بالله
العلی العظیم و هر که دعا کند و دعای خود را ختم کند
بگفتن ما شاء الله لا حول و لا قوة الا بالله
البته دعای او مستجابست بسند صحیح از آنحضرت
منقولست که هر که ده مرتبه یا رب یا الله بگوید حق تعالی
خطاب فرماید که لبیک ای بنده من چه حاجت داری
حاجت خود را بخواه تا مستجاب گردانم منقولست که شخصی

بخدمت حضرت صادق ع عرض کرد که فدای تو شوم دینی
چند بر مردم دارم و وصول نمی آید فرمود این دعا را
بخوان تا وصول آید اللهم لحظة من لحظاتک
تیسر علی غرمائی بها القضاء و تیسر لی بها
الاقتضاء انک علی کل شیء قدیر و هم از آنحضرت
منقولست که هر که از سلاطین ترسد چون از خانه
بیرون رود قل هو الله احد را پیش رو و پشت سر
و بالای سر و زیر پا بخواند که از آن همه روز حصار است
از برای او و از حضرت رسول ص منقولست که هر که دعای
یا من اظهر الجمیل را بخواند اگر ملائکه هفت
آسمان و زمین جمع شوند تا روز قیامت ثواب
آن را نتوانند نوشت و گناهانش آمرزیده شود
و دلش از ایمان پر شود و حق تعالی در روز قیامت

او را

او را شفیع هزار کس گرداند که همه مستوجب دوزخ
باشند اما فضیلت آیة الکرسی از حضرت رسول ص
منقولست که در هر خانه که آیة الکرسی خوانده شود
تا چهل روز ملائکه از آن خانه دور نشوند و تا چهل
روز سحر هیچ ساحری باهل آن خانه اثر نکند و عملهای
نیک در نامهٔ اعمال او بنویسند و گناه او را محو کنند
تا روز دیگر آن ساعت و هر که در عقب هر فریضه
بخواند حق تعالی منع نکند او را از دخول بهشت و او را
از هر بلا ایمن سازد و هر که در محل خواب بخواند
حق تعالی او را از همه بلاها ایمن گرداند و تا چهار همسایه
او را از بلا ایمن گرداند و در حدیث دیگر فرمود
که هر که آیة الکرسی را بعد از نماز بخواند تا نماز دیگر
در امان خدا باشد و حق تعالی هفتاد نظر رحمت بر او کند

وهر نظری هفتاد حاجت اورا براورد هر چند معصیت
بسیار کند واز حضرت صادق منقولست که هر که یک
مرتبه آیة الکرسی را بخواند از او بکردد هزار بلا از
بلاهای آخرت که سهل ترین بلاها فقر واحتیاج باشد دنیا
وکمترین بلاهای آخرت عذاب قبر باشد وهر که بر آزار
چشم خواند شفا یابد وهر که صد مرتبه آیة الکرسی را
بخواند چنانست که در مدت حیات خود عبادت کرده
باشد واز حضرت رسول منقولست که هر که آیة
الکرسی را بعد هر فریضه بخواند هفت آسمان
دریده شود وهم متصل نشود تا حق تعالی گناهان
او را بیامرزد وبعد از آن فرشته بسوی او فرستد
تا عملهای نیک او را بنویسد وگناهان او را محو نماید
وهر که بخواند وثوابش را باهل قبور هدیه نماید خدای تعالی

چهل نور در قبر ایشان بفرستد هر که از مشرق تا مغرب باشد مرده باشند
داخل سازد وقبرهای ایشان را پر نور کرداند وقبور
ایشان را فراخ وگشاده کرداند واز برای هر مؤمنی
که مرده باشد در جنت بلندی کرداند وبرای خواننده
آن ثواب شصت پیغمبر کرامت فرماید وبعدد
هر حرفی از آن فرشته بیافریند که از برای او
تسبیح کنند تا روز قیامت وچنان باشد که
شهید مرده باشد ودر حدیث دیگر فرمود که
چون آیة الکرسی فرود آمد هر بتی که در مشرق
ومغرب بود بر روی در افتاد وابلیس بترسید
پس هر که در وقت بیرون آمدن از خانه
بخواند حق تعالی هفتاد هزار فرشته بفرستد تا
از برای او استغفار کنند ودعا کنند وهر که در

وقت بخواند پریشانی از او دور کردد ودر حدیث داخل شدن
دیگر فرمود که آیة الکرسی پنجاه کلمه است ودر هر کلمه
پنجاه برکت است واز حضرت امام محمد باقر منقولست
که هر که یکبار آیة الکرسی را بخواند حق تعالی هزار مکروه
از مکروهات دنیا را از او دور کرداند وهزار مکروه
از مکروهات آخرت که کمترین مکروهات دنیا درویشی
واز آخرت عذاب قبر باشد وروزی او را فراخ کرداند
وهر که در صبح وشام بخواند از شر دزد وحرامی ایمن
کردد ودر امان خدا باشد واز عذاب محفوظ ماند
واز اسباب وامتعه سوختن ایمن کردد واز خواب
پریشانی وترسیدن ایمن شود واز آفت جنبندگان
زمین چون مار وعقرب وغیر آن محفوظ ماند واز
همه آفات وبلیات ایمن باشد وجن وانس ضرر باو

نتوانند رسانید واگر بنویسد ودر مزارع دفن کند
برکت عظیم در آن پدید آید واگر در آستانه دکان
نهند رواج گیرد ونفعش بسیار شود واگر در آستانه
خانه نهند هرگز در آن خانه دزد نرود واگر بسیار
تلاوت نماید پیش از موت جای خود را در بهشت
ببیند ومرویست از عبدالله ابن عوف که گفت
شبی در خواب دیدم که قیامت برپا شد وهول وهیبت
در دلها نشست وخلایق را در صف سیاست
باز داشتند ومرا بیاوردند در موقف عرصات
وحساب کردند ومرا به بهشت بردند وچون به بهشت
درآمدم قصرهای بلند وکوشکهای مزین بمن عرض
کردند که از نیکوئی آن حیران ماندم وگفتند که
در قصرها را بشمار چون شمردم صد و پنجاه در اودرا

بود پس کفتند خانهایش را بشمار شمردم صد هفتاد و
پنج خانه پس مرا کفتند که این همه از آن تست و من از
شادی از خواب بیدار شدم و نزد محمد سیرین رفتم
و خواب خود را نقل کردم کفت که چنان مینماید که آیة
الکرسی بسیار میخوانی کفتم بلی تو از کجا دانستی کفت
از اینجا که آیة الکرسی پنجاه کلمه است و صد و هفتاد و
پنج حرفست من چون شنیدم از علم و مهارت دانستم
پس مرا کفت ای عبد الله هر که آیة الکرسی بسیار بخواند
سکرات موت بر او آسان کردد واز حضرت رسول
منقولست که آیة الکرسی را از کنج زیر عرش بمن کرامت
کرده اند و بر هیچ پیغمبری چنین کرامتی نکرده اند و بسند معتبر
از حضرت صادق منقولست که چون حق تعالی امر فرمود
که سورهٔ الفاتحة و آیة الکرسی و قل اللهم مالک الملک را

بزمین بیاورند در عرش الهی آویختند و کفتند
پروردکارا ما را بنزد اهل خطاها و کناهان میفرستی
حق تعالی وحی نمود بایشان که بروید بزمین بعزت
و جلال خود سوکند میخورم که هر که از آل محمد و شیعیان
ایشان که شما را تلاوت نماید بعد از نمازهای واجب
رحمت خود را شامل حال ایشان میکردانم و هر روز
هفتاد نظر رحمت بایشان میکنم و در هر نظری هفتاد
حاجت ایشان را بر می آورم و هر چند معصیت بسیار
کرده باشد واز حضرت رسول منقولست که هر که آیه شهد الله
را بخواند و بعد از آن بکوید وانا علی ذلک من الشاهدین
حق تعالی هشت در بهشت بروی وی کشاید و بعدد هر
حرفی از آن فرشته خلق کند که برای او استغفار کنند
تا روز قیامت و هفت در دوزخ بر روی او بر بندد

و در حدیث دیکر فرمود که هر که در وقت خواب بخواند
حق تعالی هفتاد هزار فرشته را خلق کند که تا روز قیامت
برای او استغفار کنند و چون روز قیامت شود حق
تعالی خطاب فرماید که از هر در بهشت که خواهی داخل شو
و چون این آیه نازل شد سیصد شصت بت که
در حوالی کعبه بود همه بر رو در افتادند و در این
باب احادیث بسیار است اختصار کردیم زینة
الاخبار باب ششم در بیان فضیلت ذکر اهل بیت
و صلوات و بعضی امور مناسب ایشانست چنانچه
از اهل اطهار منقولست که هر که در مجلس ذکر ما
کند و صلوات بر پیغمبر بفرستند آن مجلس در روز قیامت
بر ایشان حسرت نباشد و در حدیث دیکر منقولست
که هر که در مجلس ذکر ما کند چنانست که ذکر خدا کرده است

وچون

وچون دو مؤمن با هم ملاقات کنند و ذکر خدا و ذکر
فضائل ما کنند کوشت روی ابلیس بکدازد تا انکه
بوحشت از شدت بناله آید و ملائکه آسمان و زمین
همه او را لعنت کنند واز حضرت امام رضا منقولست
که هر که در مجلسی بنشیند که فضائل و اخبار ما مذکور
شود دلش نمیرد در روزی که همه دلها مرده باشد
واز حضرت رسول منقولست که هر که ذکر فضیلتی از
فضائل علی ابن ابیطالب کند و اقرار بآن داشته
کناهان کذشته و آینده اش همه آمرزیده شود اکر
چه مثل کناه جن و انس باشد و هر که فضیلتی از فضائل
او بنویسد تا اثری از آن باقی باشد برایش ملائکه
استغفار کنند و هر که فضیلتی از فضائل او بشنود
کناهانی که بکوش کرده آمرزیده شود و هر که نوشته فضیلتی

آن نظر کند گناهانی که با چشم کرده آمرزیده شود
و در حدیث دیگر فرمود که نظر بر روی علی ابن
ابیطالب کردن عبادتست و ذکر آن عبادتست
و ایمان هیچ بنده مقبول نیست مگر بولایت او
و از حضرت امام حسن منقولست که هر که در دل با ما محبت
دارد و با دست و زبان نصرت ما میکند با ما در غرفه
ما باشد و هر که در دل محبت دارد و بزبان نصرت
ما کند یک درجه پیشتر باشد و هر که در دل محبت ما دارد
و با دست و زبان نصرت ما نکند در بهشت باشد
و هر که یک صلوات بر حضرت رسول صلعم بفرستد حق تعالی
با هزار صف ملائکه هر یک هزار صلوات بر او بفرستند
بعد از آن هیچ مخلوقی نماند مگر انکه بر او صلوات بفرستند
پس هر که درین نعمت رغبت نکند جاهل و مغرور باشد

وحتی

خدا و رسول و اهل بیتش از او بیزار باشند و هیچ چیز
در میزان قیامت سنگین تر از صلوات نمیباشد
و چون اعمال مؤمنان را در میزان گذارند اگر
حسنات سبک تر و سیئات سنگین تر باشد
انحضرت هر که صلوات بر او فرستاده باشد بر سر حسنات
گذارد تا بر سیئات زیادتی کند پس ببهشت برد
و در حدیث دیگر فرمود که هر که صلوات بر انحضرت
بفرستد گناهانش را محو میکند چنانچه آب آتش را
خاموش میکند و در حدیث دیگر منقولست که
هر که قادر بر کفارهٔ گناهان نباشد صلوات بر محمد
و آلش بفرستد که گناهانرا میریزد چون برگ از
درخت و صلوات بر ایشان برابرست با تهلیل و
تسبیح و تکبیر و در حدیث دیگر منقولست که هر کس

انحضرت در نزدش مذکور شود و درود نفرستد
راه بهشت بر او خطا باشد و هر که دعا کند دعایش
محجوب ماند و بالا نرود تا صلوات فرستد و از
حضرت رسول صلعم منقولست که فرمود در وقت دعا مرا
کوزهٔ مسافران مکو دانید که چون هر اسبا بر اباد
کشند بعد از همه کوزه را در عقب بار بندند بلکه مرا در
اول و میان و آخر یاد کنید و در حدیث دیگر فرمود
که هر که صلوات بر من بیشتر فرستد در روز قیامت بمن
نزدیک تر باشد و هر که از خدا حاجتی طلبد اگر
بعوض آن صلوات حاجتش بر آورده نشود و ثواب
آن صلوات را نیز داشته باشد و از حضرت صادق
منقولست که هر که صلوات بر انحضرت و آلش
فرستد درهای آسمان گشوده شود و گناهانش

مثل برگ

مثل برگ از درخت بریزد و ملائکه هفتاد صلوات
بر او فرستند و حق تعالی فرماید که اگر شما هفتاد صلوات
بر این بندهٔ من فرستادید من هفتصد صلوات
بر او فرستم و هر که صلوات فرستد و بر آل او نفرستد
بوی بهشت را نشنود با وجود انکه بوی بهشت پانصد
ساله راه میرود و میان او و آسمان هفتاد حجاب نصب
شود و حق تعالی فرماید که ای ملائکه دعای این بنده را بالا
میارید تا بر آل پیغمبر من صلوات نفرستد و هر که بگوید
صَلَّى اللّٰهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَاَهْلِ بَیْتِهِ برایش هزار حسنه
نوشته شود و از حضرت رسول صلعم منقولست که صلوات
فرستادن در روز قیامت نوری بود بر صراط پس هر که
در روز جمعه هفتاد بار صلوات بر من فرستد من در
قیامت شفیع وی باشم و در حدیث دیگر فرمود که هر که

یک صلوات بر من بفرستد حق تعالی ده صلوات بر او فرستد
و صلوات حق تعالی آمرزش و رحمت است و در حدیث دیگر
فرمود که حق تعالی دو فرشته بر من موکل کرده است پس
نزد هر بندهٔ مسلمانی که مذکور شوم و صلوات بر من
فرستد آن دو فرشته گویند خدا ترا بیامرزد و اگر
نزد بنده مسلمان مذکور شوم و صلوات بر من نفرستد
آن دو فرشته گویند خدا ترا نیامرزد که نام حضرت
رسول را شنیدی و بر او صلوات نفرستادی و در حدیث
دیگر فرمود که هر که هزار صلوات بر من بفرستد نمیرد
تا جای خود را در بهشت بر او بنمایم و در حدیث دیگر فرمود
که هر که صلوات بر من بفرستد از بهر تعظیم از آن کلمه
حق تعالی فرشته بیافریند که یک بال او در مشرق بود و یک بال
دیگر در مغرب و پاهای او را در زیر کرهٔ خاک و سر او

بر ساق عرش الهی پس حق تعالی او را ندا کند که بر بندهٔ من
صلوات بفرست چنانکه او بر رسول من فرستاد
پس آن فرشته تا روز قیامت بر او صلوات فرستد
و در حدیث دیگر فرمود که هر که هر روز صد بار
بر من صلوات فرستد حق تعالی صد حاجت او را
بر آورد و هفتاد حاجت در دنیا و سی حاجت در آخرت
و در حدیث دیگر فرمود که حق تعالی را فرشتگانند
که قلمهای زرد در دست دارند با صحیفهای نقره و
میگردند پس هر که صلوات فرستد ان نامی نویسند
و بسند معتبر از حضرت رسول صلعم منقول است که فرمود
دیدم مردی را در قیامت از امت خود که بر صراط افتان و
خیزان بود پس صلواتی که بر من فرستاده بود آمد و هر
دو دست او را گرفت تا گذشت از صراط و منقول است

که هر که گوید صلِّ علی محمدٍ و آلِ محمدٍ اجر هفتاد شهید
با و دهند و بیرون آید از گناه مانند روزی که از مادر
متولد شده باشد و از حضرت رسول صلعم منقول است
که هر که با اخلاص یک صلوات بر من فرستد حق تعالی ده
صلوات بر او فرستد و ده حسنات برای او بنویسد
و ده سیئه از او محو کند و ده درجات جای او بلند
گرداند و در حدیث دیگر فرمود که هر که صلوات
بر من فرستد مرغی مبارکات که در اصل دریای عظیم
بدر تحت نشستن خود را در دریا افکند و غوطه
خورد و بیرون آید و خود را بیفشاند حق تعالی هر قطره
که از بال او چکیده شود ملکی خلق نماید که استغفار
کند برای او و هر که صبح وضو سازد و صلوات بر من
فرستد حق تعالی او را و والدینش را بیامرزد و هر که در

وقت خفتن ده صلوات بر من بفرستد ثواب نماز
گذارندگانی داشته باشد و هر حاجت که طلب
نماید بر آورده شود و هر که دو بار روی خود را
شانه کند و هفت بار صلوات بر من بفرستد
چشمش درد نیاید و هر که یکبار بر من صلوات
فرستد ملکی که موکل بر آسمان و زمین که رعد نام دارد
صد بار بر او صلوات فرستد و ملائکه آسمان دوم
که این را بشنوند دویست بار بر او صلوات فرستند
و ملائکه آسمان سیم هزار بار بر او صلوات فرستند
و ملائکه آسمان چهارم دو هزار بار و پنجم پنج هزار
بار و ششم شش هزار بار و هفتم هفت هزار بار صلوات بر او فرستند
آنگاه حق تعالی امر فرماید که ای ملائکه من واگذارید
او را که تعظیم رسول من نموده که ثواب او بر من است

و از حضرت صادق منقولست که هر که صلوات بر محمد
و آل او بفرستد خدا و ملائکه صلوات بر او فرستند
تا هر وقت که او صلوات فرستاده باشد و هر که صلوات
بر او بفرستد همیشه ملائکه برای او استغفار میکنند
و هفتاد هزار ملائکه بر او صلوات فرستند و در حدیث دیگر
فرمود که چون نام آنحضرت مذکور شود صلوات فرستید
بر او که هر که یکصلوات بر او فرستد حق تعالی بر او هزار
صلوات فرستد در هزار صف از ملائکه و هیچ خلقی
نماند مگر آنکه بر او صلوات فرستند پس هر که چنین
رحمتی رغبت نکند جاهل و غافل است و خدا و رسول
و اهل بیتش از او بیزارند و در حدیث دیگر فرمود
که هر که بعد از نماز صبح صد مرتبه بگوید اللّهمّ صلّ علی
محمّد و آل محمّد حق تعالی روی او را از آتش جهنم حفظ نماید و هر که

بعد از نماز صبح و ظهر صد مرتبه بگوید اللّهمّ صلّ علی محمّد
و آل محمّد و عجّل فرجهم نمیرد تا قائم آل
محمد را ادراک نماید و در حدیث دیگر فرمود که صلوات
میان ظهر و عصر برابر هفتاد رکعت نماز است
و برابر است با هفتاد حج و صلوات در میان رکوع
و سجود نماز مثل تسبیح است و ده حسنه دارد
و هفتاد هزار ملائکه ندا کنند که کیست که اینرا بروح
نبی الله برساند و در حدیث صحیح از حضرت صادق
منقولست که رسول خدا روزی بعلی فرمود که آیا
بشارت ندهم ترا که جبرئیل الحال مرا گفت
که هر که از امت من صلوات فرستد بر من و اهل بیت
من گشوده شود برای او درهای آسمان و ملائکه
بر او صلوات فرستند پس اگر گناه کار باشد بریزد

گناه از او مثل برگ درخت و حق تعالی فرماید لبیک
ای بنده من و سعدیک ای ملائکه شما هفتاد صلوات
بر او بفرستید و من هفتصد صلوات و اگر بر اهل بیت
نفرستد هفتاد حجاب میان آن و آسمان حایل شود
و حق تعالی فرماید لبیک و لا سعدیک ای ملائکه
بالا نبرید دعای او را تا بر پیغمبر من ملحق نماید عترت
او را و از حضرت رسول منقولست که فرمود که هر که
صلوات بر من فرستد شفیع او باشم در قیامت و نزدیک
ترین مردمان در قیامت بمن صلوات فرستادگانند
و خدا را چند ملائکه در زمین است که سیاحت میکنند
و صلوات امت مرا بمن میرسانند پس من استغفار
میکنم برای ایشان و خدا ملکی در قبر من موکل کرده
و نامهای همه خلق را باو داده پس تا قیامت هر که صلوات

بر او میفرستم

بر من فرستد در هر جا که باشد بمن میرسد و هر که
خواهد که ملاقات کند با خدا و خدا از او راضی باشد
پس بسیار صلوات فرستد بر من و هر که هر روز یا شبی صد
بار صلوات بمن فرستد هرگز محتاج نشود و
گناهانش آمرزیده شود و سرورش دائمی باشد
و دعایش مستجاب و آرزوهایش آماده باشد و
و یاری بود دشمن و اسباب خیر باید و از جمعی باشد
که رفیق پیغمبر خدا باشد در بهشت و هر که در صبح ده
مرتبه صلوات بمن فرستد حق تعالی گناهان چهل ساله
او را محو گرداند و فرمود که روزی جبرئیل بشارت
آورد که حق تعالی میفرماید که هر که از امت سه مرتبه صلوات
فرستد بر تو بیامرزم او را و اگر ایستاده باشد پیش
از نشستن و اگر نشسته باشد پیش از برخاستن

او پس هر که بر من صلوات یک فرستد حق تعالی امر فرماید
ملکین مستحفظین را که تا سه روز گناه بر او ننویسند
و در **حدیث** دیگر فرمود که هر که یکصلوات بر من
فرستد حق تعالی ده صلوات بر او فرستد و هر که ده صلوات
بر من فرستد حق تعالی صد صلوات بر او فرستد و هر که
صد صلوات بر من فرستد حق تعالی هزار صلوات بر او
فرستد و هر که هزار صلوات بر من فرستد حق تعالی او را
نزدیک آتش نگرداند و پیش از مرگ او را به بهشت بشارت
دهد که حق تعالی میفرماید که هرگاه بنده در روز قیامت حسنات اهل دنیا را
بیاورند و در آنها صلوات بر محمد و آل محمد نباشد هر آینه
همه را رد میگردانم و نمازی نیست کسی را که صلوات
بر پیغمبر خدا نفرستد و دعای بعد از صلوات رد نخواهد
شد پس صلوات فرستید بر من و جهد کنید در دعا

آل محمد را

و آل محمد را در صلوات گفتن باعث دوام سرور و قرب
عالم نور و قبول اعمال و تکثیر آمال و محو سیئات و انواع
خیرات دنیا و عقبا و رفاقت رسول خدا در اعلای
درجات جنان میشود پس در این باب اخبار و آثار
از حد احصا بیرون است و در این مقام همین اکتفا
کردیم تا برادران دینی را از آن اطلاعی حاصل شود
و چون مجملی از فضائل صلوات بیان شد پس بدانکه
از حضرت صادق منقولست که حق تعالی را ملکی چند هست
که میگردند بر زمین هرگاه بگذرند به جماعتی که یاد
محمد و آل محمد کنند بیکدیگر میگویند که مطلب خود را
یافتیم پس می‌نشینند و با ایشان شریک میشوند در آن
امر پس چون برخیزند اگر بیمار شوند بعیادت ایشان
میروند و اگر بمیرند بجنازه ایشان حاضر میشوند

و اگر غایب شوند جستجوی او میکنند پس حق تعالی امید که همه را از
خواب غفلت بیدار کند و لطفشان نزد اکرم اهل بیت
ع گویا گرداند **خاتمه** در بیان فضیلت شب و روز
جمعه است چنانچه از حضرت رسول منقولست که حق تعالی
روز جمعه را حج المساکین گفته یعنی چون فقرا آدینه را جمعه
کنند حج در نامه اعمال ایشان ثبت نمایند و این روزیست
که همه فرشتها و طیورها و وحوشها ذکر حق تعالی میکنند تا
تا شام و در این روز دعا مستجابست خصوصا در ساعت
آخر روز جمعه و هر که غسل کند در این روز بیرون آید
از گناهها مانند روزی که از مادر متولد شده باشد
و هرگاه که گام بردارد بجهت نماز جمعه بسوی مسجد حق تعالی
عمل صالح بیست ساله برای او بنویسد و چون از نماز فارغ
شود دویست ساله کردار نیکو برای او ثبت کند و در حدیث دیگر

فرمود

فرمود که چون شب جمعه مرا بمعراج بردند هفتاد شهر زیر
عرش دیدم که وسعت هر یک مثل دنیا بود و مملو از
فرشتگان بود و همه خدا را تسبیح و تهلیل میکردند و میگفتند
خداوندا بیامرز آنان که بهمان مشغولند و بیامرز آنانی را
که غسل جمعه کردند پس هر که در روز جمعه با غسل نماز کند تا جمعه
دیگر گناه او را ننویسند و در **حدیث** دیگر فرمود که حق تعالی
در روز جمعه شش هزار بنده را از آتش دوزخ آزاد میکند
که همه مستوجب عذاب باشند و بروایتی در هر ساعت
سیصد هزار بنده را از آتش آزاد میگرداند که همه اهل
عقوبت باشند و هر که در این روز بمیرد اجر شهیدان
در نامه اعمال او بنویسند و از فشار قبر ایمن گرداند و حق تعالی
در هر جمعه سه مرتبه نظر میکند بامتان و در هر نظری
هزار گناه امتان مرا بیامرزد و در **حدیث** دیگر فرمود که

هر که در بازار ذکر خدا کند در وقتی که مردمان غافل
باشند و مشغول بیع و شرا باشند حق تعالی هزار حسنه
در نامهٔ اعمال او بنویسد و در قیامت او را بیامرزد و نوازش
فرماید بر وجهی که در خاطر هیچکس خطور نکرده باشد
مرویست از اهل بیت رسالت که حق تعالی شب و روز
جمعه را فضیلت داده است بر سایر روزها و در این روز
دعاها را مستجاب میکرداند و حاجتهای بندگان را بر
می آورد پس سعی کنید در عبادت و استغفار و دعا
کنید برای برادران دینی و مؤمن و برای ایشان استغفار
کنید تا حاجتهای خود را از خدا بخواهید و از حضرت امام
محمد باقر منقولست که هر که سه جمعه پی در پی نماز جمعه را
ترک کند حق تعالی نور ایمان را از دل او بیرون کند و از حضرت
امیر المؤمنین منقولست که روز جمعه در روز قیامت

می آید

می آید و شفاعت میکند کسانی را که بنماز جمعه حاضر
شده اند و از حضرت امام رضا منقولست که حضرت
رسول فرمود که روز جمعه بهترین روزهاست حق تعالی
حسنات را مضاعف میکرداند و سیئات را محو میکند
و درجات مؤمنان را رفیع میکرداند و دعاهای ایشان را
مستجاب میکرداند و المها را زایل میکرداند و حاجات
عظیم را بجا آورد و اگر کسی در این شب یا روز بمیرد شهید
مرده باشد و مبعوث میشود ایمن از غضب الهی و از حضرت
رسول منقولست که شب و روز جمعه بیست و چهار
ساعت است و حق تعالی در هر ساعتی از آن ششصد
هزار کس را از آتش دوزخ آزاد میکرداند و این روز
سید روزهاست و حق تعالی آدم را در این روز آفریده
و در این روز بزمین فرستاد و در این روز فوت شد

و در این روز ساعتیست که هر که در آن ساعت چیزی از خدا
طلب نماید البته عطا کند مگر امر حرامی و در این روز
فرشتها و آسمانها و زمینها و بادها و کوهها و بر و بحر
همه خائفند که مبادا قیامت شود و از حضرت صلوة الله علیه
منقولست که هر که در هر شب جمعه بمیرد حق تعالی مینویسد از
برای او برات بیزاری از آتش دوزخ پس زنهار که
روز جمعه را ضایع مکنید و در حدیث دیگر فرمود
که حق تعالی ملکی هست که در شب جمعه میفرستد باسمان
اول که حسنات مؤمنان را مضاعف کرداند و سیئات
ایشان را محو سازد پس هر خیر و تصدق که دارید در این روز
بعمل آورید که حق تعالی آنرا مضاعف میکرداند پس وای بر
حال کسانی که در شب جمعه و روز آن فردی از اشعار
بخوانند زیرا که در شب جمعه فرشتگان از آسمان بزیر می آیند

بعدد

بعدد ذرات که در میان هوا میباشد و در دستهای
ایشان قلمهای طلا و صحیفها از نقره و تا شب
شنبه نمی نویسند چیزی را مگر صلوات بر محمد و آل محمد را
پس صلوات بسیار بفرستید که بهترین عملها در این
روز صلوات است و از حضرت امام محمد باقر منقولست
که هر که بعد از نماز عصر روز جمعه بگوید اللهم صل علی محمد
وآل محمد الاوصیاء المرضیین بافضل صلواتک
وبارک علیهم بافضل برکاتک والسلام علیه
وعلیهم وعلی ارواحهم واجسادهم ورحمة
الله وبرکاته حق تعالی صد هزار حسنه در نامهٔ اعمالش
بنویسد و صد هزار گناه از او محو نماید و صد هزار
حاجت او را بر آورد و صد هزار درجه از برای او
بلند کرداند و از حضرت رسول منقولست که هر که

که هر که سورهٔ کهف را در هر شب جمعه بخواند کفارهٔ گناه
هفتهٔ او باشد و در حدیث دیگر فرموده که هر که روز
جمعه در روز جمعه داخل مسجد میشود حق تعالی در قیامت
او را روز داخل بهشت کرداند بدرستیکه روز جمعه
درهای آسمان کشوده میشود از جهت بالا رفتن اعمال
بندکان و از حضرت امام محمد باقر منقولست که روز
قیامت ایام را محشور کرداند بنحوی که همه خلایق او را
بشناسند و روز جمعه نورانی لامع باشد و سایر
ایام در عقب او باشند مانند عروسی که بخانه داماد
برند و روز جمعه کواهی دهد برای کسانی که بنماز جمعه حاضر
شده اند و شفاعت کند ایشان را و داخل بهشت کرداند
ایشان را و از حضرت رسول منقولست که نماز جمعه هر اساعت
از هر ایج و ده مرتبه نماز عید قربان ترک کردن افضل

معصیت ندارد که یک مرتبه نماز جمعه ترک شود
و از حضرت صادق منقولست که فرمود البته در روز
جمعه غسل کنید و زینت کنید خود را بپاکیزه ترین
جامها و خضاب کنید و شانه کنید و معطر سازید
خود را بخوشترین بوها و هر بنائی که دارید مدح روز
جمعه ابتدا کنید مثل جامه بریدن و پوشیدن
و درخت نشانیدن و عمارت بنا کردن و سایر
کارها که در روز جمعه بوقت میباشد و در حدیث
دیگر فرمود که هر که در شب یا روز جمعه بمیرد حق تعالی
عذاب قبر را از او بردارد و هر که در روز پنجشنبه بمیرد
از ضغطه قبر ایمن باشد و از اهل بیت منقولست
که حق تعالی در هر شب جمعه از اول شب تا طلوع صبح از بالای
عرش ندا میفرماید که ای بندهٔ مؤمن اگر حاجتی داری

برای دنیا و آخرت طلب نما تا بجا آورم و اگر گناهی
کرده استغفار کن تا بیامرزم ترا و اگر بیماری دعا
کن تا ترا شفا دهم و اگر محبوس و مغموم باشی دعا کن
تا نجات دهم و اگر مظلوم باشی استغاثه کن تا نصرت
دهم و سنت است که در روز جمعه عیال و اطفال خود را
بمیوه و تحفه خوشحال و شاد کرداند که هر که روز جمعه را
خفیف شمارد بر خدا لازم است که او را بجهنم برد
مکر آنکه توبه کند و هر که در روز جمعه هزار مرتبه صلوات
بفرستد ملائکه بعدد آن نازل شوند و ثواب آنرا
بنویسند و هر که در شب جمعه یا شب عید ده مرتبه
بکوید یَا دَائِمَ الْفَضْلِ عَلَى الْبَرِيَّةِ يَا بَاسِطَ الْيَدَيْنِ
بِالْعَطِيَّةِ يَا صَاحِبَ الْمَوَاهِبِ السَّنِيَّةِ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ
وَآلِ مُحَمَّدٍ خَيْرِ الْوَرَى سَجِيَّةً وَاغْفِرْ لَنَا يَا ذَا الْعُلَاءِ

فی هٰذِهِ الْعَشِيَّةِ حق تعالی هزار هزار حسنه برای او ثبت
نماید و هزار هزار سیئه از او محو نماید و هزار هزار
درجه برای او بلند کرداند و روز قیامت با ابراهیم
خلیل باشد و در روز جمعه دو ساعت است که دعا
در آن روز مستجابست یکی وقت زوال دوم آخر روز
تا آفتاب غروب کند و سنت است در ساعت آخر
خواندن دعای سمات جهت دفع اعدا و از حضرت صادق
منقولست که فرمود حق تعالی در بهشت برای بندکان مؤمن
خود در هر شب جمعه کرامتی مقرر فرموده پس چون
روز جمعه میشود حق تعالی ملکی را بنزد بندهٔ مؤمن
خود میفرستد با دو حله پس چون آن ملک بدر بهشت
او میرسد بدربانان میکوید که از مؤمن رخصت
بکیرید تا من بنزد او در آیم پس دربانان بنزد مؤمن

می آیند و میگویند که فرستادهٔ پروردگارت بر در ایستاده
و رخصت میطلبد پس مؤمن بزنان خود میگوید که
مرا چه باید کرد ایشان میگویند که ای سید و بزرگ
ما بحق آن خداوندی که بهشت را بتصرف تو داده که اجازه
از برای تو بهتر از این نیست که پروردگار تو پیک و
رسول بنزد تو فرستاده پس رخصت بده که ملک
درآید و چون رخصت دهد و آن ملک آید و دو حلّه
بیاورد مؤمن یکی را بکمر بندد و یکی را بر دوش افکند
و با پیک حق تعالی روان شود و بهر چیز که گذرد از نور روی
او روشن شود تا بیاید تا وعده گاه رحمت و کرامت و چون
در آنجا مؤمنان همه جمع شوند حق تعالی نوری از انوار جلال
و معرفت بر ایشان تجلّی فرماید پس ایشان بسجده درآیند
خطاب رسد که ای بندگان سر بردارید که امروز روز سجده

وعبادت

و عبادت نیست مشقت و کلفت طاعت را از شما برداشته‌ام
پس ایشان گویند که ای پروردگار ما چه چیز بهتر از این میباشد
که با کرامت کرده‌ای بهشت را خطاب رسد که بشما عطا کردم
هفتاد برابر آنچه اکنون دارید از جمیع نعمتها و کرامتها
پس در هر جمعه از برای مؤمن بر میگردد با هفتاد برابر آنچه
داشته است بیش از آن جمعه و اینست که حق تعالی میفرماید
که تو را مزید نعمتهای رحمت و کرامت هست پس بدانکه روز
جمعه روز مزید است و شبش بسیار سفید و پر نور است
و روزش بسیار نورانیست پس بسیار خدا را در این
روز تسبیح کنید بلا اله الا الله و بسیار یاد کنید او را بگفتن
الله اکبر و حمد و ثنای الهی کنید بگفتن الحمد لله و بسیار
درود بر محمد و آل او بفرستید پس چون بندهٔ مؤمن از وعده
گاه برمیگردد بهر چیزی که میگذرد از آن نور خود روشن

میگویند تا آنکه بنزد زنان خود می آید پس زنانش میگویند
بحق آن خداوندی که بهشت را بر ما مباح کردانیده است ای سید
ما تو را هرگز بحسن امروز ندیده‌ایم او در جواب گوید که از نور
تجلّی جلال پروردگار خود نور و بها و حسن یافته‌ام
بعد از آن حضرت فرمود که زنان بهشت رشک نمیبرند و
از حضرت امام زین العابدین ع منقولست که خواب شب جمعه
خواب حسرت روز قیامت است پس شب جمعه را بعبادت
الهی مشغول شوید و روز آن را بفرستادن صلوات که هیچ
عملی در روز جمعه بهتر از صلوات فرستادن نیست زیرا که
روشنی میدهد آسمانها را تا روز قیامت و ملائکه آسمانها
و ملائکه که موکلند بر قبر آن حضرت استغفار میکنند برای
درود فرستنده و از حضرت صادق ع منقولست که
صلوات بر محمد و آل او در هر شب جمعه روشنی میدهد آسمانها

تا روز

تا روز قیامت و چون روز قیامت شود او را نورانی
کرده‌اند و هر که روز و شب جمعه صد مرتبه صلوات
بفرستد حق تعالی هشتاد گناه و بروایتی صد گناه او را بیامرزد
و صد حاجت او را برآورد و موکل کرداند بر او ملکی در وقتی
که مدفون میگردد در قبرش که او را بشارت دهد مانند
کسی که هدیها برای کسی بیاورد و در حدیث دیگر فرمود
که صلوات میان ظهر و عصر جمعه برابر است با هفتاد حج و
هفتاد رکعت نماز و در حدیث دیگر فرمود که هرکه بعد از
نماز عصر روز جمعه هفتاد مرتبه بگوید استغفر الله و
اتوب الیه گناهان گذشتهٔ او آمرزیده شود و حق تعالی او را
در بقیهٔ عمر از گناه حفظ نماید و اگر گناهی نداشته باشد
از والدینش بیامرزد و از حضرت رسول ص منقولست
که هر که غسل کند جمعه هر قطره که از غسل او بچکد



حق تعالی فرشته خلق کند تا استغفار نماید برای او تا روز
قیامت و در حدیث دیگر فرمود که هر قطره حوری در
بهشت دارد و هر موئی از بدنش ثوابی دارد و خطای
باو نرسد تا جمعه دیگر و اگر بمیرد شهید مرده باشد
و در حدیث دیگر فرمود که زیارت قبر والدین روز جمعه
ثواب ده حج دارد و از حضرت امام موسی کاظم ع منقولست
که روز جمعه خدا را هزار نسیم رحمت و هر بنده را آنچه
خواهد عطا میکند پس هر که بعد از نماز عصر جمعه صد مرتبه
سوره قدر را بخواند همه آنها را با مضاعف باو کرامت
فرماید و کیفیت صلوات با فضائل بسیار در کتاب
زینت الاعمال مسطور است و در اینمقام همین اکتفا کردیم والله
الموفق سنه ۱۲۳۲

